

# توان یاب

سال هفدهم شماره ۶۵  
(پاییز ۱۳۹۶)

۲	سرمقاله
۴	تلاش می کنیم آنچه می گوئیم را عملی نماییم دکتر نژاد بهرام، نماینده شورای شهر پینجم
۶	مناسفانه هنوز دسترس پذیری با مناسب سازی اشتباه گرفته می شود! دکتر صابری، نماینده شورای شهر چهارم
۹	مشکل ما نبود قانون نیست، مشکل اجرای آن است! دکتر محمدخانی، رئیس بنیاد معماری انقلاب اسلامی
۱۳	شهر باید برای زندگی همه ساکنانش دسترس پذیر باشد احسان فیاضی، متخصص شهرسازی
۱۶	با مناسب سازی های شهری چه برای افراد دارای معلولیت و چه برای نابینایان، فاصله زیادی داریم سحر تهرانی فرد، وکیل دادگستری
۱۹	قوانین ما ضمانت اجرایی لازم را ندارند! بهناز رضایی، وکیل دادگستری
۲۳	جلب مشارکت، باعث همگرایی در میان کارآموزان می شود یک روز با نمایندگان شورای کارآموزان
۲۶	ساختن، احساس خلق و خودباوری به کارآموزان می دهد گزارش از کلاس سفال
۳۰	رعایت حقوق افراد دارای معلولیت؛ وظیفه دولت یا لطف و ترحم مسئولان! سروه شیخی، کارشناس ارشد معماری
۳۲	انتظارات متفاوت افراد دارای معلولیت فرزانه حیوطی
۳۳	زمزمه
۳۴	لزوم ایجاد صدای واحد، منجر به تشکیل شبکه ملی نابینایان شد سهیل معینی
۳۷	من درد مشترک هستم، مرا باور کنید! چهره موفق
۴۱	زمزمه
۴۲	حقوق معلولان در کشورهای توسعه یافته
۴۴	در ازدواج، ارتباط انسانی میان دوطرف است که اهمیت دارد یک زندگی
۴۷	ژوکرمن، موسیقیدان معلولیت جسمی مشاهیر دارای معلولیت
۴۸	یک روز با نشانداران تایچی در رعدا!
۵۰	سلامت
۵۲	معرفی کتاب
۵۳	در رعد چه خبر؟



صاحب امتیاز:  
مجمع آموزشی نیکوکاری رعد  
مدیر مسئول:  
دکتر قاسم صالح خو  
سر دبیر:  
دکتر مریم رسولیان  
شورای سیاست گذاری:  
صدیقه اکبری، عبدا. توسلی،  
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید  
میرخانی، دکتر نرگس شفاوردی،  
دکتر مجتبی کامیاب، لیلا انگوتی،  
محمدرضا دشتی، منصوره پناهی  
دبیر تحریریه:  
هاله باستانی  
مدیر اجرایی:  
رضا سخن سنج  
همکاران این شماره:  
سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،  
سودابه بیات، نازنین رحیم زاده  
گرافیک: پرویز مقدم  
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی  
صفحه آرایی: سمانه فطرس  
عکاس: نگین موسوی پورمهرام  
حروفچینی: سودابه بیات  
ویراستار انگلیسی: مهراوه عمرانی  
مترجم انگلیسی: علی مجتهدزاده

نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب  
(قدس) فاز ۲، خیابان هرمزان، خیابان  
پبروزان جنوبی، پلاک ۷۴  
کد پستی: ۱۴۶۶۶ صندوق پستی:  
۱۴۴-۱۴۶۶۵  
شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶ نامبر:  
۸۸۰۷۶۳۲۶  
info@raad-charity.org  
www.raad-charity.org

توان یاب از دریافت مقالات  
و دیدگاه های صاحب نظران  
استقبال می کند. مقالات  
ترجمه شده همراه با کپی  
اصل مقاله ارسال شود.  
مقالات ارسالی پس فرستاده  
نمی شود. توان یاب در ویرایش  
و کوتاه کردن مطالب آزاد است

## شورای شهر و مطالبات شهروندان

رشد، توسعه و گسترش فضاهای شهری منجر به شکل‌گیری نیازهای جدیدی در روابط بین انسان‌ها شده‌است. تنوع ویژگی‌ها، توانایی‌ها، سلیقه‌ها و دیدگاه‌های مردم در یک شهر بزرگ و ضرورت دیده شدن این تفاوت‌ها و نیازها، و برنامه‌ریزی بر مبنای این تفاوت‌ها ضرورتی برای رفاه حال شهروندان و اداره بهتر شهر است. وظیفه دولتمردان فراهم کردن مناسب‌ترین شرایط برای زندگی شهروندان خود و آسایش ذهنی و جسمی آنان است، در این شرایط است که شهروندان هم به رشد و توسعه فردی رسیده و گام‌های مفیدی را در جامعه برمی‌دارند و هرکس حداقل به اندازه‌ای که باری بر جامعه است باری هم از جامعه بخواهند داشت. برنامه‌ریزی مناسب، عادلانه و تکثرگرا، بدون در نظر گرفتن نظرات و عقاید مختلف ممکن نمی‌شود، و از همین رو توجه به نیازهای گروه‌های مختلف و متفاوت مردم در برنامه‌ریزی‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از دیگر سو نیازهای افراد با شرایط خاص تا زمانی که بیان نشود دیده نخواهد شد و برای درک بهتر تفاوت‌ها، طرح و شنیده شدن نظرات و نیازها ضروری است. گفتمان بین گروه‌های مختلف، فضای تک بعدی و یک سوگرایانه را به فضایی با اشتراک بیشتر تبدیل کرده و اجتماع را به سوی همگرایی و هم‌افزایی بیشتری خواهدبرد.

در همین راستا مفهوم مطالبه‌گری اجتماعی برای بیان و دیده‌شدن نیازها و تفاوت‌ها در ادبیات معاصر شکل گرفت.

مطالبه‌گری اجتماعی اراده و اقدام مردمی برای متقاعد کردن سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی به منظور احقاق حقوق شهروندی‌شان است، این امر نه تنها زمینه عدالت اجتماعی گسترده را فراهم می‌کند، بلکه بر سلامت روان و احساس بهبودی شهروندان تأثیر مستقیم دارد. مطالبه‌گری اجتماعی به معنای رویارویی با نظام اجتماعی نیست بلکه به معنای آگاه‌سازی و نشان‌دادن اولویت‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری است که خود بخشی از حقوق شهروندی است.

گام مهم مطالبه‌گری اجتماعی آگاهی شهروندان نسبت به حقوقشان است و این آگاهی در بستر گفت‌وگوی سازنده و رشد تفکر نقاد در عرصه عمومی امکان‌پذیر خواهد شد. در بحث‌های مربوط به مطالبه‌گری اجتماعی در عرصه معلولیت و افراد دارای معلولیت شناخت نیازهای عمومی، حقوق فردی و اجتماعی توسط افراد دارای معلولیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آگاهی نسبت به این نیازها و حقوق فردی، مقدمه‌ای برای مطالبه حقوق شهروندی است. فرد

تندرست درکی از مشکلات تردد افراد دارای معلولیت در شهر ندارد و تا زمانی که افراد یا نهادهای مرتبط با معلولیت این نیازها را بیان نکنند، غفلت‌های موجود ادراک نمی‌شود و تا زمانی که این مشکلات ادراک نشوند، برنامه‌ریزی روشنی برای رفع آن نخواهد شد.

مطالبه‌گری اجتماعی به صورت سازمانی و یا غیر سازمانی بروز و ظهور پیدا خواهد کرد. در عرصه سازمانی احزاب، سمن‌ها، رسانه‌ها، شوراهای شهر و روستا و یا شرکت‌ها در قالب مسئولیت اجتماعی به آن می‌پردازند. در عرصه غیرسازمانی به صورت فردی یا گروهی و خودجوش تظاهر پیدا می‌کند.

سطوح مطالبه‌گری اجتماعی از سطح تجربیدی و اولیه تا سطوح انتزاعی در جوامع مختلف دیده می‌شود. در سطوح ابتدایی مطالبه‌گری نیازهای فیزیولوژیک در اولویت قرار دارد، مانند سهمیه بنزین، نان، ... و در سطوح انتزاعی امکان تحصیل، انتظار رفتار مناسب، سلامت آب و هوا. در جوامع رشدیافته در کنار مطالبه، احساس مسئولیت اجتماعی هم در شهروندان وجود دارد و شهروندان خود را هم مسئول تأمین نیازهای خود می‌دانند و مسیری یک طرفه از دولتمردان را قائل نیستند. به عنوان مثال جمع‌آوری زباله که در همه شهرهای بزرگ یک مسئله پرهزینه و باری سنگین بر دوش شهرداری‌هاست، با احساس مسئولیت شهروندان و مشارکت آنان در کار و ارائه برنامه‌های مناسب مشارکتی می‌تواند ابعاد بسیار کوچک‌تری پیدا کند. رشد متوازن بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مطالبه‌گری اجتماعی راه برون‌رفت از مشکلات اجتماعی کشور خواهد بود. در شرایط غیرمتوازن انتظارات مردم از دولت بسیار فراتر از امکانات دولت و ایده‌آل‌گرایانه مطرح می‌شود. در این شرایط دولتمردان هم ناچیزترین حقوق را زیاده‌خواهی و یا تهدیدی علیه خود درک کرده و در نتیجه در این شرایط، گفتمان شکل نمی‌گیرد و تا زمانی که گفتمان منطقی بین مردم و مسئولان شکل نگیرد رشد منطقی مطالبه‌گری هم شکل نخواهد گرفت و رفتارهایی افراط و تفریطی را شاهد خواهیم بود. اعتراض به کاستی‌ها و انتظار رفع یک شبه همه مشکلات و شکل‌گیری فضای مقصریابی گره‌ای از مشکلات مردم و دولت باز نخواهد کرد. شکل‌گیری شوراهای شهر و روستا گامی بلند در راه تحقق مطالبه‌گری اجتماعی بوده است. این شوراها واسطه‌ای بین مردم و دولت هستند و در صورتی در کارکرد خود موفق خواهند شد که این واسطه‌گری را در سرلوحه اهداف خود قرار داده و نیازهای گروه‌های مختلف و متنوع را در برنامه‌ریزی‌های خود مد نظر قرار دهند.

سردبیر





دکتر نژاد بهرام، نماینده شورای شهر پنجم

زهرا نژادبهرام، عضو جدید شورای شهر مدرک دکترای علوم سیاسی را دارد. او سوابق آموزشی، مدیریتی و اجرایی بسیاری را از سرگذرانده و حالا با رای مردم تهران به نمایندگی شورای شهر پنجم رسیده است. شهری که با وجود فراز و نشیب‌هایی که گذرانده هنوز برای همه شهروندانش آماده زندگی نیست. با این عضو شورا به گفت‌وگو نشستیم.

## تلاش می‌کنیم آنچه می‌گوییم را عملی نماییم

خانم دکتر، نشریه توانیاب به دلیل آغاز به کار شورای شهر پنجم قصد دارد مطالبات افراد دارای معلولیت را که بزرگ‌ترین اقلیت جمعیتی ساکن شهر هستند را از طریق شورای شهر جدید دنبال کند. شما به عنوان عضو این شورا چقدر نسبت به موانعی که برای زندگی این اقشار در شهر وجود دارد احساس مسئولیت می‌کنید؟

ما در یک مجموعه شهری زندگی می‌کنیم که همه ساکنان آن فارغ از اینکه تندرست باشیم یا معلولیت داشته باشیم، زن باشیم یا مرد، جوان باشیم یا سالمند و فارغ از تمام تفاوت‌هایی که داریم در این شهر زندگی می‌کنیم. شهری که به دلایل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی هنوز نتوانسته ظرفیت‌های لازم برای بهره‌برداری عادلانه همه ساکنینش را فراهم کند. بخشی از این بی‌توجهی‌ها به فرهنگ اجتماعی و بخشی از آن هم به باورها و رویکردهای افراد اعم از مردم کوچه و بازار و مسئولان برمی‌گردد.

زمانی در دنیا معلولیت به‌عنوان یک عیب محسوب می‌شد. انگار که فرد دارای معلولیت خطای بزرگی مرتکب شده و مورد غضب الهی قرار گرفته است. به کسانی که معلولیت داشتند، با ترحم

نگاه می‌شد و آنها را افراد درمانده‌ای می‌دانستند که نیاز به کمک و ترحم دارد. این دوره گذشت و دوره‌ای رسید که معلولیت را به‌عنوان یک بیماری لاعلاج تلقی می‌کردند. آنها را افرادی جدا شده از جامعه می‌دانستند و می‌گفتند اگر کسی معلولیت دارد یا باید در خانه بماند و یا به مراکز نگهداری سپرده شود. نگاه ترحم‌آمیز هنوز هم در این دوره وجود داشت ولی آن نگاه غضب الهی کم رنگ شد.

مقطع بعدی که تحولی جدی در نگاه به معلولیت ایجاد کرد، بعد از جنگ جهانی دوم بود. این دوره یکی از سرشاخه‌های اصلی برای تعریف حقوق معلولان و باور به حقوق این افراد بود. در جریان جنگ جهانی دوم تعداد زیادی از افراد دچار معلولیت شدند. نیازهای این گروه منجر به این شد که رویکرد سازمان ملل نسبت به معلولان و جانبازان تغییر معنادار کند. امروزه بسیاری از کشورها میراث‌دار معلولیت ناشی از جنگ‌هایشان هستند. خود ما بعد از جنگ تحمیلی هشت ساله شاهد سیصد تا چهارصدهزار معلول جنگی بودیم. این‌ها افراد توانمندی بودند که در اثر جنگ دچار

معلولیت شده بودند. در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، نگاه به معلولیت تغییر کرد و از نگاه ترحم‌آمیز و جداسازی و حمایتی خارج شد و از آنها نیز انتظار یک انسان متعالی فارغ از تفاوت‌ها ایجاد شد.

در کشورهای پیشرفته به تدریج فضاهای شهر برای زندگی انسان در هر شرایطی دسترس پذیر شدند. در این کشورها کسی که ناتوان است برای عبور از خیابان با فشار دادن کلیدی، چراغ راهنمایی را برای عبور ماشین‌ها قرمز می‌کند و با احساس امنیت از خیابان عبور کند. عرض خیابان‌ها کم است و یک فرد دارای معلولیت می‌تواند به راحتی خودش را به طرف دیگر خیابان برساند. بنابراین در دنیای مدرن و در شهرهای مدرن باور به حقوق معلولان منجر به عملی شدن این حقوق در زندگی روزمره آنها شد و عینیت پیدا کرد. امیدواریم بتوانیم با همت نمایندگان شورای شهر پنجم و با تکیه بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ما هم بتوانیم شهر را برای همه شهروندانش دسترس پذیر کنیم. شاید اگر دوستان ما در شهرداری



با انجمن‌های تخصصی معلولان هماهنگ باشند نه تنها نیازهای افراد تندرست بلکه نیازهای افراد کم توان دارای معلولیت هم برآورده شود.

**در شهرداری تهران ستاد مناسب‌سازی قبلاً ایجاد شده است. این ستاد چه فعالیتی دارد؟**

بله چنین ستادی وجود دارد ولی آنطور که باید در آن دقت نشده است. این در حالیست که گاهی سمن‌ها به خاطر دغدغه‌هایشان چیزهایی را می‌دانند که دیگران به آن توجه نمی‌کنند. من با حوزه توانمندسازی تشکل‌های غیردولتی و سمن‌ها آشنا هستم. سمن‌ها چگونه شکل می‌گیرند؟ این افراد یا خودشان معلولیت دارند یا افرادی در خانواده‌شان دچار معلولیت هستند و یا که دغدغه‌های انسانی دارند. ستادهای مناسب‌سازی اگر بخواهند به واقعیت‌ها نزدیک باشند باید ارتباط خود را با تشکل‌های غیردولتی نزدیک‌تر کنند. اگر بخواهیم این مسیر را به درستی پیش ببریم باید شهرداری و ستاد مناسب‌سازی را با سمن‌ها متصل کنیم. اگر چنین اتفاقی بیفتد یقیناً فرصت‌های خوبی ایجاد می‌شود.

**ما ستاد مناسب‌سازی در شهرداری و فراکسیون حمایت از حقوق معلولان را در مجلس شورای اسلامی داشتیم. ولی کار چندانی صورت نگرفت. به نظر شما علت چه بود؟**

گاه کارهایی به صورت شکلی و نمادین مطرح می‌شوند و زمانی هم کارهای به صورت واقعی شکل می‌گیرند. تلاش می‌کنیم آنچه می‌گوییم واقعی باشد. من در کمیسیون شهرسازی شورای شهر تهران هستم و مهم‌ترین کاری که می‌توانم دنبال کنم، مناسب‌سازی فضاهای شهری است. خوب است یک بار دیگر و از زاویه دیگری خیابان‌های شهرمان را نگاه کنیم. خوب است که سمن‌ها در کنار دغدغه‌های دیگرشان، نقشه مناطق حساس شهری و معابر را تهیه کنند و مشخص کنند که این معابر در چه نقاطی نیاز به بازسازی یا مناسب‌سازی دارند و این نقشه‌ها را در اختیار شورای شهر قرار دهند تا دست ما برای درخواست از شهرداری پر باشد. نظارت بر انجام کار هم باید علاوه بر شورا، برعهده سمن‌ها باشد که پس از انجام کار ببینیم آیا کار درست انجام شده است یا نه؟

**من در کمیسیون شهرسازی شورای شهر تهران هستم و مهم‌ترین کاری که می‌توانم دنبال کنم، مناسب‌سازی شهری است**

شهری منتقل می‌کنیم. گاهی طرح‌هایی در ذهن خود افراد دارای معلولیت وجود دارد که شاید به فکر خیلی از مسئولان و مدیران نرسد. چون این افراد خودشان با مشکلات از نزدیک دست و پنجه نرم می‌کنند و دنبال راه چاره‌ای برای حل کردن این مشکلات هستند. طرح‌ها و ایده‌هایی که خود افراد دارای معلولیت مطرح می‌کنند، می‌تواند به ما ایده بدهد و به رفع نواقص کمک کند.

**طبق آن چه در کنوانسیون حقوق معلولان آمده است معلولان مایلند که خودشان در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود شرکت داشته باشند. آیا این امکان وجود دارد که شورای شهر جدید یک کارگروه مشورتی با حضور خود این افراد ایجاد شود که مصوبات شورای شهر را ببینند و نظر بدهند؟**

شورای شهر کارش برنامه‌ریزی و نظارت است و شهرداری کارش اجراست. وجود چنین کارگروهی باید در شهرداری ایجاد شود چون در چارچوب کار شورای شهر نیست. ولی شورای شهر می‌تواند این را از شهرداری بخواهد. ما باید آنچه را که در برنامه پنج ساله دوم شهرداری نسبت به مسائل معلولان دیده شده است و شهرداری در قبال انجامشان تکلیف دارد را فعال کنیم.

چقدر خوب است که مرکزی مثل رعد خودش این وظیفه را برعهده بگیرد و افراد صاحب فکر و تخصص را به ما معرفی کند. ما می‌توانیم هر از چند گاهی از این افراد دعوت به عمل آورده تا که با نمایندگان کمیسیون‌های مختلف شورای شهر جلساتی برگزار کنیم تا این افراد دیدگاه‌های خود را مطرح کنند و با هم تبادل نظر داشته باشیم. می‌شود این جلسات را در خود مرکز رعد که مناسب‌سازی شده است هم برگزار کنیم.

**آیا این امکان وجود دارد که در آینده، شهرداری‌های مناطقی از تهران از خود افراد توانمند متخصص که خودشان دارای معلولیت هم باشند انتخاب شود؟**

باید به این مسئله فکر کرد. وقتی فضای مناسبی وجود داشته باشد و نگاه و باورها نسبت به معلولیت تغییر کند می‌تواند انتظار چنین مواردی را هم داشت. ولی چنین درخواستی در شرایط کنونی شاید هنوز زود باشد. ولی انشالله در آینده این امکان حتماً وجود خواهد داشت.

ایجاد این ارتباط خیلی مهم است. این ارتباط از طریق تلاشی که از طرف سمن‌ها صورت می‌گیرد و وظیفه‌ای که برگردن شورای شهر است، منجر به یک حرکت مثبت در این عرصه می‌شود. آنچه مهم است این است که معلولیت را یک بیماری ندانیم و این افراد را ایزوله نکنیم بلکه این افراد از شهروندان ما هستند که به دلایل متعددی چه مادرزادی و چه در اثر حوادث و جنگ دچار مشکلات جسمی حرکتی شده‌اند. این افراد باید بتوانند زندگی طبیعی خود را ادامه دهند.

معلولیت چرخه پرمانه‌ای است که ممکن است در کنار هر کدام از ما قرار بگیرد. هیچکدام از ما نمی‌توانیم بگوییم که چه موقع و چگونه ممکن است دچار معلولیت شویم. سالمندی هم یک نوع محدودیت و یا معلولیت محسوب می‌شود.

**یکی از بزرگ‌ترین مشکلات افراد دارای معلولیت علاوه بر موانع شهری، حمل‌ونقل است که مانع از حضور آنها در جامعه می‌شود؟**

امیدواریم که در آینده بتوانیم به تمام این موارد رسیدگی کنیم. در جلسه‌ای که با مسئولان مرکز رعد و آقای دکتر کمالی داشتیم، قرار شد که ایشان پیوسته‌هایی از درخواست‌های معلولان تهیه کنند و در اختیار ما قرار دهند. این درخواست‌ها لایه‌های مختلفی دارد. درخواست‌های مربوط به مناسب‌سازی به کمیسیون شهرسازی و درخواست‌های مربوط به حمل‌ونقل به کمیسیون حمل‌ونقل ارجاع خواهد شد. شورای شهر مصوبات زیادی دارد ولی اینکه این مصوبات عملیاتی شوند مهم است.

اگر افراد دارای معلولیت هر منطقه و سمن‌ها موانع شهری را منطقه به منطقه شناسایی کنند و در اختیار ما قرار دهند ما این اطلاعات را به معاونت عمرانی و معاونت خدمات



دکتر علی صابری در شورای شهر چهارم، به نمایندگی از طرف سمن‌های معلولان انتخاب شد. او که وکیل دادگستری است به دلیل حمایت نشدن از طرف لیست امید در شورای شهر پنجم، از شرکت در انتخابات این دوره انصراف داد. با او در مورد تجربیاتش در شورای شهر چهارم به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

علی صابری، نماینده شورای شهر چهارم

## متاسفانه هنوز دسترس‌پذیری با مناسب‌سازی اشتباه گرفته می‌شود!

در مورد مصوبات شورا نسبت به افراد کم‌توان بود. مثلاً اگر فضاهای زیرسطحی مثل مترو را تعریف می‌کردند و یا مصوبه‌ای برای ایمنی مترو می‌دادند و یا مواردی شبیه با این، تلاش می‌کردم که بحث دسترس‌پذیری برای افراد دارای معلولیت و سالمندان و کودکان و همه اقشار جامعه هم در این مصوبه دیده‌شود.

حوزه سوم، در مورد مسائل ویژه مربوط به افراد دارای معلولیت بود. مثلاً اگر قرار بود پارک یا مکان عمومی ساخته‌شود، حتماً به دسترس‌پذیری و مناسب‌سازی آن هم توجه شود. در مورد سازمان میادین میوه و تره‌بار نظرم این بود که در جهت اشتغال افراد دارای معلولیت، امتیازاتی برای اجاره غرفه برای آنها در نظر گرفته شود. البته با وجود اینکه همیشه انتظار مشارکت در ایده‌پردازی و پیشنهاد از طرف سمن‌ها را داشتم ولی متاسفانه هیچ‌وقت طرح خوبی از طرف آنها به دستم نرسید. یکسری از سمن‌ها می‌خواستند غرفه بگیرند و سود حاصل از آنها را بین اعضای خود تقسیم کنند! با توجه به فضایی که در بیشتر سمن‌ها حاکم است و

دسترس‌پذیری  
یک واژه مفهومی است که  
سعی کردیم آن را وارد  
ادبیات مدیریت شهری  
کنیم

سایت کانون معلولان انجام می‌شد. اعلام می‌شد که این هفته در شهرداری کدام منطقه هستیم. این ملاقات‌های مردمی که اکثراً بیان مسائل شخصی افراد بود بازخوردهای خوبی داشت. این درخواست‌ها گاه می‌توانست قانونی باشد یا نباشد. گاهی هم خواسته‌ای غیرمتعارفی داشتند. مثل درخواست شغل می‌کردند که در حوزه کاری شورای شهر نبود. ولی درخواست‌هایی که امکان‌پذیر بود، مورد بررسی قرار می‌گرفت.

حوزه دوم کار من، حساس بودن

آقای دکتر! شما در چهارمین انتخابات شورای شهر از مردم شهر تهران رای آوردید و یکی از اعضای این شورا شدید. با توجه به حوزه تخصصی‌تان که حقوق است، در حوزه معلولان در این چهار سال چه کارهایی انجام دادید؟

تعریفی که من در مورد افراد دارای معلولیت در شورای شهر برای خودم داشتم در سه حوزه بود. یکی از آنها رسیدگی به درخواست‌های شخصی مراجعه‌کنندگان بود. همان‌طور که معلمان، کارگران، رزمندگان و... وقتی نماینده‌ای در شورای شهر داشتند انتظاراتی از آنها داشتند، سعی کردم که افراد دارای معلولیت هم احساس کنند که نماینده‌ای در شورا دارند و خواسته‌هایشان پیگیری می‌شود. مثلاً فرد دارای معلولیتی می‌خواست برای منزلش جواز بگیرد یا یک طبقه اضافی بسازد یا پایان کار از شهرداری می‌خواست و از این قبیل درخواست‌ها. سعی کرده‌بودم در دفترم همیشه بر روی افرادی که معلولیت دارند باز باشد. در ملاقات‌های مردمی هم که هر هفته انجام می‌شد، من همیشه در کنار شهردار منطقه شرکت می‌کردم. اطلاع‌رسانی هم از طریق صفحه خودم در پرتال شورای شهر و هم از طریق



شماره ۵۵، پاییز ۱۳۹۴

تنها تعداد محدودی از آنها شفافیت مالی داشتند، من با این کار موافق نبودم. اگر چنین امکانی برای همه افراد دارای معلولیت به وجود می‌آمد، اشکال نداشت.

### عملاً در این مدت چهارساله شما چه طرحی را پیگیری کردید و به نتیجه رساندید؟

از طرح‌هایی که در این حوزه می‌توانم به آن اشاره کنم، ایجاد باغ گل برای نابینایان بود. این طرح در شورای شهر تصویب شد و قرار شد در بوستان ویژه جانبازان و معلولان در منطقه پنج، اجرایی شود. بودجه لازم را هم تعیین کردیم ولی از آنجاکه از تصویب تا تخصیص، راهی طولانی وجود دارد، نمی‌دانم که آیا این طرح بالاخره به مرحله اجرا رسید یا نه؟ این سه مورد، حوزه کاری بود که من برای خودم در شورای شهر تعریف کرده بودم. البته به نظر من اگر کسی بخواهد حوزه معلولان را پیگیری کند، دلیلی ندارد که حتماً خودش هم معلولیت داشته باشد. در شورای شهر پنجم نماینده‌ای از معلولان نداریم ولی باید امیدوار باشیم که نمایندگان جدید دغدغه مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت را داشته باشند.

### با توجه به تجاربی که در این چهار سال پیدا کردید، با چه آسیب‌هایی در این سه حوزه روبه‌رو بودید؟

حوزه اول آسیب‌شناسی چندان‌ی نداشت. چون همان توقعاتی که سایر مردم از اعضای شورای شهر چه به حق یا به نا حق داشتند، افراد دارای معلولیت نیز همین‌گونه توقعات را داشتند. البته بودند افرادی که می‌خواستند چندین بار کمک بگیرند. این مسائل در مورد سمن‌ها هم به همین‌گونه بود. ولی چون من از جامعه معلولان بودم و از آن‌ها شناخت داشتم، جلوی این مسائل را می‌گرفتم. در حوزه دوم، این که اعضای شورا نخواهند همکاری کنند، مطرح نبود. ولی مسئله این بود که دسترس‌پذیری یک واژه مفهومی است و من خیلی سعی کردم آن را وارد ادبیات مدیریت شهری کنم. البته به‌نظرم در این چهار سال در این زمینه از نظر ادبیات نوشتاری موفق بودم. ولی هنوز مفهوم دسترس‌پذیری در ذهن بسیاری از همکاران جا نیفتاده و اکثراً آن را با مناسب‌سازی اشتباه می‌گیرند. در این زمینه، نیاز به آگاهی‌رسانی بیشتری وجود دارد. در این حوزه آفت دخالت‌های افرادی که غیر

**با وجود اینکه همیشه انتظار مشارکت در ایده‌پردازی و پیشنهاد از طرف سمن‌ها را داشتیم ولی متأسفانه هیچ‌وقت طرح خوبی از طرف آنها آماده نشد!**

در کجا قرار دارد. در حالت عادی باید شرایط جامعه طوری فراهم باشد که فردی که معلولیت دارد بتواند به‌طور مستقل نه با کمک فرزند و خانواده خرید کند. این امکان در کشورهای پیشرفته دیده شده که در فروشگاه‌های بزرگ یک همراه کنار فرد دارای معلولیت وجود دارد. بنابراین اگر بحث دسترس‌پذیری از نظر فکری برای حتی یک نفر از اعضای شورای شهر جا بیافتد، کار آسان‌تر خواهد شد. البته این فرد باید بتواند آن را برای دیگران هم جا بیندازد که اصلاً کار راحتی هم نیست!

### آیا شما مایل هستید که ارتباط خود را با شورای شهر جدید حفظ کنید؟

من مشکلی ندارم و از این ارتباط استقبال می‌کنم. ولی اعضای جدید شورای شهر هستند که باید به ایجاد این ارتباط تمایل داشته باشند. اتفاقاً در جلساتی که با اعضای جدید شورای شهر داشتیم این مباحث را مطرح کردیم. یکسری مباحث عمومی مطرح شد مثل مباحث حقوقی که در تخصص من بود و یکسری هم مباحث اختصاصی مربوط به معلولان. من در مورد کلیات آن صحبت کردم و گفتم که اگر هرکدام از اعضای شورای شهر علاقه‌مند به کار در حوزه معلولان باشند، لازم است جلسات ویژه‌ای در این مورد بگذاریم. گفتن این مباحث برای هر بیست‌ویک نفر ضرورت ندارد چون در حد کلیات باقی می‌ماند. من باخانم دکتر نژادبهرام عضو جدید شورای شهر، در این رابطه صحبت کرده‌ام و امیدوارم که این همکاری و ارتباط ادامه پیدا کند.

### به نظر می‌رسد که در حوزه مناسب‌سازی باوجود هزینه‌های زیادی که تخصیص یافته هنوز هیچ کار اصولی انجام نشده است. به‌طوری‌که یک فرد با ویلچر هرگز نمی‌تواند از خانه خود تا مکان دیگری به‌طور مستقل حرکت کند؟

دلیل آن این است که مناسب‌سازی به‌صورت نهادینه و کارشناسی شده در کشور انجام نشده است. کارهایی که انجام شده چه خوب و چه بد، چه ضعیف و چه قوی، چه با بودجه و چه بدون بودجه، به‌صورت یکسان و یکپارچه دیده نشده است. یعنی همه کارها به‌صورت جزیره‌ای بوده است. در دوره قبلی ریاست جمهوری آقای روحانی، ستاد ملی مناسب‌سازی بالاخره در وزارت کشور

کارشناسی می‌خواستند وارد این حوزه شوند زیاد بود. البته در مورد اعضای شورای شهر چون تعداد افراد محدود و قابل کنترل بود، مسئله خاصی پیش نیامد. در حوزه سوم هم مشکلی نبود ولی طرح‌های پخته و علمی از طرف سمن‌ها به دستم نرسید. گاهی حضور کسانی که می‌خواستند هیاهو کنند، کار را سخت می‌کرد. به نظر من اعضای شورای شهر باید حواسشان باشد که چه کاری درست است و چه کاری درست نیست. مخصوصاً اگر نسبت به مسائل معلولان شناختشان کلی باشد. چون در این حوزه تشخیص سره از ناسره خیلی راحت نیست.

### چه توصیه‌ای با توجه به تجربه چهارساله می‌توانید به اعضای شورای شهر فعلی داشته باشید؟

مشکلی که شهر با آن دست به گریبان است، فقط مسئله فیزیکی نیست، دسترس‌پذیری است که یک مفهوم فکری و معنوی است. یعنی هر کاری که می‌خواهید انجام دهید حتی کارهای مجازی، باید به‌گونه‌ای باشد که برای همه افراد منجمله افراد دارای معلولیت، در دسترس باشد. اگر فروشگاه‌های می‌سازید این دسترس‌پذیری باید در نظر گرفته شود. چیزهایی فیزیکی نیستند، مثل داشتن همراه در فروشگاه شهروند که اکنون اجرا می‌شود. این بحث فیزیکی نیست و در هر فروشگاه‌های در هر شهرهای پیشرفته وجود دارد. مثلاً کسی که روی ویلچر نشسته است دستش به شیشه خیارشوری که در قفسه‌ای با ارتفاع یک متر و نیم قرار دارد نمی‌رسد. فرد نابینا هم که اصلاً آن را نمی‌بیند و نمی‌داند که



چهارم هم به بحث انتخابات نزدیک می‌شود. الان بهترین موقع برای تصویب این قانون است.

**در کنوانسیون حقوق معلولان این آمده که باید در سیاست‌گذاری‌های مربوط به معلولان خودشان باید حضور فعال داشته باشند. آیا در شورای شهر چنین امکانی وجود دارد؟**

در شورای شهر جدید، عضوی از جامعه معلولان انتخاب نشد. سمن‌های مربوطه در این دوره از انتخابات شورای شهر فعالیت‌های خوبی کردند و از هر دو جناح سیاسی خواستند که در لیست خود از افرادی دارای معلولیت استفاده کنند. در لیست اصولگران آقای شاکری بود که لیست آنها رای نیارود و در لیست اصلاح‌طلبان هم که کسی از افراد دارای معلولیت نبود. شهردار سابق تهران، یک شورای مشورتی به نام شهر دسترس‌پذیر (شهر بدون مانع) را تشکیل داد و سه نفر از افراد دارای معلولیت را انتخاب کرد که عملاً دو نفرشان همکاری نکردند. این افراد به‌عنوان مشاور شهردار بودند که شهردار در امور مربوط به معلولان با آنها مشورت می‌کرد. من امیدوارم شهردار جدید حداقل یک نفر را برای مشورت در این مورد انتخاب کند. این نهاد اکنون دبیرخانه دارد و جایش مشخص است. تشکیل این گروه مشورتی به‌نوعی اجرای بندی از کنوانسیون است که شما به آن اشاره کردید.

**افراد دارای معلولیت در چه حوزه‌ای می‌توانند از شورای شهر انتظار داشته باشند. آیا در بحث اشتغال هم شورای شهر می‌تواند نقشی داشته باشد؟**

انتظاری که این افراد می‌توانند از شورای شهر داشته باشند، فقط در حوزه مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری محیط شهری است. البته حمل‌ونقل هم زیرمجموعه مدیریت شهری است و می‌تواند جز انتظارات آن‌ها باشد. در مورد اشتغال هم شورای شهر می‌تواند روی استخدام‌هایی که در شهرداری می‌شود نظارت کند که آن سهمیه ۳ درصدی رعایت شود. ولی شورای شهر در ایجاد اشتغال مستقیماً نمی‌تواند برای افراد دارای معلولیت کاری کند.

امیدوارم که در شورای شهر جدید بیشتر از قبل روی دسترس‌پذیری شهر، کار شود تا همه شهروندان شهر از آن بهره‌مند شوند.

در شورای شهر پنجم  
نمایندگانی از افراد دارای معلولیت  
نداریم ولی باید امیدوار باشیم که  
نمایندگان جدید  
دغدغه مسائل مربوط به  
افراد دارای معلولیت را  
داشته باشند

در مجلس است. در مجلس قبل این قانون تصویب شد ولی آن‌جوری که می‌خواستیم نبود. در مجلس قبل اتفاقی که افتاد این بود که هم سازمان بهزیستی و هم بعضی از سمن‌ها برای اینکه بتوانند اصلاحاتی را که مدنظرشان بود را در قانون اعمال کنند، مثل هزینه در مورد پروژه‌های مجتمع‌های شبانه‌روزی یا اخذ امتیازهای تجاری برای ساختمان‌های مربوط به معلولان و...، باعث شد که دست ما از کمیسیون مشترک کوتاه شود. کمیسیون مشترک هم همین قانون را به‌صورت آزمایشی یعنی به‌صورت اصل ۸۵، بدون اینکه به صحن بیاید تصویب کرد و آن را به شورای نگهبان فرستاد. شورای نگهبان هم ایراد گرفت که این اصلاحیه قانون است و ضرورت ندارد که با فوریت و به‌صورت اصل ۸۵ تصویب شود. ضمن اینکه به یک سری از موادی که به آن اضافه‌شده بود هم ایراد گرفت و آن را به مجلس دهم برگرداند. مجلس دهم هم باید این مواد را اصلاح و مجدداً تصویب کند.

به نظر من کار این لایحه بسیار کند پیش می‌رود. تا آنجا که می‌دانم فراکسیون حمایت از حقوق معلولان در مجلس جدید هم شکل گرفته‌است و امیدوارم که با کوشش این فراکسیون، از قانون جامع حقوق معلولان که الان به کمیسیون اجتماعی ارجاع شده رفع ایراد شود و برای تصویب به صحن مجلس بیاید. به‌نظر من الان موقع خوبی است. سال اول کار مجلس، به بحث برنامه ششم و بودجه گذشته است و سال سوم و

تشکیل شد و این قانون به‌صورت شکلی اجرایی شد. در شهرداری هم ستاد مناسب‌سازی فضاها و معابر شهری که بر پایه مصوبه سال ۸۴ شورا تشکیل شده بود ولی به خاطر انتخابات مسکوت مانده بود، دوباره احیا شد. ولی مشکلی که وجود دارد و امیدواریم که شورای شهر پنجم آن را حل کند، این است که بودجه‌ای را که می‌خواهند به مناسب‌سازی تخصیص دهند، در اختیار یک نهاد قرار گیرد. مثلاً ستاد مناسب‌سازی باشد و یا زیرمجموعه بودجه‌های جاری عمران مناطق قرار بگیرد و از این طریق هزینه شود.

ما این مشکل را در شورای چهارم با وجود اینکه همکاران من در کمیسیون بودجه خیلی همکاری کردند، نتوانستیم حل کنیم. چون سمن‌ها هر کدام مسیری را دنبال می‌کردند و سلاخی خود را اجرایی می‌کردند. یعنی عملیاتشان را با هماهنگی شورای شهر انجام نمی‌داند. به نظر من تا وقتی که ما خودمان یک نظم درونی ایجاد نکنیم، در بیرون اتفاقی نمی‌افتد؛ مشکل دیگر این است که اصولاً مناسب‌سازی اولویت اول مقامات مسئول در کشور ما نیست. وقتی هم که به آن می‌پردازند، متأسفانه غیر کارشناسی و غیر نهادینه انجام می‌شود.

کار باید تحت یک مدیریت شبکه‌ای شکل بگیرد که هر قسمت آن در ادامه قسمت دیگرش باشد و در کلیت، به یک شهر در دسترس همگان تبدیل شود

**پس باید منتظر باشیم و ببینیم که شورای شهر جدید در حوزه مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری چه کاری انجام می‌دهد؟**

از لحاظ ادبیات موضوع، واژه دسترس‌پذیری در تبصره دو بودجه سنواتی شهرداری به‌عنوان پیوست پروژه‌های شهری مثل پیوست پدافند عامل و غیرعامل و اجتماعی فرهنگی آمده‌است. از جهت نظری کاملاً پیشرفت است چون قبلاً نبود. اما اینکه عملاً در پروژه‌ها چه اتفاقی خواهد افتاد مهم است.

**الآن قانون جامع حمایت از معلولان در چه مرحله‌ای است؟ شما در مصاحبه قبلی گفتید که اگر این قانون در مجلس با همه ایراداتش تصویب شود، بهتر از این است که تصویب نشود.**

این قانون اکنون به‌صورت لایحه



شماره ۵۵، پاییز ۱۳۹۴





امیرمحمدخانی، دانش‌آموخته دکترای معماری از کشور ایتالیا است. او علاوه بر تدریس در دانشگاه به فعالیت‌های مدیریتی در حوزه شهرسازی در شهرداری تهران هم اشتغال دارد. دکتر محمدخانی رئیس بنیاد معماری انقلاب اسلامی که سرفصل فعالیتش، پیگیری فرامین مقام معظم رهبری در حوزه معماری شهری است می‌باشد. فعالیت این بنیاد، هدایت فضای معماری شهری به سمت‌وسویی جدید است. دکتر محمدخانی با نگرانی در مورد آسیب‌های مخرب به معماری شهر می‌گوید: در حوزه معماری و شهرسازی متأسفانه در آغاز بحران نیستیم، بلکه در متن بحران قرار داریم! این استاد دانشگاه معتقد است: اگر به همین منوال ادامه دهیم، در سال‌های آتی با یک فاجعه شهری و انسانی روبه‌رو خواهیم شد.

امیر محمدخانی، رئیس بنیاد معماری انقلاب اسلامی

## مشکل ما نبود قانون نیست، مشکل اجرای آن است!

می‌شود. این تأثیرات بسیار عمیق و ماندگار هستند. اگر فضای متعادل و مثبتی شکل گرفته باشد، این تأثیر مثبت خواهد بود و اگر فضا مخرب و منفی باشد به همان میزان موجب ناهنجاری‌های شخصی و اجتماعی می‌شود.

در تأثیرات طراحی محیط گفته می‌شود که بخش عمده‌ای از آنچه از مردم به‌عنوان رفتار بروز می‌کند، زاینده فضایی است که در آن زندگی می‌کند. اگر مردم بی‌رحم هستند به خاطر این است که محیط با آن‌ها بی‌رحمانه رفتار کرده و اگر مهربان باشند، محیط زندگیشان مهربانی را ترویج کرده‌است. به گفته دانشمندان، شخصیت انسان حاصل سه عامل تربیت، ژنتیک و محیط است و تأثیر محیط به اندازه تأثیر ژن‌ها عمیق و موثر است. هویت انسان وابسته به محیطی است که در آن زندگی می‌کنند. چون انسان‌ها در محیط دارای خاطره می‌شوند و این خاطرات

**شخصیت انسان**  
حاصل سه عامل تربیت، ژنتیک و محیط است و تأثیر محیط به اندازه تأثیر ژن‌ها عمیق و موثر است. هویت انسان وابسته به محیطی است که در آن زندگی می‌کند

خودش را به لحاظ روحی و روانی به مخاطب خود القا کند و وقتی که فرد در این فضا به‌صورت مستمر قرار می‌گیرد این تأثیرات، جزئی از شخصیت او می‌شود. یعنی اگر فضای آشفته‌ای بسازیم، این آشفتگی به تدریج وارد شخصیت فرد شده و بعد از دوره‌ای باعث آشفتگی در شخصیت او

آقای دکتر، در آستانه شروع به کار شورای جدید شهر و آغاز به کار شهردار جدید هستیم. شما از بحران در شهرسازی و معماری شهری در شهرهای کشور ما صحبت کردید و این حوزه‌ای است که به مدیریت شهری که شهردار و اعضای شورای شهر، نمایندگان هستند برمی‌گردد. لطفاً در این مورد بحرانی که به قول شما، شهرهای ما با آن روبه‌رو هستند بیشتر توضیح دهید؟

در ابتدا باید تعریفی از معماری را بیان کنم. معماری فرایند ساخت و تولید و طراحی همه فضاهایی است که انسان در آن حضور دارد، اعم از شهر، روستا، خانه و مدرسه. در گذشته معماری در کشور ما تعریف مشخصی داشت. تعریف معماری، طراحی زندگی انسان‌ها بود نه طراحی ساختمان‌ها! کاری که معماری انجام می‌دهد این است که با ساختمان‌ها و فضاهایی که طراحی می‌کند، زندگی افراد را به سمت مثبت یا منفی تغییر می‌دهد. این از تأثیرات فضا است. هر مکانی این قابلیت را دارد که شکل و فرم‌های



موجب ایجاد تعلق و وابستگی میان انسان و محیط زندگی می‌شود. خاطرات و احساس تعلق، بخش جدی از هویت ما را تشکیل می‌دهند. تمدن آن وجه نمادین، کالبدی، جسمانی و تجلی فرهنگ است چون فرهنگ ناپدید شدن از جنس ذنیات است ولی تمدن از جنس عینیات است. پس می‌توان گفت تمدن جسمانیت یافته فرهنگ است.

### در مورد نقش معماری در تمدن و جامعه بیشتر توضیح دهید؟

معماری حوزه‌های فکری را تبدیل به حوزه‌های جسمانی و شکلی می‌کند و انسان‌ها ناگزیر هستند در این حوزه شکلی، زندگی کنند. پس معماری قابلیت ساخت سبک زندگی را دارد و به پشتوانه آن است که فرهنگ شکل می‌گیرد. یعنی اگر بخواهیم مردم شهر یا کشوری را بشناسیم می‌توانیم به شکل زندگی و شکل معماری جایی که در آن زندگی می‌کنند مراجعه کنیم و بفهمیم که این افراد چگونه فکر می‌کنند. یعنی ترجمه تفکرات و تصورات و ذهنیات یک فرد، جایی است که در آن زندگی می‌کند. ما با حرکت در شهر تهران می‌توانیم تشخیص بدهیم که مردم تهران چگونه مردمی هستند، بدون اینکه با خودشان مواجه مستقیم داشته باشیم. می‌توانیم تفکرات مردم را از شکل و شمایل شهری که در آن زندگی می‌کنند، بشناسیم. پس یکی از اهداف اصلی حوزه معماری شهری، انسان است و انسان دقیقاً همان چیزی است که در شهرهای ما به آن بی‌توجهی شده است.

کاملاً درست است. چیزی که از آن به‌عنوان شهر یاد می‌کنیم، فضاها و مکان‌هایی است که برای حضور و ظهور انسان خلق شده‌اند. در دوران مدرنیته گفته می‌شد که اهداف شکل‌گیری شهرها ماشین‌ها هستند و ماشین‌ساز به‌عنوان یک اصل خودش را به حوزه انسان‌گرایی در شهرها تحمیل کرد. این اتفاق به‌صورت ناقص، آشفته و غیر اصیل به شهری مثل تهران هم رسیده است. البته نمی‌توانیم بگوییم تهران یک شهر مدرن است. تهران

**در شهرهای بزرگ همه شهر و ندانش با سختی زندگی می‌کنند ولی آن‌هایی که دچار مشکلات جسمانی هستند، با سختی‌های بیشتری دست به گریبانند، چون آنها در انتهای لیست اهمیت قرار می‌گیرند!**

جایی بین سنت و مدرنیته گیر کرده و نه آن شد و نه این ماند! در تهران و شهرهای جدید ایران، درصد سال اخیر تحولی ایجاد شد. در این شهرها سعی کردند از گذشته فاصله بگیرند ولی نمی‌دانستند به کجا باید برسند. در دوران مدرنیته، سنت‌هایمان را از دست دادیم و به‌جایی هم نرسیدیم.

### به نظر شما علت این آشفتگی چه بود؟

باید دید چه کسانی و چه چیزهایی باعث شکل‌کنونی شهر شده‌اند. مهم‌ترین چیزی که می‌توان به آن اشاره کرد وجود آدم‌هایی هستند که خودشان دچار بی‌هویتی و بحران هویت درصد سال اخیر هستند. همین افراد بودند که شروع به ساختن شهرها کردند. مسئله شهرهای ما مسئله انسان است. ما در گذشته فرهنگ‌های خاصی داشتیم. مثلاً فرهنگ خیر به غیر را داشتیم که یک فرهنگ اصیل سنتی بود. زمانی شما خیری را به کسانی می‌رساندید که شاید هیچ‌وقت آن‌ها را نمی‌دیدید و آنها را نمی‌شناختید. ما این فرهنگ اصیل و ایثارگرانه را داشتیم. کارهایی انجام می‌شد که اثراتش برای همان وقت نبود، برای آیندگان بود. از طرفی هم اعتقاد به رفتار مسئولانه و متعهدانه و توأم با احترام به انسان وجود داشت. فضاهای شهری به نحوی شکل می‌گرفت که وقتی به‌عنوان یک شهروند در یک شهر یا روستا راه می‌رفتیم، با فضا احساس همبستگی می‌کردیم. احساس نمی‌کردیم که فضاها محصورمان کرده‌اند. قیام کردن ساختمان‌ها علیه انسان حاصل

دوران مدرنیته در مغرب زمین است که ناگهان شکل گرفته بود و عملاً موجب جدا شدن محیط‌زیست انسان از محیط طبیعت شد و کار به‌جایی رسید که محیط‌زیست انسان از خود حاصل شد که اصالت با ماشین است نه با انسان. پس همه شهر به تسخیر ماشین در آمد و انسان در کنار ماشین زندگی کرد. بنابراین تکنولوژی، صنعت و ماشین اصل می‌شود و مهم‌ترین انسان، انسانی است که آن‌ها را خلق می‌کند. یعنی انسان در خدمت ماشین قرار می‌گیرد. الآن مهم‌ترین مسئله شهر تهران، ترافیک است. ما گاهی تعهدات خود را وابسته به ماشین می‌کنیم مثلاً می‌گوییم چون ماشین من مشکل پیدا کرد یا خیابان بسته بود، من نتوانستم به تعهد خودم در رأس ساعت معین برسم. به پیاده‌روها توجه کنید. در بعضی از شهرها اصلاً پیاده‌رو وجود ندارد. به‌رحال غرب با این نگاه حرکت کرد و حدود چهل سال پیش به این نتیجه رسید که این نگاه اشتباه است.

اما ما هنوز در هشتاد سال قبل غرب زندگی می‌کنیم. وقتی متفکری از غرب به ایران می‌آید، می‌گوید: ما ماشین‌ساز را از دهه چهل میلادی کنار گذاشته‌ایم ولی شما هنوز در دوران قبل از آن زندگی می‌کنید. این زیبنده تمدن ایرانی نیست. در شهرهای جدیدی که می‌سازیم، اول خیابان و بعد مسیر ماشین‌ها را مشخص می‌کنیم، بعد به بلوک‌های ساختمان می‌رسیم و آخر سر به خانه و آخرین جایی که در مسیر طراحی به آن می‌رسیم، اتاق نشیمن است که خانواده می‌خواهد در آن بنشینند و باهم گفت‌وگو کنند. یک چنین نگاه ضد انسانی و ضد خانواده در شهرهای ما وجود دارد. پس شهر ما یک شهر غیرانسانی و در تقابل با مفاهیم انسانی شکل گرفته است.

### ایجاد چنین شهرهای غیر انسانی چه عواقبی خواهد داشت و چه عوارضی را به خصوص برای کسانی که محدودیت‌های جسمانی دارند به دنبال خواهد داشت؟

در چنین شهری همه ساکنینش با سختی زندگی می‌کنند ولی آن‌هایی

که دچار مشکلات جسمانی هستند یا معلولیت دارند و با سختی‌های بیشتری دست به‌گیری‌اند، در انتهای لیست اهمیت قرار می‌گیرند. این پروسه چنان شکل گرفته که ارزش ماشین به لحاظ فیزیکی، چندین برابر مهم‌تر از ارزش انسان است. به خصوص انسانی که از لحاظ فیزیکی معلولیت دارد. در حالی که در گذشته این موضوع برعکس بود. در جامعه ما بر طبق توصیه‌های پیامبر مردم به افراد کم‌توان کمک می‌کردند و این کار را موجب خشنودی پروردگار می‌دانستند. خداوند از حق خودش بر انسان می‌گذرد ولی از حق انسان بر انسان یا حق‌الناس نمی‌گذرد. توصیه ائمه ما نیز بر همین استوار است و این نشان می‌دهد که قدر انسان در دین ما چقدر اهمیت دارد. ولی متأسفانه شهرهای ما هیچ‌گونه قرابتی با این ویژگی‌ها ندارد. امروزه در بسیاری از شهرهای جهان، همه جا دستورالعمل‌هایی به خط بریل نصب شده است. اگر به پارک یا موزه‌ای می‌روید می‌بینید که در کنار نقشه آن پارک یا موزه، یک نقشه سه بعدی هم وجود دارد که نابینایان می‌توانند از آن استفاده کنند. اتوبوس‌های شهری مناسب‌سازی شده هستند و افراد دارای معلولیت بدون کمک دیگران می‌توانند از آنها استفاده کنند. انواع و اقسام مناسب‌سازی‌ها در شهر رعایت شده است.

وقتی شما وارد یک کالبد شهری می‌شوید و می‌بینید که برای افراد دارای معلولیت خود چنین خدماتی ارائه می‌شود و از این طریق به اهمیتی که برای انسانیت قائل هستند پی می‌برید.

به شهر تهران برگردیم. وقتی به موانع موجود در این شهر نگاه می‌کنیم شهر را به پادگان نظامی بیشتر شبیه می‌بینیم. در این شهر چنانچه یک فرد دارای معلولیت یک مسیر چند کیلومتری را به سلامت طی کند، تعجب دارد. شهرداری تهران و نهادها و انجمن‌ها در سال‌های گذشته سعی زیادی کرده‌اند تا با روش‌های مختلف موانع موجود در شهر را در جهت کمک به افراد دارای معلولیت به حداقل برسانند ولی تا رسیدن به شهر سالم راه زیادی

**مسئولان در هر مسندی که قرار دارند، از شورای شهر گرفته تا شهرداری و مدیران شهری باید همیشه تابلویی جلوی چشمشان باشد تا به آنها توجه به حقوق افراد دارای معلولیت را یادآوری کند**



وجود دارد. آسیب زدن به افراد دارای معلولیت پدیده زنده‌ای است که در شهرهای ما این کار به راحتی انجام می‌شود. مثلاً پایین آوردن کولرهایی که در پیاده‌رو خیابان نصب می‌شود یا نصب عناصر زائد روی دیوارها، عرض نامناسب معابر برای عبور ویلچر، نصب موانعی در پیاده‌روها به منظور جلوگیری از ورود موتورسیکلت و غیره از مثال‌های بارز آسیب زدن به کسانی که معلولیت دارند محسوب می‌شود. در بعضی از خیابان‌های اصلی سعی در برطرف کردن موانع شده اما در خیابان‌های فرعی به این مسائل توجهی نشده است.

### شما به‌عنوان یک معمار شهری چه انتظاری از نمایندگان شورای جدید شهر دارید؟

قوانین و مقررات حقوق معلولان در حوزه معماری و شهرسازی، سال‌هاست که مصوب شده و در سازمان برنامه و بودجه تبدیل به دستورالعمل‌های جدی شده است. شورای عالی شهرسازی و شهرداری هم ضوابط کاملاً مشخصی در این باره ابلاغ کرده‌اند. به لحاظ قانونی تقریباً همه چیز وجود دارد. ولی مشکل ما نبود قانون نیست، مسئله اجرای آن است. شهرداری‌ها در مرحله اول خودشان ضامن اجرای این قوانین هستند و در مرحله دوم، مردم و در مرحله بعدی ما دانشگاهیان هستیم که باید در فضاهای دانشگاهی این موضوع را به دانشجویان آموزش دهیم. اینکه هر جا که پله وجود دارد در کنارش باید رمپ هم ایجاد شود، اگر یک طبقه از همکف بالاتر رفتید، نیاز به آسانسور یا حداقل یک بالابر دارید و آموزش این نکات ضروری است. دانشگاه‌ها باید این آموزش‌ها را به معماران جوان یاد دهند. باید رعایت حق و حقوق افرادی که در شنوایی، بینایی و اندام جسمی و حرکتی مشکل دارند را به آن‌ها آموزش دهیم و یادآور شویم که فضایی که ساخته می‌شود باید برای هر سه گروه مناسب‌سازی شود.

من با اعضای شورای شهر صحبت کرده‌ام و می‌بینم که انسان‌ها بسیار وارسته و شریفی هستند و برای حقوق افراد دارای معلولیت احترام قائل هستند و حتی در مواردی شخصاً هم از آنها حمایت می‌کنند ولی وقتی در مسند شورای شهر می‌نشینند یا پشت صندلی شهرداری قرار می‌گیرند آن چنان غرق در کار می‌شوند که خودبه‌خود توجه به مشکلات افراد دارای معلولیت فراموششان می‌شود. مسئولان ما در هر مسندی که قرار دارند، از شورای شهر گرفته تا شهرداری و مدیران شهری باید همیشه تابلویی جلوی چشمشان باشد تا به آنها توجه به حقوق افراد دارای معلولیت را یادآوری کند. مدام به خودشان تذکر دهند که هرچه مسئولیتشان بالاتر می‌رود، تکلیفشان نسبت به افراد دارای معلولیت بیشتر می‌شود.

من در هر فضایی که در آن کار



سمن‌های معلولان در ایجاد چنین کارگروهی استفاده کرد. شورای شهر می‌تواند کانالی برای طرح شکایات و پیشنهادات افراد دارای معلولیت ایجاد کند تا اگر جایی نیاز به مناسب‌سازی داشت اطلاع دهند. شورای شهر می‌تواند از مردم هم در این موارد مشارکت بخواهد که اگر با مناسب‌سازی نبودن جایی مواجه شدند آن را اطلاع دهند. این اقدام، نوعی فرهنگ‌سازی است. اگر مردم توجیه شوند که کولری که در پیاده‌رو قرار داده‌اند ممکن است برای دیگران خطرناک شود، این کار را نمی‌کنند. شورای شهر باید هزینه کند و آگاهی مردم را در سطح شهر بالا ببرد.

### چه صحبتی با اعضای جدید شورای شهر دارید؟

به همه افرادی که مسئولیتی دارند یا در شهرداری هستند می‌گوییم روزی خواهد رسید که بدون هیچ تردیدی پروردگار ما را در مورد وظایفی که نسبت به افراد کم‌توان داریم مورد این سؤال قرار خواهد داد. در زمانی که می‌توانستی کاری برای کم‌توانان انجام دهی، چه کاری انجام دادی؟ اگر به رسیدن این روز ایمان داشته باشیم، به مسائل مربوط به کسانی که معلولیت دارند، به‌عنوان یک مساله تجملی و غیرضروری نگاه نمی‌کنیم. امیدوارم روزی برسد که همه شهروندان شهر ما با هر نوع توانایی جسمی بتوانند به راحتی و بدون نگرانی زندگی کنند و ما هم یک شهر مهربان داشته باشیم.

**مسئولین در هر مسندی که قرار دارند، از شورای شهر گرفته تا شهرداری و مدیران شهری باید همیشه تابلویی جلوی چشمشان باشد تا به آنها توجه به حقوق افراد دارای معلولیت را یادآوری کند**

اینجاست که نقش نظارتی شورای شهر مشخص می‌شود. اگر شورای شهر از همان ابتدا برای خود تکلیف کند که کارگروهی از تعدادی کارشناس و مشاور تشکیل دهد و این افراد به‌عنوان گروه پایش شهری موظف باشند که همه کارهایی که در شهرداری، معماری و شورای شهر و شهرداری اتفاق می‌افتد را به شورای شهر گزارش دهد و بر اجرای قوانینی که توسط شورای شهر وضع می‌شود نظارت کند و نظراتش بر عملکردها اعمال شود، به تدریج محیط شهر به سمت دسترس پذیر بودن برای همه شهروندانش پیش می‌رود. می‌توان از انجمن‌ها و

می‌کنم به این مساله توجه می‌کنم که اگر خودم معلولیت داشتم، آیا می‌توانستم از این مکان استفاده کنم؟ به‌طور قاطع می‌گویم که نبود درصد فضا‌سازی شهری ما با این هدف مناسب‌سازی نشده‌است. همین خطوطی را که در پیاده‌روها برای حرکت نابینایان تعبیه شده را در نظر بگیرید، خیلی اوقات وقتی این مسیر را دنبال می‌کنید به ستونی می‌رسید که دقیقاً روی این مسیر ساخته شده است! یا پیاده‌روی که برای عبور ویلچر مناسب‌سازی شده به‌جایی می‌رسد که پلی برای عبور از روی جوی آب ندارد! زمانی که در ایتالیا درس می‌خواندم، یک‌بار مسیر طولانی را که حدود هشت کیلومتر بود را پیاده طی کردم و متوجه شدم که در طول این مسیر حتی یک نقطه بحرانی برای حرکت ویلچر وجود ندارد. اگر یک نابینا می‌خواست در مسیری پیاده‌روی کند، برای تغییر مسیر با تغییر کف‌سازی پیاده‌روها از فاصله یک و نیم متری به او اعلام هشدار می‌شد و این‌الگو در همه جای شهر یکسان بود. در تهران الگوی مناسب‌سازی پیاده‌روها در هر منطقه شهرداری با منطقه دیگر متفاوت است. یعنی اگر فرد نابینا از یک‌طرف خیابان به‌طرف دیگر برود با سنگفرش متفاوتی روبه‌رو می‌شود و ممکن است راهش را گم کند. وقتی هم که اعتراض می‌شود می‌گویند شهردار این منطقه عوض شده‌است! در صورتی که عوض شدن شهردار ربطی به شهروندان ندارد.



احسان فیاضی، متخصص شهرسازی

احسان فیاضی، دانشجوی دکترای معماری و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب است. او معاون توسعه عمرانی شرکت توسعه گردشگری کاروانسرای پارس هم هست. با او که در زمینه معماری شهری تخصص دارد و به دلیل معلولیتش با شهر مناسب‌سازی نشده تهران مشکلات زیادی پیدا کرده به گفت‌وگو نشستیم تا انتظارات او از شورای شهر جدید را بشنویم.

## شهر باید برای زندگی همه ساکنانش دسترس پذیر باشد

به زودی شهرداری و شورای شهر جدید آغاز به کار خواهند کرد. شما به عنوان فردی که هم با مشکل معلولیت روبه‌رو هستید و در عین حال، متخصص در امور شهرسازی هم هستید چه انتظاری از این دو نهاد دارید؟

دو انتظار ویژه می‌توان از شورای شهر و شهرداری داشت. یکی اینکه جلساتی که در مورد مناسب‌سازی‌ها می‌گذارند، تخصصی‌تر و علمی‌تر باشد. دوم اینکه در اسرع وقت برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت خود را ارائه کنند. بعد از این، فقط افراد دارای معلولیت نیستند که در زندگی در شهر با مشکل روبه‌رو هستند. تا چند سال آینده افزایش جمعیت سالمندان، بزرگ‌ترین مشکل شهرهای ما خواهد شد. پس لازم است مناسب‌سازی و قابلیت دسترسی مکان‌های عمومی مثل میادین میوه و تره‌بار، ایستگاه‌های مترو و اتوبوس و سایر اماکن و معابر شهری مورد توجه قرار گیرد. با توجه به بیماری‌های

خوب است در سازمان‌ها و نهادهای دولتی یک دفتر حفاظت از حقوق معلولان و جانبازان ایجاد شود تا آنها بتوانند در صورت تضییع حقوقشان به آنجا مراجعه کرده و حقوق خود را پیگیری کنند

شایبی که در سطح کشور داریم مثل؛ پوکی استخوان در بانوان و مشکلات رایجی که در اثر زمین خوردن اتفاق می‌افتد، این افراد نیاز به خدمات توانبخشی و نگهداری بیشتری دارند. خصوصاً این‌که بازتوانی افراد در سنین بالا به سختی اتفاق می‌افتد. با توجه به این معضلات، نمایندگان

شورای شهر و شهردار جدید، باید برنامه دقیق و کاملی را تدوین کنند تا شهر علاوه بر ایجاد شرایط مطلوب برای زندگی افراد دارای معلولیت، پذیرای سالمندان هم باشد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات افراد دارای معلولیت برای ورود به جامعه، رفت‌وآمد در شهر و وسایل نقلیه عمومی است. هنوز هم من و هم بقیه دوستان دارای معلولیت، به سختی می‌توانیم از مترو یا اتوبوس استفاده کنیم. شهرداری ماشین‌هایی را برای رفت‌وآمد معلولان اختصاص داده است که کار مثبتی است ولی کافی نیست. شورای شهر باید به صورت جدی معضل مناسب‌سازی را در چند مرحله با برنامه‌ریزی جلو ببرد و به نتیجه برساند. باید بتواند از شهرداری و تیمی که به زودی مستقر می‌شوند، اجرای صحیح این مسئله را مطالبه کند. کار دیگری که شورای شهر می‌تواند انجام دهد بازنگری در مکان‌هایی است قبلاً مناسب‌سازی شده‌اند.



مناسب‌سازی فقط برای معلولان جسمی و حرکتی نیست، کم‌بینایان، نابینایان، کم‌شنوایان و ناشنوایان مطلق هم نیاز به مناسب‌سازی اماکن دارند. این افراد از لحاظ فیزیکی سالم هستند ولی لازم است که بتوانند در شهر حضور داشته باشند و در مکان‌های مختلف آن رفت‌وآمد کنند. این موضوع در مورد بیماران ذهنی و شناختی هم اهمیت دارد. شهر باید برای زندگی همه ساکنانش در دسترس باشد.

در مدیریت بحران هم همانطور که برای افراد تندرست جامعه فکر می‌شود، باید برای مدیریت بحران افراد سالمند و دارای معلولیت هم فکر شود. در حال حاضر در سطح شهر سوله‌هایی برای اسکان شهروندان در شرایط اضطراری ساخته شده است ولی امکانات ویژه‌ای در آنها برای معلولان به صورت خاص دیده نشده است. اگر هم دیده شده، خیلی محدود است. در خروج اضطراری از ساختمانی که دچار حریق یا تخریب شده برای افرادی که معلولیت دارند هیچ فکری نشده است. یعنی در ساختمان‌های جدید چندطبقه‌ای که در شهر ساخته شده، در زمان آتش‌سوزی یا زلزله یا هر مشکل دیگری، هیچ امکانی برای خروج کسانی که معلولیت دارند، دیده نشده است.

**موضوع مناسب‌سازی یا دسترس‌پذیری موضوعی است که سال‌هاست مطرح شده و کارهایی هم توسط شهرداری انجام گرفته است ولی این تغییرات چون اصولی نبوده‌اند منجر به افزایش تردد افراد دارای معلولیت در شهر نشده‌اند! چه توجهاتی باید داشت که در دوره جدید چنین اتفاقاتی تکرار نشود؟**

لازم است یک گروه تحقیقاتی موظف شوند تا مکان‌های مناسب‌سازی شده را بازنگری کنند و ایراداتش را شناسایی کنند تا در تغییرات بعدی این اشتباهات تکرار نشود.

شهرداری کارهای پیمانکاری را از طریق مناقصه یا استعلام به پیمانکاران واگذار می‌کند. لازم است قبل از شروع هر پروژه‌ای به آنها آموزش‌های تخصصی دهد تا بدانند این کار باید با چه ویژگی خاصی انجام شود. شهرداری می‌تواند در این مورد از

**نمایندگان شورای شهر و شهردار جدید، باید برنامه دقیق و کاملی را تدوین کنند تا شهر علاوه بر ایجاد شرایط مطلوب برای زندگی افراد دارای معلولیت، پذیرای سالمندان هم باشد**



خود افراد دارای معلولیتی که قرار است از این مکان‌ها استفاده کنند به‌عنوان ناظر، کمک بگیرد. چک‌لیست‌هایی در دنیا برای افراد دارای معلولیت وجود دارد که پیمانکاران می‌توانند براساس آنها کار کنند و شهرداری هم براساس پایبندی به این چک‌لیست‌ها به آنها پرداختی داشته باشد.

**شما برای شورای شهر به‌عنوان یک‌نهاد مدنی چه جایگاهی قائل هستید؟**  
در شورای شهر قبلی آقای دکتر صابری که به‌عنوان نماینده افراد

دارای معلولیت حضور داشتند، متأسفانه امکان مقابله با مسائل جانبی شهرداری را پیدا نکردند و نتوانستند تاثیر گذار باشند.

در شورای شهر جدید از آنجاکه قاطبه افراد آن تحصیل کرده و متخصص هستند می‌توان به‌عنوان یک‌نهاد مدنی از آنها درخواست‌هایی را مطرح کرد. یکی این‌که جلسات کارشناسی را با حضور سمن‌های فعال در امور معلولان مثل؛ انجمن‌های نابینایان و ناشنوایان و جسمی حرکتی که فعالانه در حوزه تخصصی خود کار می‌کنند برقرار کند و اجازه دهند آنها گزارشی از شرایط موجود را ارائه کنند. یعنی این گروه‌ها برای کمیسیون‌های شورای شهر تولید محتوا انجام دهند. ما معلولان خودمان باید فعالانه بخشی از کار را بر عهده بگیریم و از طریق سمن‌ها در این حوزه ورود کنیم. شورای شهر آن‌قدر مسائل فرعی دارد که دغدغه‌ای برای معلولان ندارد. این در حالیست که اگر معلولان و سالمندان را در یک گروه قرار دهیم، تا ده سال آینده جمعیت این گروه بالای ۴۰ درصد جامعه را تشکیل خواهند داد. با برنامه ریزی جدی برای شهر، در آینده شهر بهتری خواهیم داشت. اصولاً تا زمانی که ما به‌عنوان افراد دارای معلولیت نتوانیم به‌خاطر حقوقی که از ما ضایع می‌شود شکایتی کنیم و به نتیجه نرسیم، این فرایند فرهنگ‌سازی نخواهد شد.

**پس به نظر شما تشکیل کارگروهی از افراد دارای معلولیت در کنار شورای شهر جدید می‌تواند به شهر امن‌تری برای همه ساکنان شهر منجر شود.**

بله. شورای شهر این توان را دارد که در کنار هزینه‌هایی که در شهرداری می‌شود، هزینه‌ای را هم برای تشکیل چنین کارگروهی در نظر بگیرد. البته نباید انتظار داشت که سمن‌ها داوطلبانه همکاری کنند. یک سمن اگر بتوانند خودش را اداره کند، کار بزرگی کرده است. به نظر من لازم است شهرداری بودجه‌ای را به تشکیل کارگروهی شامل متخصصان در حوزه‌هایی چون روانشناسی، جامعه‌شناسی و شهرسازی اختصاص دهد تا این افراد برای جامعه معلولان فکری کنند.

چه الگویی از کشورهای پیشرفته در نظر دارید که توانسته‌اند با دسترس‌پذیری شهری افراد دارای معلولیت خود را از خانه‌ها بیرون بیاورند؟

این الگوها در بسیاری از کشورها پیاده شده‌است. در کشورهای اروپایی و آمریکا و حتی ترکیه، مناسب‌سازی نهادینه شده‌است. البته در این کشورها با وضع قوانین و مقررات و تخصیص جریمه‌های سنگین، این شرایط را ایجاد کرده‌اند. در هیچ کشوری این اتفاقات به صورت خودجوش نیافتاده‌است. یعنی حادثه‌ای پیش آمده و در اثر آن حادثه به این موضوع فکر شده و برنامه‌ریزی انجام شده است. ما تا سال گذشته کارت معلولیت بین‌المللی نداشتیم. با این کارت می‌توانیم در همه جای دنیا از سیستم حمل‌ونقل عمومی با یک تخفیف ویژه برخوردار شویم. موارد این‌چنینی باید توسط دولت پیگیری شود که در ایران متأسفانه دولت به‌تنهایی پیگیر موضوع نیست. انجمن‌های معلولان هم آن قدر دغدغه‌های متفاوت دارند که به چنین مسائلی نمی‌رسند. همین قدر که بتوانند یک فرد دارای معلولیت را از خانه بیرون بکشند و در مجتمعی مثل رعد به فعالیت آموزشی وادار کنند، کار بزرگی کرده‌اند!

دولت حتی از ارائه یک آمار سالانه از تعداد افراد دارای معلولیت طفره می‌رود. در سرشماری سال ۹۵، انجمن‌های معلولان درخواست کردند که ماده‌ای برای سرشماری معلولان هم وجود داشته‌باشد. به

تا چند سال آینده افزایش جمعیت سالمندان بزرگ‌ترین مشکل شهرها خواهد شد. لازم است مناسب‌سازی و قابلیت دسترسی مکان‌های عمومی مثل میادین میوه و تره‌بار، ایستگاه‌های مترو و اتوبوس و سایر اماکن و معابر شهری مورد توجه جدی قرار گیرد

این مسئله کم توجهی شد و انجام نگرفت. یعنی هیچ آمار رسمی از معلولان و از نوع معلولیت‌ها و درجه معلولیت وجود ندارد. آمار از اینکه در سال چه تعدادی در اثر تصادفات معلول می‌شوند، چه تعداد در اثر بیماری‌های مادرزادی معلولیت دارند و اینکه معلولیت هر کدام از این افراد از چه نوعی است وجود ندارد؟ بنابراین به‌طور رسمی آمار قابل استنادی نداریم.

#### و سخن آخر..... :

از شورای جدید شهر تهران انتظار دارم که یک کارگروه از متخصصان تشکیل دهند و از آن‌ها در زمینه مشکلات دست به گریبان افراد دارای معلولیت مشورت بخواهند. حتما هم نباید همه این افراد معلولیت داشته‌باشند. باید از افراد صاحب‌نظر

در این کارگروه استفاده شود. برای این هدف می‌تواند از افرادی مثل ما که تخصص و تجربه کاری دارند استفاده کنند. حتی می‌شود یکی از شهرداران مناطق را از افراد دارای معلولیت یا جانباز که در زمینه مسائل شهری تخصص دارد استفاده شود.

البته شهرداری تهران عملکرد مثبتی هم داشته است. مکان‌هایی مثل برج میلاد و اماکن تفریحی جدیدی را مناسب‌سازی کرده است. ولی لازم است که خود شهرداری به نیروهایش آموزش دهد. مساله پارک معلولان در سطح شهر باید جدی‌تر گرفته شود. شهرداری باید پلیس را مجاب کند که جریمه سنگین‌تری برای افرادی که در محل پارک معلولان پارک می‌کنند در نظر بگیرد. در مجتمع‌های تجاری که پارکینگ‌های مخصوص معلولان تعبیه می‌شود، این پارکینگ‌ها باید نزدیک آسانسور و قابل دسترس باشند. ولی متأسفانه از این پارکینگ‌ها افراد دیگری استفاده می‌کنند. کار دیگری که شهرداری می‌تواند انجام دهد این است که سامانه‌ای ویژه معلولان را تعریف کنند که اگر فرد دارای معلولیتی درجایی یا در مکان عمومی دچار مشکل شد، با این سامانه تماس بگیرند و شکایت کند. در این سامانه می‌توان از خود افراد دارای معلولیت هم به کار گرفته شوند که به‌طور ملموس با این مسائل آشنا هستند.

به امید روزی که همه ساکنان شهر بتوانند به راحتی در آن زندگی کنند.





سحر تهرانی فرد متولد سال ۱۳۶۶ است. او اکنون وکیل دادگستری است. سحر در کودکی به دلیل ابتلا به بیماری R.P به تدریج بیناییش را از دست داد ولی نابینایی مانعی برای رسیدن به موفقیت او در زندگی نشد و با تلاش بیشتر توانست به آرزوهایش دست پیدا کند. سحر ورزش شنا را در حد قهرمانی، نوازندگی پیانو را در حد پیشرفته و زبان انگلیسی و فرانسه را در حد کامل آموخت و حالا با مدرک کارشناسی ارشد در رشته حقوق در دفتر خود، وکالت می‌کند. با او در مورد انتظاراتش از شهردار و نمایندگان جدید شورا در مورد شهری که در آن زندگی می‌کند به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

سحر تهرانی فرد، وکیل دادگستری

## با مناسب‌سازی‌های شهری چه برای افراد دارای معلولیت و چه برای نابینایان، فاصله زیادی داریم

### لطفا خودتان را معرفی کنید:

من سحر تهرانی فرد متولد سال ۱۳۶۶ در شهر تهران هستم. در دوران کودکی به بیماری R.P، یکی از شایع‌ترین بیماری‌ها که منجر به نابینایی می‌شود، دچار شدم و پزشکان پیش‌بینی کردند که به تدریج بینایی‌ام کمتر شود. به همین دلیل پدر و مادرم از اول دبستان من را به مدرسه نابینایان فرستادند.

تا چهارم دبستان را در مجتمع نابینایان عبدالعظیم خواندم و در آنجا خط و علائم ریاضی را به زبان بریل یاد گرفتم. از پنجم دبستان وارد مدرسه عادی شدم و به صورت تلفیقی درس را ادامه دادم. به این ترتیب که یک بار در هفته یک مربی از سازمان آموزش و پرورش استثنایی به مدرسه ما می‌آمد و برگه‌هایی را که به صورت بریل نوشته بودم را تبدیل به خط عادی می‌کرد تا معلم بتواند آنها را تصحیح کند. از کلاس دوم راهنمایی، خواندن زبان انگلیسی را شروع کردم و تا سوم دبیرستان دوره کانون زبان را تمام کردم و وارد دوره پیشرفته زبان شدم. دوره‌ای که از طرف دانشگاه کمبریج در ایران برگزار می‌شد. بعد از گذراندن این دوره، به دلیل نزدیک

شدن به کنکور، آموزش زبان را کنار گذاشتم. در همین زمان در خانه هنر و ادبیات صداوسیما، آموختن پیانو را شروع کردم و شش سال پیانو کلاسیک کار کردم. شنا را از پنجم دبستان شروع کرده‌بودم و از دوم راهنمایی، وارد تیم شنا قهرمانی شدم و در مسابقات کشوری متعددی تا سال ۸۲ شرکت کردم و یازده مدال طلای کشوری گرفتم. در کنکور سال ۸۳ با رتبه ۱۰۸ در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم. بعد از دریافت مدرک کارشناسی در سال ۸۷، برای دریافت پروانه وکالت امتحان دادم و با رتبه ۲۷ پذیرفته شدم. در سال ۸۸ در مقطع کارشناسی ارشد امتحان دادم و با رتبه ۴۰ در رشته حقوق مالکیت فکری در دانشگاه تهران پذیرفته شدم و حالا هم در دفتر وکالت خود مشغول به کار هستم.

### لطفاً کمی در مورد حقوق مالکیت فکری که رشته تحصیلی شما هست توضیح دهید؟

منظور حمایت از یک‌سری موارد غیرملموس مثل؛ کپی‌رایت، علائم تجاری و اختراعات است. در مالکیت فکری، فکر است که اهمیت دارد. نویسندگان وقتی کتابی را می‌نویسند،

مالکیت آنچه را که نوشته و آنچه که خلق کرده‌است، اعم از اینکه روی کاغذ باشد و یا به صورت الکترونیک باشد، متعلق به اوست و کسی حق ندارد بدون اطلاع او از آن بهره ببرد. مالکیت زمین، یک صندلی یا یک کامپیوتر، فیزیکی است ولی مالکیت فکری غیرملموس است.

### چرا چنین رشته‌ای را انتخاب کردید؟

درباره این رشته تحقیق کردم و به آن علاقه‌مند شدم. چون زمینه کاری گسترده‌ای دارد و بسیار جذاب است. مثلاً حمایت از فولکلور یا رقص محلی، آوازهای محلی، همه این‌ها حقوق خاصی دارند. کشور ما هم در حوزه حقوق مالکیت فکری پیشرفت خوبی دارد. در این رشته از علائم تجاری، اختراعات و حق کپی‌رایت حمایت می‌شود.

ما به کنوانسیون بین‌المللی در مورد علائم تجاری و اختراعات، پیوسته‌ایم و از آن‌ها حمایت می‌کنیم ولی هنوز به کنوانسیون کپی‌رایت نپیوسته‌ایم. در این مورد فقط در صورتی که اثری برای نخستین بار در ایران نشر شود، قانون از آن حمایت می‌کند.



شماره ۵۵، پاییز ۱۳۹۴



## آیا حوزه کاری شما ربطی به حقوق افرادی که معلولیت دارند هم پیدا می‌کند؟

متأسفانه مشکلات زیادی در مورد حقوق کسانی که معلولیت دارند، وجود دارد. مثلاً در بحث دسترس پذیری به آثاری که شامل کی‌رایت می‌شود، بخشی از آن منابع درسی است که تکثیر آن بر عهده آموزش و پرورش است. این درس باید شکل‌های قابل استفاده‌ای را برای بچه‌های نابینا داشته باشد. مثال می‌زنم: من اصلاً به رشته علوم انسانی علاقه‌ای نداشتم و مایل بودم که در رشته ریاضی و فیزیک درس بخوانم و حتی به المپیاد فیزیک هم راه پیدا کرده بودم. ولی مشاورم به من گفت: خلاف جهت آب شنا نکن، چون باید تمام نیرویت را برای دسترسی به کتاب‌هایی که بچه‌های بینا از آنها استفاده می‌کنند، صرف کنی. در آن زمان کتاب‌های درسی در رشته ریاضی و فیزیک به صورت بریل وجود نداشت (فکر می‌کنم الان هم وجود ندارد).

سازمان آموزش و پرورش استثنایی از کتاب‌های درسی در رشته ریاضی و فیزیک در مدارس تلفیقی حمایتی نمی‌کند. اول مدارس استثنایی را پوشش می‌دهد، اگر اضافه آمد، به مدارس تلفیقی کتاب می‌دهد. این یک نقص در حقوق افراد نابینا در این حوزه است. در اصلاحیه ۶۶ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان که به صورت لایحه به مجلس رفته، بحثی وجود مبنی بر تامین وسایل توان بخشی از طرف بهزیستی که بر اساس این قانون بهزیستی موظف است این وسایل را برای اقشار دارای معلولیت چه از داخل کشور و چه از خارج تامین کند. الان دستگاه تبدیل نوشته به علامت بریل، برای دیسپلی، هم در داخل تولید می‌شود و هم خارجی آن وجود دارد، ولی به دلیل گرانی قابل دسترس برای همه نیست. نتیجه این می‌شود که یادگیری خط بریل برای بچه‌های نابینا تبدیل به یک کابوس بشود. اکثر بچه‌های نابینا خط بریل را بلد نیستند. مطالب درسی را با از طریق گوش کردن یاد می‌گیرند یا تایپ می‌کنند. در صورتی اگر کسی نتواند، بخواند بی‌سواد است. بریل خطی است که با آن هم می‌توانند بخوانند و هم بنویسند.

## مگر در مدارس نابینایان خط بریل آموزش داده نمی‌شود؟

در این مدارس خط بریل آموزش داده می‌شود ولی خیلی روی آن تأکید

## دردسترس پذیری به آثاری که شامل قانون کی‌رایت می‌شود، مشکلات زیادی در مورد حقوق کسانی که معلولیت دارند وجود دارد

نمی‌شود و بیشتر تأکید برگوش دادن است. حتی در داخل مدارس نابینایان هم منشی می‌دهند که کار بسیار غلطی است. وقتی معلم توانمندی این را دارد که برگه بریل را تصحیح کند و وقتی که سؤال‌ها پرینت می‌شوند، چه نیازی است که منشی سؤال‌ها را برای بچه‌ها بخواند؟ این‌ها ضعف‌هایی است که در این مدارس وجود دارد. من چون از پنجم دبستان وارد مدرسه عادی شدم مجبور شدم مانند بقیه بچه‌های کلاس، هم بخوانم و هم بنویسم و همین باعث شد که بریل نویسی و بریل خوانی‌ام قوی شد. الان اگر من از پشت تلفن از روی خط بریل متنی را بخوانم کسی متوجه نمی‌شود که نابینا هستم. زمانی که کنکور می‌دادم فقط سؤالات درس عربی و انگلیسی بریل شده بود ولی الان همه سؤالات بریل می‌شوند. من از کسانی بودم که در کنکور به منشی نیاز نداشتم. منشی فقط، پاسخنامه را از طرف من پر می‌کرد. این قابلیت باید در بچه‌های نابینا تقویت شود. نمی‌خواهم بگویم منشی بد است حتماً در جاهایی لازم است. مثلاً من در دادگاه برای کار وکالت نیاز به منشی دارم. ولی توانایی خواندن و نوشتن در بچه‌های نابینا بسیار الزامی است و نیاز به برنامه‌ریزی دارد تا تقویت شود. امسال که درکنکور دکترا شرکت کردم، کل سؤالات دو دفترچه به صورت بریل بود و منشی فقط برگه پاسخنامه را برای من پر کرد.

## شما دفتر وکالت دارید. در کارتان با افراد دارای معلولیتی که در حوزه تخصصی شما، نیاز به مشاوره حقوقی داشته باشند هم ارتباط دارید؟

حوزه کاری من حقوق مالکیت فکری است و اکنون در حوزه فضای تجارت الکترونیکی کار می‌کنم. در این حوزه خودم به مشکلات زیادی در کار برخورد می‌کنم.

مثلاً در سایت‌های مختلف در درگاه پرداخت‌ها، یک تصویر امنیتی وجود دارد که شامل یک یا چند عدد یا حرف است که باید آن را تایپ کنید. در واقع، درگاه امنیتی سایت است. در سایت‌های خارجی در کنار این تصویر امنیتی یک دکمه وجود دارد که وقتی فرد نابینا آن را می‌زند یک محیط شلوغ و پرهمه پخش می‌شود و یک سری عدد و حروف با صدای بلند خوانده می‌شود و فرد نابینا باید آنچه می‌شنود را تایپ کند. ولی متأسفانه در ایران این‌گونه نیست. یعنی تمام درگاه‌های پرداختی در ایران برای استفاده نابینایان مشکل دارند و اگر من بخواهم از طریق درگاه بانک‌ها، وارد شوم حتماً باید یک نفر آن حروف و اعداد را برایم بخواند. من به عنوان مشاور حقوقی کافه بازار در حوزه تجارت الکترونیک کار می‌کنم. کافه بازار خیلی تلاش دارد که نرم افزارهایی را که برای نابینایان وجود دارد را دسترس پذیر کند و در این مورد از من هم خیلی راهنمایی خواسته است. من تمام کارهای حقوقی شرکت را از جمله عقد قراردادهای به صورت الکترونیک انجام می‌دهم. این برای مسئولان کافه بازار خیلی جالب بود که من با کامپیوتر این قدر راحت کار می‌کنم.

## شما علاوه بر وکالت با سایت کافه بازار هم همکاری می‌کنید. این همکاری چگونه برقرار شد؟

در ایران تلنت، رزومه داشتم و از کافه بازار با من تماس گرفتند و مرا برای مصاحبه دعوت کردند. من به آن‌ها نگفتم که نابینا هستم و تصمیم گرفتم که اصلاً برای مصاحبه بروم چون قبلاً برای مصاحبه به جای دیگری مراجعه کرده بودم ولی به خاطر نابینایی مرا اصلاً به داخل شرکت راه ندادند! باوجود این که من هم به زبان انگلیسی و هم زبان فرانسه مسلط بودم و هم لیسانس و هم فوق لیسانس از دانشگاه تهران بود، فقط به دلیل نابینا بودن مرا به داخل راه ندادند. درحالی که وقتی برای مصاحبه به کافه بازار رفتم مدیر حقوقی که با من مصاحبه کرد حتی از من نپرسید که چگونه به دادگاه می‌روم، خودم توضیح دادم که من با یک همراه به دادگاه می‌روم. پس از مصاحبه اول، با من تماس گرفتند و مشغول به کار شدم. جا دارد از مدیران کافه بازار تشکر کنم به خاطر فضای آرامی که برای من فراهم کردند و احترامی که به کرامت انسانی گذاشتند.



من در آزمون سازمان ثبت اسناد و املاک کشور شرکت کردم و جزء سه نفر اول استان تهران شدم. این سازمان یک ارگان دولتی است ولی چون نابینا بودم من را استخدام نکردند. فقط رتبه یک تا سه را به مصاحبه دعوت کرده بودند و من جزو این سه نفر بودم ولی قبولم نکردند. به آنها گفتم که هفت سال است که وکالت می‌کنم و اکنون می‌خواهم در رشته مرتبط با تخصصم که مرتبط با حمایت از حقوق علایم و اختراعات است کارکنم. حتی مرا پیش مدیرکل اداره مالکیت صنعتی فرستادند. ایشان انسان مثبتی بود و وقتی با من در مورد کنوانسیون‌ها و حقوق و مسائل مربوطه مصاحبه کردند، با توجه به اینکه به زبان انگلیسی و فرانسه مسلط بودم، رسماً نامه‌ای به منابع انسانی زدند و گفتند که به این نیرو که می‌تواند کار سه نفر را برایم انجام دهد، احتیاج دارم. ولی با این همه باز من را رد کردند! این درحالی است که طبق قوانین باید سه درصد از استخدام‌های کشوری از معلولان بهزیستی باشد. البته من شخصا کار در کافه بازار را به کار در سازمان ثبت اسناد و املاک ترجیح می‌دادم ولی این کار را انجام دادم تا راه برای افراد نابینای دیگری که امتحان می‌دهند هموار شود. به‌رحال این تابو باید روزی شکسته شود.

### به نظر شما حقوق افراد دارای معلولیت در حوزه شهری چگونه است و شورای شهر در این حوزه چه وظایفی برعهده دارد؟

از مواردی که شورای شهر می‌تواند به آن رسیدگی کند، مناسب‌سازی‌های شهری است که از وظایف شهرداری می‌باشد.

واقعیت این است که با مناسب‌سازی‌های شهری چه برای افراد دارای معلولیت و چه برای نابینایان، فاصله زیادی داریم. کلاً خیابان‌ها نباید در کنارشان جوی آب باشد. راه‌های آبی باید به زیرزمین منتقل شوند. این ساده‌ترین و شاید نخستین مسئله‌ای است که در مناسب‌سازی خیابان‌ها باید اجرا شود. حالا برسیم به ساختمان‌ها و پیاده‌روها که برای نابینایان باید مناسب‌سازی شوند. مثلاً استفاده از آجرهای برجسته به سمت آسانسورها، پله‌ها و درهای ورودی و تعبیه موزاییک‌های برجسته مطابق استاندارد در پیاده‌روها یا دگمه آسانسورها که باید خط بریل رویش باشد. برای معلولان جسمی حرکتی هم باید به نحو دیگری با ایجاد رمپ و

**من در آزمون سازمان ثبت اسناد و املاک کشور شرکت کردم و جزء سه نفر اول استان تهران شدم. این سازمان یک ارگان دولتی است ولی چون نابینا بودم من را استخدام نکردند**

آسانسور استاندارد، مناسب‌سازی شود. اینها حداقل‌هایی است که باید حتماً به آن توجه شود.

در کشورهای پیشرفته چراغ‌های راهنمایی رانندگی طوری مناسب‌سازی شده که وقتی چراغ برای عبور عابرین پیاده سبز می‌شود، بوق هم می‌زند تا فرد نابینا متوجه شود که می‌تواند از خیابان عبور کند.

### الآن خود شما در شهر چطور رفت‌وآمد می‌کنید؟

قبلاً گاهی با وسایل عمومی رفت‌وآمد می‌کردم ولی الآن اصلاً نمی‌توانم از این طریق رفت و آمد کنم. قبلاً مردم مهربان‌تر بودند در صورتی که حالا کمک‌رسانی مردم کمتر شده‌است. شرایط خانوادگی من به‌گونه‌ای بود که همیشه افراد خانواده با خودروی شخصی در رفت و آمد به من کمک می‌کردند. الآن بیشتر با آژانس رفت‌وآمد می‌کنم.

### به نظر شما شهر تهران آمادگی این را دارد که یک فرد نابینا مستقلاً بتواند در آن تردد کند؟

به نظر من نابینایی که به اجبار و به تنهایی در شهر رفت و آمد می‌کنند، اسمش استقلال نیست، اسمش تقسیم بار و خدمت گرفتن مجانی از دیگران است. برای یک فرد نابینا امکان‌پذیر نیست در خیابان راه بیافتد و آدرسی را پیدا کند. مگر اینکه قبلاً با کسی این مسیر را رفته باشد و تا حدودی مسیر را بشناسد. ولی برای رد شدن از خیابان هم باید حتماً از دیگران کمک بگیرد. او مجبور است این کمک را مجانی از کسی بگیرد و از خیابان رد شود. به نظرم آن‌هایی که تنها می‌روند هم استقلال ندارند چون اگر کسی نباشد که به آن‌ها کمک کند، باید مدتها صبر کنند تا کسی کمکشان کند. شهر اصلاً آمادگی تردد افراد دارای معلولیت را ندارد.

مناسب‌سازی‌های هم که اتفاق افتاده بسیار جزئی و در حد صفر است.

### چه انتظاری از شورای شهر جدید می‌توانید داشته باشید؟

به نظر من مناسب‌سازی‌های شهری یک کار زمان‌بر است که با یک دوره چند ساله نمی‌توان انتظار معجزه داشت. چون نیاز به زیرساخت‌هایی دارد که اکنون در شهرها وجود ندارد. اول باید این زیرساخت‌ها ایجاد شوند. در واقع قبل از شورای شهر، یک‌سری از دستگاه‌های دولتی و نظارتی باید زیرساخت‌ها را فراهم کنند تا براساس آن شهرداری بتواند کارهایی را انجام دهد. تا وقتی این زیرساخت‌ها ایجاد نشود نمی‌توان از شورای شهر یا شهرداری انتظار خاصی داشت. به‌نظر من ابتدا باید تیم بزرگی متشکل از افراد متخصص در زمینه‌های مختلف جمع شوند و از وضعیت فعلی تحلیل درستی را ارائه بدهند و پس‌از آن یک‌سری مطالعات تطبیقی انجام دهند. کشورهای توسعه‌یافته که در حال حاضر امکانات خوبی دارند قطعاً زمانی در وضعیت کنونی ما قرار داشته‌اند، پس باید بررسی شود که سیر تکاملی در این کشورها چگونه بوده و از کجا شروع کرده‌اند و چه مسیری را طی کرده‌اند. انجام چنین کاری بسیار زمان‌بر است ولی می‌توانیم از شورای شهر انتظار داشته باشیم که یک کار علمی را شروع کنند تا اگر پس از چهار سال این افراد در شورا نبودند، نقرات بعدی بتوانند آن را ادامه دهند.

### و سخن آخر؟

اگر در تهران به‌عنوان پایتخت ایران این اتفاقات شروع شود و به ثمر بنشیند، هم کشور وجهه خوبی در فضای بین‌المللی کسب خواهد کرد و مهم‌تر از آن، باعث آرامش و راحتی زندگی شهروندان دارای معلولیتش می‌شود و می‌تواند به الگویی برای سایر شهرهای ایران تبدیل شود. مشکلات شهری بسیار زیاد هستند و حقوق شهروندی افرادی که معلولیت دارند رعایت نمی‌شود ولی اگر مشکل تردد و حضور آنها در فضاهای شهری تسهیل شود، شاید خیلی از مسائل دیگر آنها حل شوند. پس خوب است که شورای شهر بخشی از توان و انرژی خود را به بحث مناسب‌سازی‌ها اختصاص دهد و کار را از جایی شروع کند، به امید اینکه روزی این کار را به ثمر بنشیند.



بهناز رضایی، وکیل دادگستری

بهناز رضایی، وکیل دادگستری است. او در سال ۱۳۸۰ در امتحانات کانون وکلا شرکت کرد و قبول شد و ده سال هم وکالت کرد. اما در سال ۹۰ در حادثه رانندگی، از ناحیه گردن دچار ضایعه نخاعی شد و شش سال است که با ویلچر رفت و آمد می‌کند. با این وکیل دادگستری که به دلیل عدم مناسب سازی دادگاه‌ها قادر نیست در تخصص خود کار کند و خانه نشین شده‌است به گفت‌وگو نشستیم و از انتظاراتش از شورای شهر و شهردار جدید را پرسیدیم.

## قوانین ما ضمانت اجرایی لازم را ندارند!

شما سابقه ده سال کار در حوزه وکالت را دارید. بعد از اتفاقی که برای شما افتاد هنوز به کار وکالت می‌پردازید؟

خیر، دیگر کار نمی‌کنم. چون مشکل افرادی مثل من که دچار ضایعه نخاعی هستند عدم مناسب‌سازی اماکن عمومی مثل دادگاه‌هاست. اکثر ساختمان دادگاه‌ها قدیمی هستند، پله‌های نامناسبی دارند و آسانسورهایشان هم معمولاً خراب است. در حال حاضر در حد محدودی در خانه به افرادی که به من معرفی می‌شوند، مشاوره می‌دهم. کسانی را انجمن ضایعه نخاعی برای مشاوره به من معرفی می‌کند و یکسری هم افرادی هستند که به نوشتن دادخواست یا مشاوره نیاز دارند که من به این افراد هم کمک می‌کنم. افرادی که با من تماس می‌گیرند، معمولاً خودشان دچار معلولیت هستند و من می‌دانم که هرکدام با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند بنابراین از این راه درآمد چندانی ندارم. در حال حاضر با بیمه

نباید در ذهن فردی که دچار معلولیت است، نگرانی از آینده وجود داشته باشد. این امنیت خاطر باید از طرف نهادهای دولتی ایجاد شود و فرد مطمئن باشد که اگر به هر دلیلی معلولیتی دارد، نباید برای آینده‌اش دغدغه داشته باشد

از کارافتادگی کانون وکلا زندگی را می‌گذرانم.

اگر شرایط اماکن عمومی و دادگاه‌ها مناسب‌سازی باشند، می‌توانید مثل قبل کار کنید؟

به دلیل اینکه از ناحیه گردن دچار ضایعه نخاعی هستم انگشتانم حرکت

ندارند و نمی‌توانم صورت‌جلسه دادگاه را امضا کنم و همچنین برای ورق زدن پرونده و سرعت العمل در دادگاه حتماً باید کسی همراهم باشد. ولی افرادی که دچار ضایعه نخاعی از سینه یا کمر هستند، اگر اماکن عمومی مناسب‌سازی باشند، می‌توانید به فعالیت روزمره خود مستقلاً ادامه دهند.

چگونه با رعد آشنا شدید و چه ارتباطی با این مرکز دارید؟

از طریق انجمن ضایعه نخاعی با مرکز رعد آشنا شدم و از خدمات توان‌بخشی‌اش استفاده می‌کنم.

چقدر با قانون جامع حمایت از معلولان آشنایی دارید؟

من این قانون را مطالعه کرده‌ام و با آن آشنایی دارم. این قانون در سال ۹۳ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید ولی به دلیل یکسری مشکلاتی که در آن وجود داشت، مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت و



دوباره به مجلس فرستاده شد بعد هم که به شورای نگهبان رفت، برای اصلاحات بیشتر به مجلس برگردانده شد. این قانون اکنون به صورت لایحه در مجلس مطرح شده است که امیدواریم هرچه زودتر به تصویب برسد.

### به نظر شما مشکل موجود در این قانون چیست؟

به نظر من مشکل اصلی در اجرای قانون است. بهترین قانونها در کشور ما به تصویب می‌رسند ولی اولاً به آنها بودجه لازم تعلق نمی‌گیرد و دوم اینکه ضمانت اجرایی ندارند. یعنی احساس مسئولیتی وجود ندارد تا نهادی بررسی کند و ببیند قانونی که تصویب شده تا کجا پیشرفته و به کجا رسیده است؟ در قانون جامع، ۳ درصد استخدام‌های دولتی به افراد دارای معلولیت تعلق گرفته بود که در اصلاحیه جدید این مقدار به ۵ درصد هم افزایش یافت. در صورتی که وقتی سه درصد اجرا نشده، چه لزومی به افزایش آن بود؟ یا مثلاً در قانون جامع گفته شده که همه اماکن دولتی، ارگان‌ها و شرکت‌ها باید تا ۵ سال آینده مناسب‌سازی شوند، مگر مناسب‌سازی کردن اماکن چقدر زمان نیاز دارد که قرار شده در هر سال سی درصد کار مناسب‌سازی در هر ارگانی پیش برود؟ به نظر می‌رسد که حل این مسائل دغدغه کسی نیست و برای اجرای این قوانین تلاشی صورت نمی‌گیرد.

### از نظر قانون حقوق شهروندی، حقوق افراد دارای معلولیت شامل چه مواردی است؟

فردی که دچار معلولیت است، چه در اثر حادثه دچار معلولیت شود و چه به صورت مادرزادی معلولیت داشته باشد، به هر حال شهروند این کشور است. اولین چیزی که حق هر شهروند است، داشتن امنیت خاطر است. در افراد دارای معلولیت، نیاز به امنیت خاطر بیشتر است. نباید در ذهن این افراد نگرانی از آینده وجود داشته باشد. این امنیت خاطر باید از طرف نهادهای دولتی ایجاد شود و فرد مطمئن باشد که اگر به هر دلیلی معلولیتی داشت، نباید دغدغه فکری برای آینده‌اش داشته باشد.

### ارگان‌های دولتی چگونه می‌توانند در کاهش این دغدغه فکری اقدام کنند؟ نخستین کاری که می‌تواند

### در مدارس ژاپن هر دانش آموز باید

یک روز در ماه روی ویلچر بنشیند و همه کارهایش را با ویلچر انجام دهد و با ویلچر رفت و آمد کند. هدف از این آموزش‌ها آگاه‌سازی افراد جامعه نسبت به معلولیت است

انجام دهد، آموزش به خانواده‌ها و نزدیک‌ترین افراد به شخص دارای معلولیت است. پدر و مادر جوانی را در نظر بگیرید که یک فرزند دارای معلولیت مادرزادی دارند. باید از همان ابتدا آموزش‌های لازم به این پدر و مادر داده شود که بدانند چگونه با این شرایط وفق پیدا کنند؟ باید نیازهای فرزندشان را از هر لحاظ بشناسند. مسئله اصلی این است که اکثریت مردم شناختی نسبت به معلولیت ندارند. خود من تا قبل از معلولیتم فکر می‌کردم اگر کسی روی ویلچر نشسته است فقط مشکل در پاهایش است و نمی‌دانستم که قسمت بالا تنه بدن او هم ممکن است تعادل نداشته باشد و نمی‌تواند بنشیند! فکر می‌کردم مشکلی که در پاهای او وجود دارد با ویلچر حل می‌شود. در حالی که نداشتن تعادل در ناحیه تنه یکی از معضلات بزرگی است که بچه‌های ضایعه نخاعی و دیگر افراد دارای معلولیت ممکن است با آن روبه‌رو شوند. خانواده‌ها هم نسبت به معلولیت آگاهی چندانی ندارند. آگاهی دادن به جامعه بخشی از وظایف صداوسیما است. صداوسیما باید طی برنامه‌های بلندمدت، این آگاهی‌ها را به مردم بدهد. بنابراین نیاز به فرهنگ ساز عمومی در این حوزه وجود دارد. آموزش به جامعه و خانواده این افراد دغدغه‌های فکری آنها را از بین می‌برد و تا حدودی امنیت خاطر برای آنها ایجاد می‌کند. مسئله دوم، مناسب‌سازی داخل منازل است. محیط زندگی یک فرد روی ویلچر یا فردی که با واکر راه می‌رود باید به صورتی باشد که بدون

نیاز به دیگران بتواند زندگی کنند. مناسب‌سازی منازل بودجه زیادی به خانواده تحمیل می‌کند و در اینجا باید ارگان‌های دولتی مرتبط با امور معلولان بودجه‌ای به این کار تعلق دهند که متأسفانه این مسئله هم آن‌طور که باید انجام نمی‌شود.

براساس قوانین جدید شهرداری منازلی که جدیداً ساخته می‌شوند باید رمپ یا بالابر داشته باشند و یکسری از اصول دسترس‌پذیری در آنها رعایت شده باشد. بسیاری از پیمانکاران برای دریافت پایان کار از شهرداری، بالابر یا رمپ می‌گذارند ولی پس از گرفتن پایان کار، بالابر را برمی‌دارند یا رمپ را خراب می‌کنند، چون معتقدند زیبایی ظاهر ساختمان مهم‌تر از امکانات رفاهی می‌باشد.

مورد بعدی حق آموزش رایگان برای افراد دارای معلولیت است. در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان گفته شده است که آموزش و پرورش برای افراد دارای معلولیت از پیش‌دستانی تا بالاترین سطح علمی به صورت رایگان است. این قانون در ظاهر خیلی خوب است و همچنین در پذیرش دانشگاه‌های غیر دولتی صدق میکند و عملاً باید فرد دارای معلولیت را با همان کارت معلولیت بپذیرند، ولی آنقدر این فرد را دچار کاغذبازی و انجام امور اداری بیمارگونه می‌کنند که از ادامه تحصیل پشیمان می‌شود. در منشور حقوق شهروندی که سال قبل تهیه شد نیز فقط به یکسری موارد کلی اشاره شده است. در چند ماده آن گفته شده است که افراد از کارافتاده، مستمری‌بگیران، ناتوانان و سالمندان از حقوقی که در همه کشورها برای شهروندان وجود دارد مثل حق امنیت، مسکن، آموزش و... برخوردار باشند، ولی بحث ضمانت اجرای آن متأسفانه دیده نشده است. یکی از موارد دیگری که باید به آن توجه شود مناسب‌سازی‌های فضاهای شهری است. در قانون جامع گفته شده که معابر و فضاهای شهری باید مناسب‌سازی شود. در حالی که افرادی که با ویلچر، واکر یا عصا در سطح شهر رفت و آمد می‌کنند و افراد کم‌بینا و نابینا در عبور و مرور در شهر مشکلات زیادی دارند. یک نمونه ساده آن وجود جوی‌های آب در کنار خیابان‌هاست که معمولاً پل مناسبی روی آنها وجود ندارد. من مدتی برای درمان به کشور آلمان رفتم در خیابان‌های این کشور هیچ جوی



آبی دیده نمی‌شد. جمع‌آوری آب‌های سطحی در این کشور به صورت زیرگذر بود، به‌طوری‌که من به راحتی در کل شهر و بدون نیاز به کسی تردد داشتم. نمونه دیگر جدول‌بندی و نرده‌گذاری وسط خیابان‌های ماست. درحالی‌که در شهرهای پیشرفته هیچ‌گونه جدول‌بندی یا مانعی در وسط خیابان‌ها وجود ندارد.

مورد دیگری که باید به آن توجه شود امکان استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی است. در ایران افراد دارای معلولیت امکان استفاده از مترو و اتوبوس را ندارند. در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان گفته شده است که استفاده از مترو و اتوبوس برای افراد دارای معلولیت رایگان است، در حالی که وقتی این افراد امکان دسترسی به مترو و اتوبوس را ندارند، مجانی بودن آن به چه معنی است؟ ایستگاه اتوبوس نزدیک منزل ماست و من با عبور از یک خیابان می‌توانم به آن دسترسی داشته باشم ولی چطور می‌توانم از خیابانی که وسط آن نرده کشیده شده رد شوم و برطرف دیگر خیابان بروم، حتی اگر به هم اتوبوس برسم، چطور می‌توانم سوارش شوم؟ پس رایگان بودن بی معنی است. مناسب‌سازی شهری به یک برنامه‌ریزی بلندمدت نیاز دارد و شاید به راحتی عملی نشود ولی شهرداری می‌تواند محلی را در وسط خیابان برای عبور ویلچر باز بگذارد. از طرفی باز کردن چنین معابری در خیابان‌های ایران محلی برای رفت‌وآمد غیرقانونی موتورسیکلت‌ها می‌شود. پس بحث اصلی همان بحث فرهنگ‌سازی است که صداوسیما باید آن را برعهده بگیرد. در قانون گفته شده است که صداوسیما باید دو ساعت در هفته برای افراد دارای معلولیت برنامه داشته‌باشد که نه تنها چنین اتفاقی نمی‌افتد بلکه در اکثر فیلم‌ها شخصیت منفی فیلم، ویلچر نشین می‌شود، یعنی مجازات الهی این است که او معلول شود. آگاه‌سازی باید از دوران پیش‌دبستانی و دوران کودکی از مدارس شروع شود. باید باورمان شود که ده تا پانزده درصد از جمعیت دنیا دچار معلولیت هستند و هر کدام از افراد جامعه فقط چند لحظه با معلولیت فاصله دارند. در مدارس ژاپن هر دانش‌آموز باید یک روز در ماه روی ویلچر بنشیند و همه کارهایش را با ویلچر انجام

امیدوارم شورای شهر جدید با موضوعات شهروندی حقوق معلولان فعال‌تر برخورد کند. در کشورهای پیشرفته کوچک‌ترین رستوران، کافی‌شاپ، سوپرمارکت یا مغازه حتماً باید مناسب‌سازی شده‌باشند و حتماً یک سرویس بهداشتی مناسب برای معلولان در آنها وجود داشته‌باشد



دهد و با ویلچر رفت‌وآمد کند. هدف از این آموزش‌ها آگاه‌سازی افراد جامعه نسبت به معلولیت است. مورد دیگری که باید به آن توجه شود آگاه‌سازی کادر پزشکی نسبت به وضعیت معلولان است. وقتی من برای درمان به بیمارستان مراجعه می‌کنم انتظار ندارم کسی که در آنجا کار می‌کند در سطح یک فرد عامی باشد. حداقل به کادر پزشکی باید این آگاهی و آموزش داده شود که حداقل تا حدودی با انواع معلولیت‌ها آشنا شوند وقتی فرد ضایعه نخاعی به بیمارستان مراجعه میکند از او توقع بلندشدن از روی ویلچر و ایستادن نداشته‌باشند. این

موارد برمی‌گردد به آموزش فراگیر که در مورد کادر پزشکی و بیمارستانی باید بیشتر مد نظر قرار گیرد. یکی از دوستان دارای ضایعه نخاعی دچار شکستگی در ناحیه پا شده بود و به دکتر ارتوپد مراجعه کرده بود. دکتر به او گفته بود پایت را جمع کن یعنی پزشک ارتوپد نسبت به شرایط یک فرد ضایعه نخاعی آگاهی نداشت!

به نظر شما به‌عنوان یک حقوقدان آیا هیچ‌کدام از نقض موارد حقوق شهروندی معلولان قابل پیگیری است؟

در قانون، سازمان بهزیستی به‌عنوان ناظر بر اجرای این قوانین شناخته شده‌است. در صورتی که سازمان بهزیستی خودش یک مجری است و قدرت آن را ندارد که بتواند روی ارگان‌های دیگر نظارت کند. وزارت بهداشت، وزارت کار و امور اجتماعی یا وزارت دادگستری همه در یک ردیف هستند و هیچ‌کدام از دیگری دستور نمی‌گیرند. بنابراین نظارت بر اجرای قوانین باید از یک مرجع بالاتر صورت بگیرد و این چیزی است که در قانون جامع حمایت از معلولان دیده شده است و امیدواریم که با تصویب نهایی آن اجرایی شود.

به نظر شما شورای شهر در جهت حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت چه می‌تواند بکند؟

مهم‌ترین کاری که شورای شهر می‌تواند انجام دهد، پیگیری مناسب‌سازی‌های شهری است که باید توسط شهرداری‌ها انجام شود. شهرها به مناطق و محلات تقسیم می‌شوند که شهردار هر منطقه می‌تواند نسبت به محله و منطقه خود پیگیری لازم را داشته‌باشد. بحث اشتغال هم برای افراد دارای معلولیت دغدغه بزرگی برای آنان است. اکنون در مراکز مثل رعد یا مراکز مربوط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، آموزش‌های زیادی برای افراد دارای معلولیت برگزار می‌شود ولی با داشتن مهارت عملاً بازار کاری برایشان وجود ندارد. در قانون آمده که تلفنچی‌ها را می‌توان از نابینایان استخدام کرد یا برای کارهای دفتری مثل تایپ و کارهای کامپیوتری از افراد دارای معلولیت با توجه به توانمندی آنان کمک گرفت. شورای شهر می‌تواند در این حوزه به مراکز



در مناسب سازی‌هایی که شهرداری در سطح شهر انجام می‌دهد، از طرف شورای شهر بر به نحوه انجام کار مناسب سازی باید نظارت صورت بگیرد. قوانین زیادی در جهت حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت وجود دارد ولی تا وقتی نظارتی بر اجرای این قوانین وجود نداشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که اقدامات اصولی و درست انجام شوند. شورای شهر می‌تواند نهادی را تشکیل دهد که نظارت بر امور مربوط به معلولان داشته باشد. شورای شهر می‌تواند برای ارگان‌های مختلف دستورالعملی مشخص کند و پس از شش ماه بازرسی کند ببینید این کار انجام شده است یا نه؟

### و سخن آخر؟

امیدوارم شورای شهر جدید با موضوعات شهروندی حقوق معلولان فعال‌تر برخورد کند. بررسی و شناخت کمبودها در حیطه‌های مختلف جامعه بخصوص برای شهروندان معلول حایز اهمیت است که شورای شهر می‌تواند آنرا در راس کمک به افراد دارای معلولیت قرار داده و در نظارت بر حل مشکلات جدی برخورد کند. در کشورهای پیشرفته کوچک‌ترین رستوران، کافی‌شاپ، سوپرمارکت یا مغازه باید حتماً مناسب‌سازی شده باشند و حتماً یک سرویس بهداشتی مناسب برای معلولان در آنها وجود داشته‌باشد. امیدوارم روزی ما هم به این شرایط برسیم.

**محیط زندگی یک فرد روی ویلچر یا فردی که با واکر راه می‌رود باید به صورتی باشد که بدون نیاز به دیگران بتواند زندگی کند. مناسب‌سازی منازل بودجه زیادی به خانواده تحمیل می‌کند و در اینجا باید ارگان‌های دولتی مرتبط با امور معلولان بودجه‌ای به این کار تعلق دهند**

گرفته شود.

### شما به‌عنوان فردی که با ضایعه نخاعی دست به‌گریبانید، چه انتظاری از نمایندگان جدید شورای شهر دارید؟

اولین انتظارم این است که ضمانت اجرایی قوانینی را که قبلاً تصویب شده و یا قرار است تصویب شود را بالا ببرند. قانون و مجری قانون فراوان داریم ولی مهم نظارت بر نحوه انجام کار است. شهرداری مجری قانون است ولی شورای شهر باید بتواند به‌عنوان یک نهاد بر نحوه کار شهرداری نظارت داشته باشد.

شهرداری تکلیف کند که افراد دارای معلولیت را در مراکز خود به‌کارگیرند. وقتی یک فرد دارای معلولیت خودش درآمد داشته باشد اعتماد به‌نفس و امنیت خاطر بیشتری پیدا می‌کند ولی فردی که کار نداشته باشد به مرور دچار افسردگی و احساس سربار بودن می‌کند. من نمی‌دانم شورای شهر تا چه حد می‌تواند در اشتغال‌زایی افراد دارای معلولیت نقش ایفا کند؟ از مسائل دیگری که شورای شهر در آن می‌تواند نقش مهمی داشته باشد سامانه حمل‌ونقل معلولان است. اکنون حدود شصت دستگاه ون برای حمل‌ونقل وجود دارد که این مقدار اصلاً کافی نیست. قرار بود تعداد آن افزایش پیدا کند که فقط در حد حرف باقی‌ماند. قبلاً کرایه سامانه حمل‌ونقل حدود دو هزار تومان بود که از چند ماه پیش این مبلغ به چهار هزار و پانصد تومان افزایش یافت و گفته شد که به دستور شورای شهر این افزایش قیمت اتفاق افتاده است، و در حال حاضر مبلغ اضافی را برای معلولین دارای همراه تسری دادند.

مشکل دیگر معلولان مسئله تشکیل خانواده است به هر حال حق تشکیل خانواده جزو حقوق شهروندی همه افراد است و وجود معلولیت نباید مانع از ایجاد خانواده شود. نمی‌دانم شورای شهر در این موضوع چقدر می‌تواند دخیل باشد آیا می‌تواند تدابیری برای معلولان بیاندیشد که حداقل یک شغل و یک مسکن و یک کمک‌هزینه‌ای برای این افراد در نظر

شورای کارآموزان رعد شورای تازه تاسیسی است که بعد از گذراندن فراز و نشیب‌هایی فعالیتش را در سال قبل آغاز کرد. ایده تشکیل این شورا به سال‌های قبل برمی‌گردد اما با حضور خانم منصوره پناهی به عنوان مدیر عامل رعد و پیگیری کارآموزان، این شورا بالاخره در اسفند ۹۵ فعال شد. آقایان؛ سید مهدی موسوی، فرزاد خلیلی، یزدان کاویان پور و علیرضا علی‌نقیان و خانم‌ها؛ ستاره خلیل‌نژاد، اعظم رضایی و عطیه رنج‌آزاد، هفت نماینده‌ای هستند که با رای اکثریت کارآموزان رعد انتخاب شدند. با نمایندگان شورای کارآموزان در مرکز رعد به گفت‌وگو نشستیم و از دلایل راه‌اندازی شورا و اهدافش سوال کردیم:



یک روز با نمایندگان شورای کارآموزان

## جلب مشارکت، باعث همگرایی در میان کارآموزان می‌شود

کارآموزان از کارگروه‌های مختلفی تشکیل شده‌است. کارگروه منابع مالی و انسانی بر عهده من، کارگروه کارآفرینی و اشتغال بر عهده من و خانم رضایی، کارگروه روابط عمومی و فرهنگی بر عهده آقای کاویان‌نژاد و خانم رنج‌آزاد و کارگروه آموزش و مددکاری و درمان نیز بر عهده خانم رضایی و آقای خلیلی و خانم خلیل‌نژاد است. علی‌نقیان در مورد علت تشکیل این شورا می‌گوید: بچه‌ها و کارآموزان همیشه دوست داشتند که با مدیران مرکز رعد در ارتباط نزدیک باشند و خواسته‌هایشان را به آنها منتقل کنند ولی مشغله فراوان مدیر عامل و اعضای هیات مدیره اجازه این ارتباط را به آنها نمی‌داد. این بود که تصمیم گرفتیم شورایی تشکیل دهیم تا کارآموزان مشکلات خود را در شورا مطرح کنند و از طریق شورا به گوش مدیریت مجتمع برسانند. اکنون ما هفت نفر، ماهی یک‌بار با خانم پناهی جلسه داریم و مشکلات بچه‌ها و پیشنهادات

**تصمیم گرفتیم شورایی تشکیل دهیم تا کارآموزان مشکلات خود را در شورا مطرح کنند و از طریق آن به گوش مدیریت مجتمع برسانند**

مرکز رعد پیوسته‌است. او می‌گوید: من و آقای موسوی از مدت‌ها قبل به دنبال ایجاد چنین شورایی بودیم. او ادامه می‌دهد، علت ادامه پیدا نکردن شورای قبلی انتخاب نمایندگان بود که با وجود داشتن انگیزه کافی اما از نظر جسمانی توانایی کافی برای فعالیت نداشتند. بالاخره در اسفندماه سال ۹۵ این شورا با انتخاب هفت نفر از کارآموزان تشکیل شد. شورای

سید مهدی موسوی، دبیر شورای کارآموزان رعد از سال ۷۲ تا ۷۷ در کلاس‌های آموزشی رعد کارآموزی کرده و بعد از یک فاصله چند ساله دوباره از سال ۹۴ در دانشگاه علمی کاربردی رعد در رشته حسابداری به تحصیل مشغول شده‌است. او در مورد چگونگی تشکیل شورای کارآموزان می‌گوید: در سال ۹۴ با علیرضا علی‌نقیان در مرکز رعد آشنا شدم. تشکیل شورای کارآموزان رعد ایده ایشان بود که خیلی اصرار داشت چنین شورایی تشکیل شود. قبلاً شورا تشکیل شده بود اما به دلایلی فعالیتش ادامه پیدا نکرد. بالاخره در اسفندماه ۹۵ بعد از جلساتی که با حضور خانم پناهی و کارآموزان برگزار کردیم، پانزده نفر برای نمایندگی در شورا نامزد شدند که طی یک هفته رای گیری از همه کارآموزان، در نهایت هفت نفر از پانزده نفر برای نمایندگی شورا انتخاب شدند.

علیرضا علی‌نقیان از سال ۹۲ به



خود را مطرح می‌کنیم.

اعظم رضایی، ۹ سال است که با رعد در ارتباط است. او یک دوره نماینده کارآموزان در رستوران رعد بوده و دو سال است که هرروز در رعد حضور دارد. این نماینده قبلا در کلاس کامپیوتر و تئاتر شرکت می‌کرد و حالا به کلاس سفال و پتینه و سوخت چوب می‌رود. او می‌گوید: مجتمع رعد بیش از دویست کارآموز دارد و صدای همه بچه‌ها به گوش مدیریت نمی‌رسید. این بود که آقایان؛ علی‌نقیان و موسوی و مدیریت مجتمع همگی پیگیر تشکیل شورای کارآموزان بودند. تشکیل شورا باعث فعال شدن بچه‌ها و پیگیری مشکلاتشان از جانب خودشان شد. آنها خواسته‌های خود به صورت مکتوب به شورا ارائه می‌دهند، ما این نامه‌ها را می‌خوانیم و سعی در حل آنها می‌کنیم. اگر نتوانیم خودمان مشکل را حل کنیم با مدیریت مرکز در میان می‌گذاریم. او در پاسخ به نحوه ارتباط اعضای شورا با بقیه بچه‌ها می‌گوید، یک کانال تلگرامی برای ارتباط بچه‌ها با اعضای شورا راه انداخته‌ایم تا آنها از این طریق مشکلات خود را با ما در میان بگذارند. او ادامه می‌دهد: البته از طریق حضوری هم با بچه‌ها در تماس هستیم. مثلا آقایان علی‌نقیان و موسوی هر روز از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعدازظهر در رعد، پاسخگوی بچه‌ها هستند.

یزدان کاویان‌پور، از اوایل سال ۹۵ با رعد آشنا شده‌است. او، هم دانشجوی دانشگاه رعد است و هم در کلاس‌های معرق و تئاتر شرکت می‌کند. یزدان می‌گوید: چون کارگروه‌ها مشخص شده‌اند، هر کسی در هر حوزه‌ای با مشکل روبه‌رو می‌شود به مسئول همان حوزه در شورا مراجعه می‌کند. او ادامه می‌دهد: هر مشکلی بلافاصله به مدیریت منتقل نمی‌شود، اول سعی می‌کنیم با کمک اعضای شورا مشکل را بررسی کنیم و بعد با مسئول هر بخش و در نهایت با خانم پناهی آن را مطرح می‌کنیم. کاویان نژاد در مورد فعالیت‌های کارگروه روابط عمومی و فرهنگی می‌گوید، ما در مدت کوتاهی که شورای کارآموزی تشکیل شده‌است، سعی کردیم در مراسمی که در رعد برپا می‌شود حضور فعال‌تری داشته‌باشیم.

### تشکیل شورا باعث فعال شدن بچه‌ها و پیگیری مشکلاتشان از طرف خودشان شد

البته طبیعتاً مدتی طول کشید که واحدهای مختلف رعد با ما آشنا شوند و قبولمان کنند ولی در سال جدید که این قضیه جدی شد، شورا فعال‌تر و فعالیتش موثرتر شد.

موسوی، دبیر شورای کارآموزان در مورد چگونگی تدوین اساسنامه شورا می‌گوید: اساسنامه اولیه را با همفکری نمایندگان شورا نوشتیم. ولی بعد با مطالعه اساسنامه گروه بانوان و گروه جوانان که خانم پناهی در اختیار ما قرار دادند، اساسنامه را کامل‌تر کردیم و مجدداً در اختیار خانم پناهی و مهندس عامری برای اظهار نظر قرار دادیم. به پیشنهاد مهندس عامری، نام اساسنامه را به اساسنامه کارآموزان و کارآموختگان مرکز رعد تغییر دادیم. دبیر شورا ادامه می‌دهد: با همفکری خانم داداشیان قصد داریم یک صندوق رفاه برای کارآموزان رعد ایجاد کنیم. هدفمان این است که با گرفتن کمک‌هایی از مرکز رعد و کارآموزان، صندوقی را برای وام دادن به بچه‌ها راه‌اندازی کنیم. بچه‌ها می‌توانند با عضویت در صندوق، ماهانه مبالغی را پرداخت نمایند تا برای رفع نیازهای مالی یا برای اشتغال، به افرادی که نیاز دارند کمک کنیم. به گفته موسوی، یکی از کارهای دیگرمان، نظرخواهی از بچه‌ها در مورد اضافه کردن کلاس‌هایی که دوست دارند در رعد اضافه شود بود. هرکدام از ما سعی می‌کنیم به‌نحوی در بهبود وضعیت آموزشی مجتمع کمک کنیم.

فرزاد خلیلی و اعظم رضایی عضو کارگروه آموزش و مددکاری و فیزیوتراپی

هستند. فرزاد از ارتباط خوبی که شورا با واحد فیزیوتراپی و کاردرمانی دارد می‌گوید و ادامه می‌دهد؛ شاید یکی از بهترین بخش‌های مجموعه رعد، بخش کاردرمانی و فیزیوتراپی باشد. خانم حقیقی با بچه‌ها ارتباط خوب و شایسته‌ای دارند و تاکنون هیچ شکایتی از ایشان دریافت نکرده‌ایم. بچه‌ها خانم حقیقی را خیلی دوست دارند و ایشان هم با بچه‌ها به خوبی رفتار می‌کنند.

عطیه رنج‌آزاد، عضو کارگروه مددکاری شورا سه سال است که با رعد در ارتباط است. او دوره ICDL و فتوشاپ را گذرانده و حالا از هنرجویان کلاس خطاطی و نقاشی است. عطیه رشته کارشناسی روابط عمومی را در دانشگاه علمی کاربردی رعد می‌خواند و مدتی است که با روابط عمومی رعد همکاری می‌کند. عطیه می‌گوید: چون باید یک دوره کارآموزی را در ارتباط با رشته تحصیلم طی می‌کردم، این دوره را در واحد روابط عمومی رعد گذراندم. اکنون هم همکاری خودم را با این بخش حفظ کرده و دو سه روز در هفته در واحد روابط عمومی فعالیت می‌کنم. عطیه ادامه می‌دهد: اگر افراد دارای معلولیت در عرصه‌های مختلفی که مربوط به خودشان است حضور داشته‌باشند، راحت‌تر و ساده‌تر می‌توانند مشکلات مربوط به خودشان را حل کنند و در خیلی از موارد راه‌حل‌های ساده‌تری را نسبت به فردی که از بیرون به مسئله نگاه می‌کند و به‌دنبال راه‌حل‌های پیچیده‌ای می‌گردد، ارائه می‌دهند. من چون خودم در واحد روابط عمومی رعد هستم، تلاش می‌کنم ارتباط شورای کارآموزان را با واحد روابط عمومی رعد حفظ کنم و بسیاری از اقدامات را پیگیری کنم.

ستاره خلیل نژاد، عضو کارگروه مددکاری شورا از چگونگی آشناییش با رعد می‌گوید. او از طریق شهرام مبصر در سال ۹۰ با رعد آشنا شد ولی از مهرماه ۹۲ با شرکت در کلاس‌های سفال و حسابداری ارتباطش را بیشتر کرد و در سال ۹۵ به پیشنهاد علیرضا علی‌نقیان کاندیدای نمایندگی شورای کارآموزان شد. ستاره ابتدا به دلیل خاطره‌ای که از انحلال شورا در سال‌های قبل داشت، نمایندگی را قبول نکرد ولی با اصرار دوستان و بعد از کارگاهی که توسط خانم



شماره ۵۵ - پاییز ۱۳۹۴



به مناسب سازی دارد را شناسایی کنند و به شوراهای محلات معرفی نمایند.

آخرین سوال ما در این گفت و گو در مورد انتظارات نمایندگان شورا از نمایندگان جدید شورای شهر بود. همه آنها به مشکلات حمل و نقل شهری و عدم دسترس پذیری در جای جای شهر بود.

رضایی می گوید: یکی از مشکلات ما این است که سامانه حمل و نقل معلولان فقط برای رفت و آمد به رعد، بهزیستی و بیمارستان ها به معلولان سرویس می دهد. یعنی اگر بچه ها بخواهند به دانشگاه بروند یا به اماکن تفریحی بروند به آن ها سرویس نمی دهد. موسوی ادامه می دهد، بیشترین انتظاری که از شورای شهر داریم این است که به قوانینی که خودشان وضع کرده اند عمل کنند. قوانین شهرداری می گوید که بیمارستان ها و اماکن عمومی باید مناسب سازی شده باشند و رمپ داشته باشند. چرا شهرداری به ساختمان هایی که قوانین خود شهرداری را رعایت نمی کند پایان کار می دهد؟ او ادامه می دهد، پس از پیگیری های زیاد توانستیم محل پارک برای ماشین های افراد دارای معلولیت را بگیرم ولی همیشه اتومبیل های متفرقه در آنجا پارک می شوند! شکایت هم که می کنیم کسی جوابگو نیست. وقتی شهرداری یک محل پارک به ماشین افراد دارای معلولیت می دهد باید با راهنمایی و رانندگی هماهنگ باشد. همانطور که راهنمایی و رانندگی ماشین های متخلف را از کنار خیابان با جرثقیل بلند می کند و می برد، باید این ماشینی که در محل پارک معلولان پارک کرده است را هم ببرند.

رضایی از قوانین ساختمان سازی می گوید، که بناهای جدیدی که ساخته می شوند، چه اداری و چه تفریحی و چه عمومی باید دسترس پذیر باشند و مکان هایی که قبلاً ساخته شده اند نیز مناسب سازی شوند، که این قوانین متأسفانه رعایت نمی شود.

انتظارات نمایندگان شورا کارآموزان رعد از شورای شهر بسیار است. به امید اینکه شورای جدید شهر و شهردار جدید در جهت شهری سالم و امن برای همه شهروندانش اقدامات جدی کنند.

**هر مشکلی بلافاصله به مدیریت منتقل نمی شود، اول سعی می کنیم با کمک اعضای شورا مشکل را بررسی کنیم و بعد با مسئول هر بخش در میان می گذاریم و در نهایت با مدیریت آن را مطرح می کنیم**

بار در رعد راه اندازی شده است و جا افتادن آن کمی زمان بر است ولی با حمایت مدیران مجتمع قصد ثبت این نهاد را داریم.

نمایندگان شورا اهداف دیگری را هم دنبال می کنند. آنها دوست دارند توانیابان رعد مسئولیت های بیشتری را به عنوان شغل در رعد برعهده بگیرند. مثلاً فردی مانند سید علی موسوی که رانندگی می کند، بتواند به عنوان راننده با رعد همکاری داشته باشد. کاویان نژاد معتقد است که باوجود خانم پناهی، شرایط توانیابان در رعد روز به روز بهتر می شود چون ایشان درایت بسیاری دارند و هدفشان ارتقای شرایط بچه ها است.

علی نقیان بزرگ ترین مشکل رعد را کم بودن تبلیغاتش می داند و می گوید، سعی داریم کاری کنیم که خود کارآموزان برای رعد تبلیغ کنند، مثلاً اگر در رعد جشنواره ای برگزار می شود تراکت ها را به بچه ها بدهیم تا در محله های خود پخش کنند.

موسوی می گوید، کار جدیدی که با راهنمایی خانم پناهی در حال انجام هستیم این است که ببینیم هر کدام از بچه ها در کدامیک از مناطق تهران زندگی می کنند تا با ارتباط با شهرداری های مناطق مختلف امکان شرکت آنها در شوراهای محله و در کانون معلولان محلات را فراهم کنیم تا آنها خودشان مناسب سازی های محله خود را پیگیری کنند. بچه ها می توانند در هر محله ای که زندگی می کنند معابر و خیابان هایی که نیاز

پناهی برگزار شد، نظرش تغییر کرد و از میان پانزده داوطلب نمایندگی شورا، جزو هفت نفر منتخبین قرار گرفت. به نظر او افراد شایسته ای در شورا انتخاب شدند، چون همه آنها خیلی پرتلاش و فعالند و دغدغه شان هم بهبود شرایط توانیابان است. توانیابان رعد، مشکلات خود را با او و بقیه نمایندگانی که عضو این کارگروه مددکاری هستند در میان می گذارند. ستاره می گوید: سعی می کنیم ابتدا مشکل را توسط خودمان حل کنیم اگر نتوانستیم با مسئول واحد مربوطه مطرح می کنیم و اگر مشکل حل نشد، آن را با مدیریت مجتمع در میان می گذاریم. اعضای این کارگروه ماهی یکبار با خانم پناهی جلسه دارند.

اعظم رضایی و علیرضا علی نقیان در کار گروه اشتغال هم فعالیت دارند. اعظم در این رابطه می گوید: بچه هایی هستند که کارهای دستی مثل معرق انجام می دهند ولی به دلیل مشکلات جسمانی شان قادر نیستند از خانه خارج شوند. ما آنها را به بخش کارآفرینی معرفی می کنیم تا در بازارچه ها و نمایشگاه هایی که برگزار می شود در غرفه ای که در اختیارشان قرار می گیرد، کارهای خود را به فروش برسانند. علی نقیان اضافه می کند، علاوه بر این وقتی واحد کارآفرینی کسانی را برای اشتغال به مراکز مختلف معرفی می کند، من یا آقای موسوی با همراهی خانم رستگار و داداشیان به آن مرکز رفته و محیط کار را بررسی می کنیم که اگر شرایط محیطی برای بچه ها مناسب بود، برای کار معرفی شان کنیم. مثلاً من به همراه خانم رستگار دو جلسه به شرکت میراب رفتیم و با توجه به شرایط کار و شرایط محیطی، دو نفر از بچه ها را برای کار به آنجا معرفی کردیم. سعی کرده ایم در هر قسمت از رعد حضور موثر داشته باشیم.

نمایندگان شورا یکی از اهداف خود را معرفی هر چه بیشتر رعد به جامعه می دانند و قصد دارند الگوی رعد را به بقیه انجمن های خیریه ای و نیکوکاری هم تسری دهند. فرزاد خلیلی در این مورد می گوید: در نظر داریم که به نهاد شورای کارآموزان رسمیت ببخشیم تا مؤسسات خیریه ای دیگر هم، شورایی متشکل از گروه هدف خود تشکیل دهند. او ادامه می دهد: این شورا برای نخستین





کلاس سفال یکی از قدیمی‌ترین کلاس‌های هنری در موسسه رعد است که علاقمندان زیادی بین کارآموزان رعد دارد. دل آرام طلاکوب چهار سال است که استاد این کلاس است و به هنرجویان زیادی آموزش سفالگری می‌دهد. او در رشته صنایع دستی در گرایش سفال و سرامیک مدرک کارشناسی دارد و در رشته پژوهش هنر کارشناس ارشد است. آشنایی او با موسسه رعد از طریق بازارچه‌های این مرکز و نیز از طریق مربی قبلی این کلاس در رعد صورت گرفته است. در یکی از روزهای تابستان به کلاس سفال رفتیم تا با روش کار استاد کلاس و نظرات هنرجویان آشنا شویم.

گزارش از کلاس سفال

## ساختن، احساس خلق و خودباوری به کارآموزان می‌دهد

هم سفالگری را آموزش می‌دهیم.

در حال حاضر چند نفر در این کلاس مشغول به آموزش هستند؟

به‌طور متوسط در هر ترم پانزده تا بیست نفر شرکت‌کننده داریم که البته این تعداد به تفکیک ساعت‌ها و با توجه به برنامه‌های کلاس‌های دیگر متفاوت است. در مجموع در هفته سه روز کلاس سفال‌گری برگزار می‌شود که یک روز برای بچه‌های پیشرفته است و دو روز دیگر هم کلاس‌های مقدماتی است.

آیا کارآموزانی دارید که در رشته سفال‌گری به مهارت رسیده باشند؟

بله. یک سری از کارآموزان پیشرفت خوبی دارند و اکنون از طریق شبکه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی محصولات خود را معرفی می‌کنند و می‌فروشند و یا در بازارچه‌ها و نمایشگاه‌های مختلف شرکت می‌کنند و محصولات خود را در معرض فروش قرار می‌دهند.

محصولات هنری کارآموزان رعد در طول سال در چندین بازارچه‌ی رعد عرضه می‌شود ولی سیاست جدید این است که یک‌قدم به جلو برداریم و در گالری‌های دیگر هم حضور داشته باشیم

می‌شود. مثلاً اگر لازم باشد دست فردی قوی‌تر شود با همین هدف برایش فعالیت هنری تعریف می‌کنیم و به او تمرین‌ها و کارهایی می‌دهیم که به این هدف برسیم. یا مثلاً اگر لازم باشد که دید شخصی متمرکز شود، طرحی در اختیارش قرار می‌دهیم که این هدف را دنبال کند. البته گروهی از بچه‌ها هم صرفاً از روی علاقه و تفریح به کلاس می‌آیند که به آنها

خانم طلاکوب، هنرجویان کلاس شما از توانایی‌ها و قابلیت‌های متفاوتی برخوردارند. کار با این بچه‌ها را چگونه شروع می‌کنید و در این مدت چه ارزیابی از هنرآموزان این کلاس دارید؟

بچه‌هایی که در کلاس سفالگری رعد شرکت می‌کنند چند گروه هستند. یک سری از بچه‌ها واقعاً توانمند هستند و در دانشگاه هم در رشته‌هایی مثل گرافیک، تصویرسازی و نقاشی تحصیل کرده‌اند. کار با این افراد با کار با کسانی که برای تفریح و سرگرمی و یا درمان می‌آیند کاملاً متفاوت است. شناخت این تفاوت‌ها باعث شده که برای هر کدام از این بچه‌ها به صورت منحصر به فرد برنامه‌ریزی شود. برای بچه‌هایی که جدی‌تر و پیگیرترند، تلاش می‌شود که به سمت آشنایی با کارهای موجود در بازار و حتی آشنایی در سطح بین‌المللی و تولید آثار هنری بروند. ولی برای کارآموزانی که با هدف درمان به کلاس می‌آیند بعد از مشورت با بخش درمانی مرکز رعد و با توجه به نیازهای درمانی برایشان برنامه‌ریزی



شماره ۵۵، پاییز ۱۳۹۴



چندی پیش گالری علیها میزبان محصولات هنری کارآموزان رعد بود. آیا قرار هست که کارهای هنری این بچه‌ها در گالری‌های دیگر هم عرضه شوند؟ یعنی محصولات هنری کارآموزان رعد در حد رقابت با بقیه هنرمندان این رشته هست؟

طبق سیاست‌هایی که رعد تعریف کرده، قرار است که کارآموزان را به حضور در فضای مجتمع رعد محدود نکنیم، بلکه کیفیت کارها به حدی برسند که بتوانند در گالری‌ها و نمایشگاه‌های بیرون از رعد هم عرضه شوند. محصولات هنری کارآموزان رعد در طول سال در چندین بازارچه‌ی رعد عرضه می‌شود ولی سیاست جدید این است که یک‌قدم به جلو برداریم و در گالری‌های دیگر هم حضور داشته باشیم تا بچه‌ها هم به لحاظ اعتبار هنری و هم به لحاظ نحوه برخورد و رفتار با دیگران، پیشرفت داشته باشند. در این راستا با چندین گالری صحبت شد و گالری علیها قبول کرد که یک‌زمان چند روزه را در اختیار رعد قرار دهد تا بچه‌ها کارهایشان را در آنجا به نمایش بگذارند. در این نمایشگاه علاوه بر کارهای سفال، آثار معرق، سوخت چوب، نقاشی و خوشنویسی هم ارائه شد.

**قرار است این کلاس‌ها به اشتغال‌زایی هم منجر شوند. بچه‌هایی که کارهای باکیفیت تولید می‌کنند، تولیدات خود را به فروش می‌گذارند**

**خود بچه‌ها هم در این گالری حضور داشتند؟**

گالری علیها هم مثل خیلی از اماکن دیگر در کشور ما مناسب‌سازی نیست و فقط بچه‌هایی که در بالا و پایین رفتن از پله‌ها محدودیت نداشتند توانستند در این نمایشگاه شرکت کنند.

**از کارهای ارائه‌شده در این نمایشگاه کارهایی هم به فروش رسید؟ و آیا قرار هست که به درآمدزایی برای بچه‌ها منجر شود؟**

بله. هم از کارهای نقاشی و هم

از کارهای سفال فروش داشتیم. اصولاً قرار است این کلاس‌ها به اشتغال‌زایی منجر شوند. بچه‌هایی که کارهای خوبی تولید می‌کنند، تولیدات خود را می‌فروشند. البته هنوز فروش این محصولات در حدی نیست که جوابگوی مخارج زندگی باشد. ولی تعدادی از بچه‌ها به حدی رسیده‌اند که بتوانند در خانه هم کار کنند. آنها از طریق تلگرام با من در تماس هستند و راهنمایی‌های لازم را می‌گیرند و در نهایت کارشان را به فروش می‌رسانند.

**آیا هنرجویان کلاس شما به مرحله‌ای رسیده‌اند که بتوانند در کارگاهی مشترک با هم کار کنند و تولیداتشان را به فروش برسانند؟**

هنوز برای رسیدن به این موقعیت زود است. ولی با توجه به شناختی که از این بچه‌ها دارم می‌توانم پیش‌بینی کنم که چند نفر از آنها این توانایی را دارند که بتوانند در آینده کارگاه شخصی داشته باشند.

**آموزش‌های شما در این کلاس به مراحل پیشرفته‌تری هم می‌رسند و نگاه به جلو دارد؟ مسیری که این کلاس طی میکند،**



### در لاله جین همدان تولید می‌شوند؟

ما از تولیدات کارگاه‌های دیگر هم ایده می‌گیریم. ولی در جاهایی مثل لاله جین، کار به صورت تولید انبوه است و دیگر از جنبه هنری خارج شده است. در اینجا بچه‌ها کارهای تک و خاص انجام می‌دهند و کاری که تولید می‌شود، دوباره تکرار نمی‌شود. حتی اگر سفارش هم بگیرند کار دوم خواهناخواه با کار اول متفاوت خواهد بود. مگر اینکه روش کار را تغییر دهیم که آن روش تولید انبوه و کار با قالب است. کار با قالب بخش دیگری از کار سفالگری است که در ادامه روندی که آن را هم آموزش می‌دهیم هست ولی تولید انبوه شرایط و امکانات خاص خود را می‌خواهد که فعلا در برنامه کاری ما نیست.

### چه چشم‌اندازی برای ادامه این کلاس دارید؟

به این دلیل که بچه‌های کلاس در دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند، دوست دارم هر کدامشان به چیزی که نیازش را دارند برسند. دوست دارم کسانی که برای درمان و توانمندی آمده‌اند شرکت در این کلاس واقعاً برایشان مفید باشد و بتوانند به آرامش درونی و اعتمادبه‌نفس برسند. ساختن چیزهای کوچک با یک‌تکه گل، احساس خلق کردن و احساس خودباوری را به بچه‌ها می‌دهد. برای بچه‌های گروه پیشرفته‌مان هم توقع دارم که این بچه‌ها به خوداشتغالی برسند. البته دوست ندارم که به حوزه تولید انبوه بروند. تولید انبوه یک کار کارگاهی است که به سواد هنری بالا نیازی ندارد و فقط آموزش نحوه کار کافی است. من ترجیح می‌دهم بچه‌ها دید هنری وسیعی پیدا کنند و کارشان محدود به ایران نباشد. خوشبختانه با توجه به امکاناتی که از طریق فضاهای مجازی وجود دارد بچه‌ها می‌توانند کارهایشان را نه فقط در ایران بلکه به همه دنیا نشان دهند. بچه‌ها علاوه بر شبکه‌های اجتماعی می‌توانند از سایت مجتمع رعدهم استفاده کنند و تولیدات خود را برای فروش عرضه کنند. اینکه بچه‌ها بتوانند کار خاصی را تولید کنند برای من خیلی اهمیت دارد و امیدوارم به این مرحله برسیم. قرار است از کارهای با کیفیت بچه‌ها عکاسی شود و در سایت مجتمع رعدهم جهت فروش قرار داده شود.



ساختن چیزهای کوچک  
با یک‌تکه گل،  
احساس خلق کردن و خودباوری را  
به بچه‌ها می‌دهد

محصولاتی که در گالری علیها به نمایش گذاشته‌شد، در سطح کیفی بسیار بالایی بودند تا جایی که خانم پناهی در بازدید از نمایشگاه در گالری علیها گفتند که اگر از قبل نمی‌دانستم باور نمی‌کردم که این‌ها کار بچه‌های مرکز رعده باشد. رویه بعدی ما همین است که کارهایی ارائه شوند که نیاز به معرفی معلولیت سازنده‌اش نباشند بلکه کیفیت کارها موردنظر قرار داده شود.

### آیا سفال‌هایی که بچه‌ها در کلاس تولید می‌کنند فقط جنبه تزئینی دارند یا جنبه کاربردی هم دارند؟

هم کارهای تزئینی و هم کارهای کاربردی تولید می‌کنیم. از بشقاب و کاسه تولید داریم تا شمعدان و گلدان و... سعی می‌کنیم بیشتر کارهایمان کاربردی باشند. الان فضای خانه‌ها به گونه‌ای نیست که وسایل تزئینی زیادی روی در و دیوارها بگذاریم. با توجه به محدودیت جا و مکان در آپارتمان‌ها مردم ترجیح می‌دهند اگر چیزی خریداری می‌کنند علاوه بر زیبایی قابل استفاده هم باشد. مثلاً اگر قرار است گلدان قشنگی روی میز بگذارند بتوانند چند شاخه گل هم در آن قرار دهند.

### آیا شما از سایر تولیدکنندگان کارهای سفالی هم ایده می‌گیرید؟ مثل کارهایی که

### به چه صورت است؟

هنر انتهایی ندارد. کار سفالگری از ساختن آثار کوچک شروع می‌شود و بر اساس توانمندی و خلاقیت خود بچه‌ها راهش را پیدا می‌کند. از کارهای کوچک شروع می‌کنیم و در مراحل پیشرفته‌تر به ساخت مجسمه می‌رسیم. الان با یکسری از بچه‌ها که توانمندی بیشتری دارند به ساخت مجسمه‌های فیگوراتیو یا غیر فیگوراتیو رسیده‌ایم. مراحل بعدی و پیشرفته‌تر کار، ریخته‌گری و قالب‌سازی است که بچه‌های علاقمند و توانا می‌توانند به این مراحل هم برسند.

### آیا تمام مراحل کار سفالگری از ساخت تا پخت و رنگ‌آمیزی در همین محل انجام می‌شود؟

متأسفانه در مرکز رعده کوره پخت نداریم. ولی یک کارگاه شخصی با رعده همکاری می‌کند و کوره‌اش را در اختیار ما قرار داده است. کارهایی که بچه‌ها می‌سازند پس از خشک شدن باید در کوره پخته شوند. بعد از پخت هم مرحله رنگ‌آمیزی است که هم می‌توان از رنگ‌هایی مثل آکرلیک استفاده کنیم که نیاز به پخت ندارد یا از لعاب استفاده می‌شود که باید دوباره پخت شوند. بعضی از کارها دو یا سه بار نیاز به پخت دارند.

### محصولاتی که در این کارگاه تولید می‌شوند، از لحاظ کیفی قدرت رقابت در بازار را دارند؟

محصولات تولید شده کیفیت‌های مختلفی دارند. گروه پیشرفته ما در کلاس کارهایی تولید می‌کنند که قابل رقابت در بازار هستند و حتی کیفیت بالاتری هم دارند. ولی بعضی از تولیدات هم هستند که در سطح بازار نیستند و فقط در بازارچه‌های خیریه ارائه می‌شوند و با دید خیریه‌ای به فروش می‌رسند. البته



## با کار آموزان کلاس سفالگری



از اینکه می‌توانم چیزی را درست کنم لذت می‌برم. فیروزه ملک مقدم حدود ده سال است که در کلاس‌های مختلف رعد شرکت می‌کند. او در کلاس‌های کاشی معرق، سفال، زیورآلات و قالببافی رعد شرکت کرده ولی تجربه و سابقه او در کار سفال بیشتر است. او می‌گوید: کار سفال را به‌خوبی یاد گرفته‌ام و از اینکه می‌توانم چیزی را خودم درست کنم لذت می‌برم. فیروزه دوستان خوبی در این کلاس پیدا کرده و محیط کلاس را بسیار دوست دارد. می‌گوید: از اینکه در کنار بچه‌های این کلاس هستم خیلی خوشحالم و از خانم طلاکوب و سایر بچه‌های کلاس هم تشکر می‌کنم. او به هنر سفالگری نگاه اقتصادی دارد و ادامه می‌دهد، من توانسته‌ام تعدادی از کارهایم را در بازارچه‌های خیریه و نمایشگاه‌ها بفروشم و قصد دارم از این هنر درآمد کسب کنم. ولی هنوز نتوانسته‌ام کارگاهی پیدا کنم که در آن مشغول به کار شوم. او امکان انجام سفالگری در خانه را ندارد چون سفالگری نیاز به ابزار دارد و امکانش در خانه مهیا نیست. البته او در خانه بی‌کار نمی‌ماند و کار زیورآلات را انجام می‌دهد. امیدوار است روزی به این مرحله برسد که بتواند مربی بچه‌ها شود.

### کار با گل و خاک آرامش خاصی به من می‌دهد

زهرا واعظی‌پور یکی دیگر از هنرجویان کلاس سفالگری است. او مدرک کارشناسی گرافیک را از دانشگاه جامع علمی کاربردی رعد گرفته و تابستان‌ها به‌صورت تفریحی به کلاس سفالگری می‌آید. می‌گوید: به کار سفال علاقه دارم و کار با گل و خاک آرامش خاصی به من می‌دهد و از وقتی که درسم تمام‌شده وقت بیشتری را به سفالگری اختصاص می‌دهم و به‌صورت حرفه‌ای به این هنر نگاه می‌کنم. این هنرجو علاوه بر کار سفالگری به کلاس نقاشی هم می‌آید و احساس می‌کند هنر سفالگری و نقاشی با گرافیک که رشته تحصیلی‌اش است نزدیکی زیادی دارد. او کارهای هنری زیادی ساخته که نمونه‌هایش در کلاس سفال در معرض دید قرار دارد. او معتقد است با اینکه در جامعه ما کارهای هنری درآمد چندانی ندارند ولی همین‌که بشود از طریق کار هنری درآمدی کسب کرد، باعث افزایش انگیزه می‌شود.

### کارهایم را خودم از خودم می‌خرم!

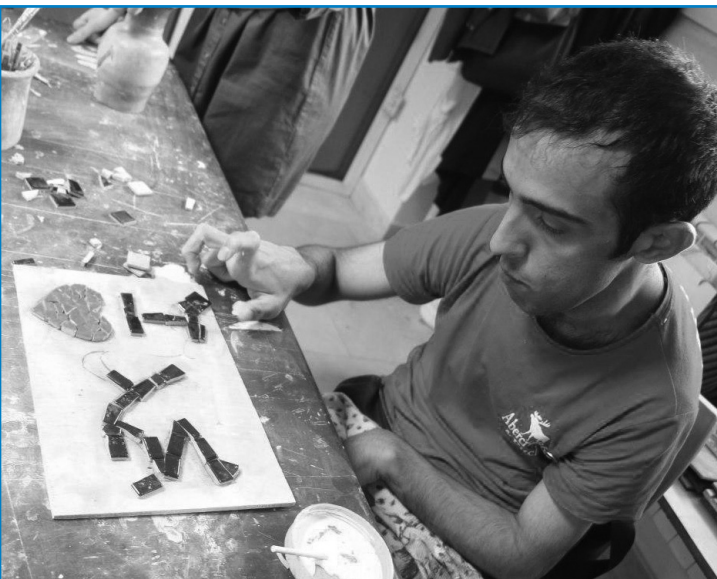
لیدا تهرانی هم، در دانشگاه علمی کاربردی رعد تحصیل می‌کند و هم تابستان‌هایش را در کلاس سفال می‌گذراند. او به کارهای هنری علاقه بسیاری دارد و علاوه بر کار سفال به کلاس‌های نقاشی، کاشی معرق و قالببافی هم می‌رود. او کارهای زیادی انجام داده ولی دوست ندارد که آنها را به فروش برساند. می‌گوید: کارهایم را خودم می‌خرم چون دوست دارم همیشه آنها را داشته‌باشم.

### خانم طلاکوب مربی بسیار خوب و با حوصله‌ای هستند

محمد دیگر هنرجوی کلاس سفال، دو سال است که به این کلاس می‌آید. او که مربی بوچیا در مرکز رعد است، کار سفالگری را بسیار دوست دارد. او می‌گوید: خانم طلاکوب مربی خیلی خوب و باحوصله‌ای هستند و من از زحمات ایشان بسیار تشکر می‌کنم. من مربی بوچیا در مجتمع رعد هم هستم و به کلاس سفالگری هم می‌آیم.

\*\*\*

سوگل محمدی هم خیلی وقت است که به کلاس سفال می‌آید. او کارهای تزئینی زیادی مثل گلدان و جاشمعی درست کرده و امیدوار است که در این هنر حرفه‌ای شود.



# رعایت حقوق افراد دارای معلولیت؛ وظیفه دولت یا لطف و ترحم مسئولان!

سروه شیخی، کارشناس ارشد معماری

حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی، حقوق فرهنگی و حقوق اجتماعی است. با نگرش جدیدی که در جوامع پیشرفته بوجود آمد، تعریف معلولیت تا حدود زیادی تغییر کرد و بدین جا رسید که میزان معلولیت یک فرد را محیط تعیین می‌نماید. این امر زمانی مشخص می‌شود که فرد دارای معلولیت، از امکاناتی که جامعه در دسترس عموم مردم قرار داده محروم است یا در برخورداری از آن با مشکل مواجه می‌باشد. آنچه که امروز در هر جامعه‌ای لازم است به آن توجه شود، در دسترس پذیری همه ارکان محیط زندگی است، تا افرادی که معلولیت دارند هم شهروند به حساب بیایند.

با نگاهی ژرف‌تر به مسئله ناتوانی و بررسی توانایی‌های افراد و ارتباط آن با تعریف سلامتی، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که همه افراد جامعه در طول زندگی به نحوی ناتوانی را تجربه می‌کنند. چنین توصیفی سبب می‌شود تا افراد ناتوان خود را کاملاً مجزا از جامعه نبینند و مرزهای ساختگی‌ای که مانع از ورود آزاد آنان به جامعه می‌شود، خود به خود از بین برود. برای ارتقاء کیفیت زندگی افراد کم‌توان، جامعه و دولت باید تلاش کنند تا بستر مناسبی برای احقاق حقوق افراد دارای معلولیت مهیا شود.

با وجود این‌که در سال‌های اخیر به تحصیل و آموزش افراد دارای معلولیت توجه شده و نهادهای دولتی امکاناتی را برای تحصیلات دانشگاهی به صورت رایگان یا نیمه رایگان برای آنها فراهم کرده‌اند، ولی فرصت‌های استخدامی که در اختیار آنها قرار می‌گیرد، بسیار اندک بوده و با وجود قوانینی مبنی بر استخدام ۳٪ افراد دارای معلولیت در هر سازمان و نهاد دولتی و همین‌طور الزام کارفرمایان جهت استفاده از افراد دارای معلولیت، این قوانین تاکنون رعایت نشده و از به‌کارگیری این افراد در مشاغل که استعداد و توانایی انجامشان را دارند به خاطر داشتن ظاهر متفاوت، سرباز زده می‌شود. همین مسئله رسیدن به خودکفایی و استقلال افراد دارای معلولیت را سخت و گاهی غیر ممکن می‌سازد.

البته تا زمانی‌که اماکن عمومی در شهرها و ساختمان‌ها امکان حضور افرادی که معلولیت

انسان در طول تاریخ همواره به‌دلیل تفاوت‌های ظاهری هم‌چون نژاد، رنگ پوست، جنسیت، و با اعتقادات دینی، شرایط فیزیکی و جسمی متفاوت همواره مورد تبعیض یا تحقیر واقع شده‌است. احساس تفاوت و برتری فرد یا افراد بر دیگری، برای ایجاد سلطه و نشان دادن قدرت، سبب شده تا جنگ‌های فراوانی در طول تاریخ به‌وجود بیایند. ولی سرانجام با رشد فکری بشر و تلاش برای ایجاد برابری میان انسان‌ها، نهادهای بین‌المللی قوانینی را وضع نمودند تا در روابط بین انسان‌ها نظم ایجاد شده و زور بر روابط بین آنها مستولی نگردد. با وضع این‌گونه قوانین، حقوق معنا پیدا کرد و اولین حق هر انسان، حق حیات او دانسته‌شد. در همین راستا توجه به حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۶ آغاز گردید. فلسفه حقوق بشر بر اساس این دو نکته شکل گرفته‌است:

۱- حق حیات، انسان دارای ارزشی والا است.  
۲- انسان باید حق تعیین سرنوشت خود را داشته‌باشد و این حق باید محترم شمرده شود در واقع حقوق بشر، دفاع از حیثیت انسان است بدان معنا که هرکس در این جهان زندگی می‌کند حق داشتن یک زندگی آزاد و بدون تبعیض را داشته‌باشد. در سال‌های پس از وضع قوانین حقوق بشر، قطعنامه‌های متعددی به تصویب رسید که به رسمیت رسیدن حقوق افراد دارای معلولیت یکی از آنها بود. از این طریق باورها و هنجارهای تازه‌ای در میان انسان‌ها پدید آمد و برخورد افراد را نسبت به پدیده معلولیت، دگرگون کرد. اولین قدم که اصلی‌ترین هم بود، ایجاد بستر فیزیکی مناسب بود تا امکان حضور افراد دارای معلولیت در جامعه فراهم شود و آنها از تسهیلات لازم برای ادامه زندگی بهره‌مند گردند. بر این اساس هر یک از اعضای جامعه، شهروند آن جامعه به شمار آمده و بر اساس قابلیت‌ها و موقعیت‌هایی که دارند باید از حقوق شهروندی خود بهره‌مند گردند. به همین دلیل شهروندی، مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است که اگرچه فردی است، اما برآیند آنها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. حقوق شهروندی شامل حقوق انسانی،



شماره ۵، پاییز ۱۳۹۴

دارند را مهیا نمی‌کنند، چه بسا محرومیت این قشر از تحصیل و کار باعث مشکلات معیشتی فراوانی برای آنها می‌شود. همچنین فقدان امکانات شهری در دسترسی به مراکز توانبخشی، موجب افزایش مشکلات جسمی شده و در عین حال به دلیل نداشتن مراودات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بیماری‌های روحی و افسردگی را برای این قشر به‌دنبال خواهد داشت که خودش نیز نوعی معلولیت خواهد بود.

کشور ایران یکی از امضاکنندگان کنوانسیون حقوق معلولان بوده که در آن قید شده، دسترسی به تمامی معابر، مجموعه‌های مسکونی و شبکه‌های حمل و نقل باید میسر باشد. تمامی حوزه‌هایی که به آنها اشاره شد، دارای ارتباطی در هم تنیده با هم هستند یعنی اصلاحات انجام شده در هر کدام از آنها باید در ارتباط با دیگر حوزه‌ها باشد و نمی‌توان هر بخش را بدون توجه به دیگر بخش‌ها بهبود بخشید. در نتیجه آن بخش از جامعه که به سبب ناتوانی جسمی- حرکتی، عملاً از استفاده از فضاهای شهری محروم شده‌اند، علت را نه در معلول بودن خویش که در معلول بودن شهر جستجو می‌کنند!

بدین ترتیب، زبان معماری و طراحی شهر، حامل تصاویری از برخورداری یا محرومیت است. طراحی "غیرمعلول‌گرا" دارای تاثیراتی زیان‌آور روی همه‌ی افراد است. محیط‌هایی که نمی‌توانند افراد دارای معلولیت حسی، حرکتی و یادگیری را به‌حساب آورند، تمایل دارند محیط‌هایی پیچیده و خسته‌کننده برای هدایت کردن افراد باشند.

متأسفانه در کشور ایران برخلاف قوانین حقوق بشر و احکام و تعالیم اسلام مبنی بر تساوی بین انسان‌ها، چندان تلاش فراگیر و همه‌جانبه‌ای برای حمایت از حقوق معلولان از جانب دولت صورت نگرفته است و افرادی که معلولیت دارند، شرایط نابرابری را تجربه می‌کنند و همچون افراد عادی جامعه نمی‌توانند از خدمات عمومی بهره‌مند گردند. علی‌رغم تلاش در جهت تدوین و اجرای ضوابط و مقررات، تصویب قوانین و قطعنامه‌ها و ابلاغ بخشنامه‌ها و مصوبات در جهت تاکید بر رفع موانع محیطی، همچنان شاهد نامناسب بودن فضاهای شهری و ساختمان‌های عمومی برای تردد افراد دارای محدودیت حرکتی هستیم. ما می‌توانیم خوب بنویسیم و قشنگ حرف بزنیم ولی قشنگ حرف زدن دردی را دوا نمی‌کند. تا وقتی که دولت شرایط اجرای قوانین را مهیا نکند، این قوانین در حد بخشنامه باقی می‌مانند. چرا که در همه قوانین موجود، قید شده که احیای حقوق انسانی و شهروندی افراد دارای معلولیت مقید و

مشروط به وجود اعتبارات مالی هستند. ولی به‌نظر می‌آید علت اصلی عدم توجه به نیازهای حیاتی افراد دارای معلولیت این است که هنوز توانایی‌های چنین افرادی ناشناخته مانده و تصور جامعه نسبت به آنها افرادی است که فاقد توانایی هستند. این در حالیست که افراد دارای معلولیت توانایی‌هایی دارند که گاهی اوقات افراد تندرست در انجام آن ناتوان می‌باشند.

قوانین برای عملی شدن به تدبیر و آگاهی کافی، همراه با امکانات و تعهد انسانی نیازمند هستند. به دلیل کمبود نیروی آگاه و متعهد امروزه شاهد مناسب سازی‌هایی هستیم که نه تنها موانع گذشته را برطرف نکرده که موانع جدیدی را نیز بر سر راه این افراد قرار داده‌است که علت آن عدم آموزش‌های لازم در رعایت استانداردها و ضوابط شهرسازی است. متأسفانه متولیان و مسئولان، آ آموزش‌های لازم را در زمینه ناتوانی و محدودیت افراد جامعه کسب نکرده‌اند. اینجاست که در صورت اعتراض یا انتقاد از عملکرد مسئول یا مدیری که متولی حقوق افراد دارای معلولیت است، پاسخی مبنی بر این که هنوز دولت برنامه‌ای در جهت برآورده نمودن خواسته‌های افراد دارای معلولیت در دستور کار خود قرار نداده را می‌شنویم و اینکه تا همین اندازه امکاناتی که در شهر برای افراد توانیاب وجود دارد، به دلیل لطف مسئولان و از روی ترحم و برای کسب سعادت اخروی است! چنین پاسخ‌هایی تنها به دلیل عدم شناخت و آگاهی از طرف مسئولان است. اگرچه قوانین بین‌المللی و قوانین ملی بر استقلال کلیه افراد جامعه تأکید دارند، ولی با بی‌توجهی نسبت به اجرای این قوانین در عمل، مشکلات افراد کم‌توان روز به روز بیشتر شده و باعث حضور کم‌رنگ این افراد در جامعه شده تا جایی که به مرور افراد دارای معلولیت از جامعه حذف گردند.

البته با این وجود افراد دارای معلولیت در سراسر کشور ناامید نشدند و دست از تلاش برای بهتر زیستن و رشد و پیشرفت در جنبه‌های مختلف زندگی برنداشتند. در حال حاضر یکی از بارقه‌های امید افراد دارای معلولیت، روی کار آمدن نمایندگان جدید در شورای شهر تهران است که با اجرای حقوق معلولان و اولویت دادن به حقوق آنها شهر تهران را به شهر بدون مانع تبدیل کنند تا الگویی برای دیگر شهرهای کشور شود. با رفع موانع شهری و فکری در جامعه، شکاف بین افرادی که معلولیت دارند یا تندرست هستند از بین رفته و رضایت شهروندی در کلیه افراد جامعه فراهم می‌گردد.



# انتظارات متفاوت افراد دارای معلولیت

## فرزانه حبوطی

و سابقه کار ندارند را مهیا کنند تا آنها آماده استخدام شوند.

\* مورد دیگری که بسیار مهم است مساله «معیشت» و تامین زندگی افراد دارای معلولیت و تامین هزینه‌های درمانی آنان است. برخی از افراد دارای معلولیت به علت شدت معلولیت قادر به کار کردن نیستند و اگر هم باشند نمی‌توانند درآمد زیادی کسب کنند. برخی از خانواده‌ها نیز قادر به تامین نیازهای فرزندان افراد دارای معلولیت خود نیستند، بالاخص اگر سرپرست خانواده دارای معلولیت باشد مشکلات ایشان چندین برابر خواهد شد. لذا تقاضای عاجزانه داریم به این قشر از افراد رسیدگی شود و برای تامین زندگی و مایحتاج آنان شرایط اشتغال متناسب با شرایط جسمی و معلولیت آنها ایجاد شود.

\* مورد دیگر مساله «مسکن» افراد دارای معلولیت است. افرادی که مستاجر هستند نیاز به جابه‌جایی سالانه دارند و این مساله برای آنان اصلا مناسب نیست. این در حالیست که علاوه بر تامین بودجه برای تهیه مسکن، اغلب خانه‌ها هم نیاز به مناسب‌سازی دارند. مناسب‌سازی خانه خیلی سخت است و زمان زیادی می‌برد اما اگر مسکن افراد دارای معلولیت مناسب‌سازی باشند، قسمتی از مشکلات این قشر حل می‌شود و حداقل در داخل منزل خود راحت و مستقل زندگی می‌کنند. البته چند سالی است که تا حدودی به این امر رسیدگی می‌شود ولی بسیار محدود است و فقط برخی از مناطق شهرداری این کار را انجام می‌دهند. لذا لازم است تمامی مناطق شهرداری به این امر توجه کنند.

\* امید است اعضای جدید شورای اسلامی شهر به این قشر آسیب‌پذیر بیش از پیش توجه نمایند زیرا این عزیزان نیز شهروند این کشور هستند و با توجه به محدودیت‌هایشان نیاز به توجه و رسیدگی بیشتری دارند تا بتوانند مستقل زندگی کنند و وابسته به کسی نباشند.

افراد دارای معلولیت به خاطر مشکلات جسمی فراوان نیازمند توجه ویژه از سوی جامعه و مسئولین می‌باشند. برآورده شدن این خواسته‌ها باعث می‌شوند آنها نیز مانند سایرین در جامعه حضور پیدا کنند و بتوانند برای تامین زندگی و معاش خود تلاش کنند. یکی از مهم‌ترین نیازهای افراد دارای

معلولیت، مساله «مناسب‌سازی» در اماکن شهری است که جزء لایحه قانون حمایت از معلولان نیز می‌باشد. از نمایندگان جدید شورای شهر تقاضا داریم دستورات لازم در این زمینه را بدهند و برای اجرای امر مناسب‌سازی همت کنند. از آنجایی که یکی از وظایف شورای شهر همکاری با شهرداری جهت تصویب طرح‌های هادی و جامع شهرسازی می‌باشد، تقاضا داریم اصول شهرسازی و معماری شهر و روستاها طوری اجرا شوند که افراد دارای معلولیت بتوانند به‌طور مستقل رفت و آمد کنند. رعایت اصول مناسب‌سازی و قرار دادن رمپ و آسانسور در ساختمان‌ها و سازمان‌های عمومی و ... گذاشتن پل روی جوی‌ها و مناسب‌سازی مکان‌های گردشگری و هتل‌ها و ... باعث می‌شود تا همه بتوانند در گردشگری به راحتی شرکت کنند و به‌علت مناسب نبودن اماکن، خانه نشین نشوند.

\* مورد بعدی مساله «اشتغال» و سپردن شغل و حرفه‌ی مناسب به افراد دارای معلولیت است. این عزیزان با وجود داشتن معلولیت جسمی و حرکتی، حق دارند که شاغل باشند و درآمد کسب کنند. هر کدام از آنها به نسبت وضعیت جسمی و میزان معلولیت، می‌توانند در حرفه‌ای مشغول شوند. لذا از اعضای محترم شورای شهر خواهش داریم دستور اجرای ۳ درصد استخدام معلولان را که قرار است بعد از تصویب لایحه جامع حقوق معلولان این میزان به ۵ درصد برسد را اجرایی کنند. امید است شورای جدید شهر و سازمان شهرداری برای ایجاد کارگاه‌های اشتغال‌زایی اقدام کنند و امکانات لازم برای آموزش معلولانی که تجربه





## پدرم... مادرم... با شما هستم!

کرده‌اید و تلاش‌های فراوان کرده‌اید و هزاران آرزو دارید. پس نگذارید فرزندتان دچار مشکلات روحی روانی شود.

لطفاً به این چند نکته مهم توجه کنید:  
(۱) همیشه به او انجام کارهای ساده خانه را

بسپارید (۲) اگر به فرزند خود کاری می‌سپارید انتظار انجام شدن آن را به فوریت نداشته باشید. صبورانه رفتار کنید (خواهش می‌کنم) اگر به فرزند دارای معلولیت شما در خانه کاری را می‌سپارید به او وقت بدهید و بگذارید خودش در آرامش انجام دهد، نه در تشویب و استرس و نگرانی.

(۳) اگر فرزند دارای معلولیت شما نمی‌تواند کار را به خوبی انجام دهد از او کار را به هیچ عنوان نگیرید و خودتان انجام ندهید. بلکه او را در انجام کار یاری کنید، نه با متلک، نه با تشر، نه با پرخاشگری. حتی چشمانتان را درشت هم نکنید (لطفاً) بلکه با مهربانی و خونسردی او را در انجام کار یاری کنید.

(۴) فرزند دارای معلولیت خود را جریمه کنید تا اینکه پرخاشگری کنید! شما به جای اینکه سر او داد بزنید وقتی کاری را بار اول به او محول می‌کنید و او انجام نمی‌دهد بار دوم کمی جدی‌تر و البته با لحن دوستانه به او یاد آوری کنید و اگر باز هم تکلیف را انجام نداد بار سوم بگویید: من چند بار گفتم این کار را انجام بده ولی انجام ندادی این بار اگر انجام ندهی پول جیبی بهت نمی‌دم یا حق استفاده از موبایل و تبلت نداری. یعنی اگر از شما پول جیبی می‌گیرد او را جریمه کنید و اگر پول جیبی نمی‌گیرد او را از لوازم شخصی‌اش منع کنید.

با این نکات ساده هم آرامش خود را حفظ می‌کنید و هم فرزند دارای معلولیت خود را از ترس و استرس و از همه مهم‌تر مشکلات روحی روانی حفظ می‌کنید. اگر فرزند دارای معلولیت شما کودک هست از همین کودکی او را به کار بگیرید و هیچ وقت او را از کارهای شخصی و انجام کارهای خانه منع نکنید.

تو نمی‌تونی .. تو بلد نیستی ... کار تو نیست ... اذیت نکن خودت رو .. (با فریاد) پا شو ... (با فریاد) می‌زنم ها!

شاید در اطراف شما و یا خانواده شما فردی باشد که دچار معلولیت باشد و وقتی کاری را به او می‌سپارید نتواند آن را به خوبی انجام دهد و یا اصلاً انجام ندهد. آیا به این فکر کرده‌اید که مهم‌ترین عامل آن چیست؟

شاید یکی از عواملی که باعث می‌شود افراد دارای معلولیت نتوانند به خوبی از پس کارها برآیند، این باشد که وقتی در خانه به فردی که معلولیت دارد کاری را می‌سپارند، پدرها و مادرها زود پیش قدم می‌شوند و مانع تحرک فرزند خود می‌شوند و با گفتن اینکه؛ تو نمی‌تونی؛ کار تو نیست نمی‌گذارند خودش آن کار را انجام دهند. از همان دوران کودکی با این چند جمله مانع تحرک او می‌شوند و این عادت برای او به وجود می‌آید که از پس کارهای پیش پا افتاده بر نمی‌آید. ولی وقتی همین فرد بزرگ می‌شود دیگر برای اعضای خانواده او شخص کوچکی نیست و انتظار دارند وقتی به او کار می‌سپارند به خوبی انجام دهد!

وقتی در دوران کودکی به شخص دارای معلولیت کاری می‌سپارند و پدر مادر پیش قدم شده و کار را خودشان انجام می‌دهند، همین پیش قدم شدن‌های دلسوزانه باعث می‌شود فرد دارای معلولیت افسرده شود و نتواند زندگی خودش را اداره کند و باعث می‌شود شخص دارای معلولیت در خانه گوشه‌گیری کند و در اجتماع حضور پیدا نکند. حتی ممکن است انتظار داشته باشد که برای آینده شغلی خود دیگران پیش قدم شوند و برای او شغل دست و پا کنند.

برخی از خانواده‌ها وقتی به فرزند دارای معلولیتشان کاری می‌سپارند انتظار دارند در همان لحظه، کار را به خوبی و به نحوه احسن انجام دهند و وقتی هم که نتوانست کار را به خوبی انجام دهد، فوراً به او تشر می‌زنند و با پرخاشگری خطابش می‌کنند. برای همین او همیشه ترس و استرس می‌گیرد و به مرور زمان اعتماد به نفسش را از دست می‌دهد و هزارن مشکل دیگر برایش پیش می‌آید.

شما برای فرزند دارای معلولیت خود قطعاً سال‌ها رنج و درد کشیده‌اید، برای او هزینه‌ها

دل نوشته‌ای از علیرضا رضا قلیخانی





سرهیل معینی

سهیل معینی کارشناس ارشد روابط بین‌الملل است. او اولین فرد دارای معلولیتی است که پس از انقلاب در سمت مشاور وزیر رفاه فعالیت کرده‌است. معینی سال‌ها به عنوان کارشناس خبر در خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مشغول بوده است. وی همچنین نخستین سردبیر و مدیر مسئول ناپینای یک روزنامه در تاریخ کشور است. او مدیر عامل انجمن باور و عضو ستاد مناسب سازی فضاهای شهر تهران و مدیر عامل شبکه تشکل‌های ناپینایان کشور هم می‌باشد. با او در محل روزنامه ایران در مورد شبکه تشکل‌های ناپینایان کشور به گفت‌وگو نشستیم.

## لزوم ایجاد صدای واحد، منجر به تشکیل شبکه ملی ناپینایان شد

به مجلس کمک بسیاری کرد. بالاخره قانون جامع حمایت از حقوق معلولان تدوین شد و در سال ۱۳۸۳ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در گردهمایی سال ۷۸ گروه دیگری هم مأمور ایجاد شبکه ملی ناپینایان شدند که منجر به شکل گرفتن نهادی به نام شورای مرکزی تشکل‌های ناپینایان و کم‌بینایان کشور شد. برای تدوین اساسنامه شبکه ملی ناپینایان و تصویب آن در وزارت کشور هم سه، چهارسال سپری شد. این شورا پس از تصویب، چهار دوره دوساله را پشت سر گذاشت ولی متأسفانه در کل موفق نبود و نتوانست ادامه پیدا کند.

**علت این عدم موفقیت از نظر شما چه بود؟**  
به نظر من اعضای که وارد هیات مدیره شدند، با جایگاه این تشکل آشنا نبودند و نگاهشان بیشتر محلی بود. تجارب این افراد در حدی نبود که بتوانند در سطح ملی کار کنند. به دلیل فقدان تجربه کافی در حد ملی و فقدان برنامه‌ریزی فعالیت این شبکه ادامه پیدا نکرد و وزارت کشور

شبکه ملی تشکل‌های ناپینایان و کم‌بینایان تنها شبکه موجود از یک گروه مشخص معلولیتی در کشور است

این پیشنهادها در این گردهمایی به تصویب جمع رسید و مأموریت تدوین پیش‌نویس قانون جامع را به من دادند. برای تدوین این قانون یک کمیته پنج‌نفره از اعضای سمن‌های مختلف تشکیل دادیم و سه چهار سال روی آن کار کردیم. در سال ۸۲-۸۱، سازمان بهزیستی هم به ما اضافه شد. به همین دلیل است که همیشه تأکید می‌کنم که قانون جامع حمایت از حقوق معلولان دستاورد سمن‌ها است نه سازمان بهزیستی. البته سازمان بهزیستی در تکمیل آن و بردنش

در مورد شبکه ملی ناپینایان برایمان بگویید. اینکه از چه زمانی ایجاد شد و چه لزومی در ایجاد شدنش وجود داشت؟

"شبکه چاووش" اسم اختصاری شبکه تشکل‌های ناپینایان و کم‌بینایان کشور است. تشکل‌های ناپینایان در سال ۱۳۷۸ در شهر اصفهان یک گردهمایی برگزار کردند و من هم به عنوان سردبیر روزنامه ایران سفید، در آن شرکت کردم. در این گردهمایی بحث‌های مختلفی مطرح شد. از جمله اینکه؛ مهم‌ترین ضرورت‌ها و اولویت‌های جامعه ناپینایان چیست و چه اهدافی را باید دنبال کنند؟ در این نشست من به دو کمبود جدی زیرساختی و زیربنایی اشاره کردم و گفتم که اگر این دو نیاز برآورد شود، می‌توانیم به کل خواسته‌های اجتماعی‌مان برسیم. یکی از این‌ها، فقدان قانون جامع حمایت از حقوق معلولان از جمله ناپینایان است و دیگری هم نداشتن صدای واحد از طرف تشکل‌های ناپینایان در کل کشور است که توسط آن صدای ناپینایان در سطح ملی شنیده شود. هر دوی



شماره ۵۵، پاییز ۱۳۹۴

هم قصد لغو مجوز آن را نمود. ولی در سال ۹۳-۹۲ دوستانی به این فکر افتادند که شبکه‌ای که با مشقت زیاد ایجاد شده بود را مجدداً احیا کنند. با رایزنی‌هایی که یک‌سری از دوستان با وزارت کشور انجام دادند، بالاخره این شبکه در حد ملی شکل گرفت و مجوزش لغو نشد.

قرار شد با ایجاد تغییراتی این فعالیت به جریان بیفتد. یکی از این تغییرات با اصرار وزارت کشور، تغییر نام این مجموعه از شورای مرکزی تشکل‌های نابیانیان به شبکه ملی تشکل‌های نابیانیان و کم‌بینانیان بود و اسم چاووش هم برای آن پیشنهاد شد. تغییراتی هم در اساسنامه ایجاد شد و قرار شد تنها تشکل‌هایی بتوانند در شبکه ملی نابیانیان و کم‌بینانیان عضو شوند که مجوزشان را از وزارت کشور گرفته باشند. به این ترتیب تشکل‌هایی که از سازمان بهزیستی یا نیروی انتظامی مجوز داشتند، نمی‌توانستند به عضویت شبکه در بیایند. با قبول این تغییرات شروع به فعالیت کردیم و نخستین دوره انتخابات بعد از سال ۹۳ را با حضور بیست‌وسه تشکل نابیانیان استانی برگزار نمودیم. شبکه ملی تشکل‌های نابیانیان و کم‌بینانیان، تنها شبکه یک گروه مشخص معلولیتی در کشور است. فعلاً به‌طور رسمی، هیچ شبکه سراسری تشکل‌های معلولان در کشور وجود ندارد.

این شبکه دو ویژگی دارد: یکی اینکه تنها شبکه یک گروه مشخص معلولیتی است. یعنی معلولان جسمی حرکتی، ناشنوایان و معلولان ذهنی، شبکه ملی ندارند. ویژگی دوم آن این است که تنها شبکه ملی است که جدا از تخصصی معلولان بودن، گروه‌های مختلف دیگر هم یک شبکه سراسری در ابعاد ملی ندارند. بعد از برگزاری انتخابات، هیات مدیره شبکه انتخاب شد و شروع به فعالیت کرد.

#### هدف از راه‌اندازی این شبکه چیست؟

به‌طور خلاصه می‌گوییم که این شبکه، صدای واحد همه نابیانیان در سراسر کشور است و قرار است میان تشکل‌های نابیانیان در سراسر کشور هماهنگی ایجاد کند. همچنین علاوه بر ایجاد زمینه برای تبادل تجربه میان تشکل‌های داخلی، با سمن‌های بین‌المللی نابیانیان هم ارتباط برقرار می‌کند. از دیگر برنامه‌های شبکه نابیانیان،

### نابیانیان گروه معلولیتی در کشور هستند و در حال حاضر مهم‌ترین اولویت آنها، اشتغال متناسب با تحصیلاتشان است

برگزاری برنامه‌های توانمندسازی برای تشکل‌های زیرمجموعه است. شناسایی اولویت‌های نابیانیان در سراسر کشور و اعلام آن به نهادهای دولتی و ایجاد پل ارتباطی بین تشکل‌های نابیانیان کشور با مجلس و دولت در بالاترین سطوح، از اهداف اصلی ایجاد این شبکه است.

#### به نظر شما در حال حاضر اولویت‌های حوزه نابیانیان چیست؟

اولویت‌ها در طول زمان می‌توانند تغییر کنند ولی در حال حاضر مهم‌ترین اولویت نابیانیان، اشتغال متناسب با تحصیلات آنها است. نابیانیان تحصیل‌کرده‌ترین گروه معلولیتی کشور هستند ولی تناسبی بین اشتغال آن‌ها و تحصیلاتشان وجود ندارد. در آماری که دو سه سال پیش گرفتیم، بالای پنج هزار نابیانی فوق‌لیسانس و دکترا داشتیم. پس اشتغال پایدار برای این افراد از مهم‌ترین اولویت‌هاست. دومین اولویت نابیانیان، ایمن‌سازی شهرها در تردد است که البته همان بحثی است که شامل همه افراد دارای معلولیت هم می‌شود. سومین اولویت، اجرای برنامه‌های دقیق توان‌بخشی برای افراد نابیناست. واقعیت این است که برنامه‌های توان‌بخشی برای نابیانیان، در سراسر کشور وضعیت خوبی ندارند و هیچ‌گونه برنامه‌ریزی واحدی در این زمینه وجود ندارد. به همین دلیل ما به عنوان انجمن باور که دفتر مرکزی شبکه ملی هم در آن قرار دارد، طرحی را با عنوان طرح توانمندسازی نابیانیان شروع کردیم. در این طرح هدفمان سروسامان دادن به وضعیت توان‌بخشی نابیانیان است. در همه سال‌های گذشته، سازمان بهزیستی کشور در توانمندسازی افراد نابینا دچار غفلت و بی‌توجهی بوده است. مثلاً اگر زوج جوانی دارای یک بچه نابینا

شوند، نمی‌دانند چه کار باید بکنند و چه آموزش‌هایی برای آنان وجود دارد؟ مهم‌تر این‌که آموزش‌هایی که در این زمینه در سراسر کشور ارائه می‌شود، شکل واحدی ندارند. یک بعد دیگر هم بی‌توجهی سازمان بهزیستی به تجهیزات توان‌بخشی نابیانیان است. سال‌ها است که بیشتر بودجه سازمان بهزیستی، صرف تجهیزات توان‌بخشی برای گروه‌های دیگر می‌شود و سهم افراد نابینا در این میان مشخص نیست. به‌طور مثال، بعد از این همه سال هنوز سازمان بهزیستی نتوانسته یک عصای استاندارد که مهم‌ترین نیاز برای استقلال فرد نابیناست را طراحی کند و در اختیار متقاضیان قرار دهد. یا تجهیزاتی مثل تجهیزات کامپیوتر که به علت تحصیل‌کرده بودن افراد نابینا، در انجام کارها خیلی مورد نیازشان است را در اختیارشان قرار دهد.

کمک به ازدواج افراد نابینا و آموزش‌های پیش و پس از ازدواج، از مشکلات دیگر است. در طرح توانمندسازی نابیانیان، زنان تحصیل‌کرده با مدرک فوق‌لیسانس و دکترا داریم که تا به حال برای خودش یک جای نریخته و نمی‌داند چگونه آشپزی و خانه‌داری کند؟ این یکی از معضلات عمده است که باید به آن توجه شود. متأسفانه خانواده‌ها نمی‌دانند چگونه باید این آموزش‌ها را بدهند و ناخواسته باعث محدودیت‌های مضاعف برای این افراد می‌شوند. این یکی از وظایف شبکه ملی است که از طریق برنامه‌های جامع، هم سازمان بهزیستی را وادار کند و هم تشکل‌ها را راهنمایی کند که در جهت رفع این مشکلات گام بردارند.

#### این شماره نشریه به انتظارات افراد دارای معلولیت از شورای شهر و شهرداری برمی‌گردد. شما به عنوان یک فرد فعال در امور نابیانیان چه انتظاری از شورای شهر جدید دارید؟

انتظارات ما انتظارات جدیدی نیستند. از شورای شهر می‌خواهیم انتظاراتی را که بر زمین مانده را انجام دهند. شورای شهر مسئولیتش این است که خدمات شهری را مدیریت کند و نیاز شهروندانی که معلولیت دارند یا سالمند هستند را برآورده کند. این اقدامات سطوح مختلفی دارد. از بحث امکان مشارکت اجتماعی و پیشبرد امر مناسب‌سازی و استانداردهای گرفته تا نظارت بر امر



افراد کم‌بینا هستند و بیست درصد از آنها هم، یعنی حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار نفر می‌شود دچار نابینایی مطلق هستند. البته حتماً در مورد افراد دارای اختلال بینایی آمار بیش از این باید باشد چون بسیاری از افراد از مشکل بینایی خود آگاه نیستند و عده‌ای هم هنوز به پزشک به دلیل کمبود امکانات مراجعه نکرده‌اند. بنابراین قطعاً آمار نابینایان بیش از این است.

### و سخن آخر...؟

شبکه ملی نابینایان و کم‌بینایان با طی فراز و نشیب‌هایی اکنون راه افتاده و حرکتش را شروع کرده است. این شبکه می‌تواند الگویی برای دیگر تشکلهای معلولان باشد تا اشتباهاتی را که ما داشتیم را تکرار نکنند. ما پنج گروه معلولیتی داریم و می‌توانیم پنج شبکه ملی داشته باشیم مثل؛ شبکه ملی معلولان جسمی حرکتی، شبکه ملی ناشنوایان، شبکه ملی کم‌توانیایان ذهنی و شبکه ملی بیماران اعصاب و روان که با شبکه نابینایان می‌شود پنج شبکه ملی.

امیدواریم که شورای شهر و شهردار جدید توجه بیشتری به شهروندان دارای نیازهای ویژه داشته باشند و گام‌هایی فراتر از قبل بردارند و در سطح بهتر و بالاتری حرکت کنند. چنین انتظاراتی را داشتیم که به آن‌ها رأی دادیم. البته به نظر من تشکلهای معلولان خودشان باید پیگیر خواسته‌هایشان از شوراهای باشند چون اگر نیازهایمان را به شوراهای منتقل نکنیم، ممکن است به علت سنگینی کار در اداره کلان‌شهری مثل تهران، اصلاً فراموش شوند و نه تنها معلولان که گروه‌های خاص مانند، زنان و کودکان و گروه‌های حاشیه‌نشین دیده نشوند. پس سمن‌ها باید فعالانه برخورد کنند و مسائلشان را پیگیری کنند.

هنوز سازمان بهزیستی نتوانسته یک عصابی استاندارد که مهم‌ترین نیاز برای استقلال فرد نابیناست را طراحی کند و در اختیار متقاضیان قرار دهد

### کردید؟

من از طرف شبکه انجمن‌های نیکوکاری و به عنوان نماینده گروه‌های معلولیتی، با همه اعضای شورای شهر گفت‌وگوهایی داشتم. البته دوستان دیگری هم از طرف انجمن زنان سرپرست خانواده و کودکان کار هم حضور داشتند. درعین حال من با چند نفر از اعضای شورای شهر جداگانه هم دیدار داشتم و در مورد مسائل مربوط به حوزه معلولیت با آنها گفت‌وگو کردم. کار دیگری که انجام دادیم، دیدار با کاندیداهای شهرداری بود. یک سند راهبردی را با عنوان سند راهبردی زندگی بهتر برای شهروندان دارای نیازهای ویژه، تنظیم کردیم و ارائه دادیم تا به شهردار تهران منتقل شود. در واقع به دنبال این هستیم که اولاً آن اتفاق فکر ثابت را در کنار شورای شهر جدید ایجاد کنیم و بعد بتوانیم با شهردار تهران ارتباط مستمری برقرار کنیم تا این سند اجرایی شود.

### آیا اکنون آمار دقیقی از نابینایان کشور تهیه شده‌است؟

آماری وجود دارد ولی دقیق نیست. طبق آمار موجود چیزی حدود نیم میلیون نفر نابینا در کشور وجود دارند که از این تعداد، حدود هشتاد درصد

مناسب‌سازی و بحث دسترس‌پذیری در سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی مثل مترو و اتوبوس‌رانی و... افزون بر این، اختصاص سهم حقه این شهروندان از بودجه اجتماعی، فرهنگی و رفاهی شهر است، یعنی اگر خدمات فرهنگی به همه شهروندان داده می‌شود، شهروندانی که معلولیت دارند هم باید به این خدمات فرهنگی دسترسی داشته باشند. من همیشه به دنبال پیگیری ضمانت اجرایی این اقدامات از طریق تشکیل نهادهایی با حضور شهروندان دارای معلولیت بوده‌ام. توصیه‌ام به نمایندگان شوراهای شهر در همه شهرها این است که اتاق فکری را در کنار شورا با حضور نمایندگان گروه‌های مختلف معلولیتی تشکیل دهند که از طریق آن نیازهای این اقشار به‌طور مداوم به شورای شهر منتقل شود. این نهاد باید بتواند مشورت‌های تخصصی به شهرداران شهرهای مختلف ارائه دهد و پیگیر رفع مشکلات افراد کم‌توان باشد. اگر بتوانیم چنین نهادی را شکل دهیم، می‌توانیم بسیاری از خواسته‌های خود را پیش ببریم، در غیر این صورت فقط می‌ماند ارتباطات مناسبی با شورای شهر و شهرداران که گره‌ای از کار ما باز نمی‌کند!

### آیا شما با اعضای شورای شهر جدید ارتباط برقرار کرده‌اید؟

بله، ما دو کار انجام دادیم. یکی برگزاری جلساتی با اعضای شورای شهر جدید که سعی کردیم از همین ابتدای کار توجه آن‌ها را به بحث نیازهای ویژه شهروندان جلب کنیم که خوشبختانه فضای خوبی هم ایجاد شد. خیلی از این افراد از قبل با این حوزه آشنایی و ارتباط داشته‌اند.

### شما با چه عنوانی در این جلسات شرکت



سرروه شیخی متولد سال ۱۳۶۲ در شهرتهران است. پدرش کرد و مادرش اصالتاً آذری است. سرروه در شهر بوکان درس خواند و بزرگ شد و تا هجده سالگی در این شهر زندگی کرد. بعد از گرفتن دیپلم در بوکان، در رشته کاردانی معماری سنتی در شهر سنندج قبول شد و دو سال در سنندج زندگی کرد. او دوره کارشناسی مهندسی معماری را هم در شهر مشهد گذراند. سرروه سه سال در مشهد زندگی کرد و بعد از اتمام تحصیلات در مقطع کارشناسی، به تهران آمد و در یک شرکت مشاوره معماری شروع به کار کرد. او پس از یک سال و با تشدید بیماری ام‌اس، مجبور به رها کردن کار شد. او حالا مشغول گذراندن کارشناسی ارشد در رشته معماری است.

با این چهره موفق و کوشا در منزلش به گفت‌وگو نشستیم.



## من درد مشترک هستم، مرا باور کنید!

و در یک شرکت معماری که چشم‌انداز شغلی خوبی هم داشت مشغول به کار بودم. به دلیل شرایط جسمی‌ام مجبور شدم کار را رها کنم. در ابتدا فکر می‌کردم این مسئله موقتی باشد و پس از بهبودی، به کار برمی‌گردم، ولی متأسفانه شرایط جسمانی‌ام اجازه ادامه کار به من نداد. البته به کمک مسئول شرکت توانستم از بیمه ازکارافتادگی بهره‌مند شوم.

**وقتی که بیماری شما تشدید شد و کار را رها کردید، چگونه با این اوضاع جدید خود کنار آمدید؟**

من همیشه در طول زندگی سعی کرده‌ام روی پای خودم باشم. زندگی مستقل را از دوران دانشگاه شروع کردم. وقتی به تهران برگشتم در منزل خواهرم بودم. پدرم را ۱۹ سال پیش از دست داده بودم و مادرم در بوکان زندگی می‌کرد. چهارخواهر داشتم که هر کدام در جایی زندگی می‌کردند. وقتی بیماری‌ام تشدید شد و کار را رها کردم، در شرایط سختی قرار گرفتم. احساس می‌کردم که نیاز به حمایت بیشتری از جانب

**دسترسی پذیری موضوعی بسیار گسترده است که ما با واژه مناسب‌سازی آن را توجیه کرده‌ایم. به این معنی که ابتدا ساختمانی را بی توجه به اصول و مقررات بسازیم و بعد بیاییم آن را اصلاح کنیم**

۸۶ به دلیل فشارهایی که در دفاع از پایان‌نامه کارشناسی داشتم و یک سری مشکلات شخصی، دوباره دچار حمله بینایی شدم که این بار شدیدتر از قبل بود. دوباره تحت درمان با کورتن قرار گرفتم و حالم بهتر شد. در سال ۸۸ علایم بیماری‌ام تشدید شد و از نوع عودکننده، فروکش‌کننده به نوع پیشرونده ثانویه تبدیل شد و شرایط جسمی‌ام تغییر کرد. در آن زمان در منزل خواهرم در تهران زندگی می‌کردم

**بیماری شما چیست و چگونه متوجه شدید که به این بیماری مبتلا هستید؟**

بیماری من بیماری ام‌اس پیشرونده‌ی ثانویه است. نخستین بار در سال ۸۳، هنگامی که در مشهد دانشجوی بودم یک روز صبح که از خواب بیدار شدم متوجه شدم که دستم خواب‌رفته و بی‌حس شده است. خواب رفتگی دستم یک هفته طول کشید. به پزشک مراجعه کردم. پزشک برایم آرام‌بخش تجویز کرد ولی با اصرار خودم ام‌آر‌آی انجام دادم. در جواب آزمایش نوشته شده بود که احتمال بیماری ام‌اس وجود دارد، ولی نیاز به پیگیری بیشتر هست.

یک هفته بعد دستم خوب شد. تا اواخر سال ۸۵، مشکلی نداشتم و دارویی هم استفاده نمی‌کردم. اواخر سال ۸۵ بود که مشکل تاری دید پیدا کردم و چون قبلاً در مورد احتمال ام‌اس به من هشدار داده بودند، سریعاً به پزشک مراجعه کردم و با تجویز او در بیمارستان بستری شدم. از آن به بعد داروی بتافرون را شروع کردم. یک سال از این دارو استفاده می‌کردم و حالم هم خوب بود. ولی در سال





خانواده‌ام دارم. احساس تنهایی و بی‌پناهی می‌کردم. با بدتر شدن شرایط جسمانی، زندگی برایم بسیار دشوار شده بود. ولی همیشه به لطف خداوند تکیه داشتم و البته خدا هم هیچ‌وقت مرا تنها نگذاشت. در آن موقع منزل پدری را فروختیم و از ارثیه‌ام، آپارتمان کوچکی خریدم و از آن به بعد با بیمه از کارافتادگی به‌طور مستقل زندگی می‌کنم.

### اکنون چه فعالیتی دارید؟ آیا در جایی به کار مشغولید؟

فعلاً کار ثابتی ندارم. خودم در خانه نرم‌افزارهای مختلف کامپیوتری را یاد گرفتم و پروژه‌های سه‌بعدی معماری و مدل‌سازی و... را تا جایی‌که شرایط جسمی‌ام اجازه بدهد در خانه انجام می‌دهم. از دو سال پیش به فکر ادامه تحصیل افتادم و اکنون مشغول نوشتن پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد در رشته معماری هستم.

### با ویلچر رفت و آمد می‌کنید؟

تا دو سال پیش می‌توانستم با واکر راه بروم ولی وقتی راه رفتن با واکر برایم سخت شد، استفاده از ویلچر را شروع کردم. قبلاً تصور اینکه روی ویلچر بنشینم خیلی برایم سخت بود و فکر می‌کردم کسانی که از ویلچر استفاده می‌کنند، انسان‌های بسیار قوی هستند ولی حالا با ویلچر خیلی راحت‌تر رفت‌وآمد می‌کنم.

### چه شد که با وجود بدتر شدن شرایط جسمانی، به فکر ادامه تحصیل افتادید؟

من همیشه به درس خواندن علاقه داشتم. به خصوص که رشته معماری را بسیار دوست داشتم. دو سال پیش امتحان نظام مهندسی برای گرفتن پروانه اشتغال دادم و در امتحان نظارت بر ساخت قبول شدم ولی در امتحان گواهینامه طراحی، چون رشته کاردانی‌ام معماری سنتی بود، نتوانستم شرکت کنم! من بارها به سازمان نظام‌مهندسی مراجعه کردم که بتوانم در امتحان طراحی شرکت کنم. یک‌بار خانمی که در این سازمان کار می‌کرد به من توصیه کرد که مدرک کارشناسی ارشد معماری بگیرم تا مشکلم حل شود. روی این پیشنهاد فکر کردم. فردای آن روز در فضای مجازی جستجو کردم و فهمیدم تنها یک روز تا پایان آخرین مهلت ثبت‌نام دانشگاه آزاد وقت دارم. بلافاصله

**موضوع پایان‌نامه من مجتمع‌های خدمات رفاهی بین‌راهی با تأکید بر طراحی همه‌شمول است، به این معنی که همه انسان‌ها با هر شرایط جسمی امکان استفاده از این فضاها را داشته باشند**

ثبت‌نام کردم و قبول شدم. در آن زمان با واکر راه می‌رفتم و اصلاً به این فکر نمی‌کردم که اگر قبول شوم چگونه می‌توانم با واکر به کلاس بروم؟ در آن زمان در رعد به من توصیه شد که ویلچر برقی بگیرم. چند ماهی به این مسئله فکر کردم، چون تصور نشستن روی ویلچر برایم سخت بود. ولی بالاخره تصمیم به این کار گرفتم. گرفتن ویلچر برقی یکی از بهترین اتفاقات در زندگی‌م بود، چون باعث شد به استقلال بیشتری برسم. در ماه اول خیلی حالم خوب بود چون بعد از سال‌ها می‌توانستم در خیابان اطرافم را ببینم. در سال‌هایی که با واکر راه می‌رفتم همیشه سرم پایین بود تا جلوی پایم را ببینم. ولی بعد از یک ماه که از ویلچر برقی استفاده کردم، دچار سردردهای بدی شدم، چون ویلچر برقی سرعت دارد و رمپ‌های معابر استاندارد نیستند. روی سطح شیب‌دار از دنداندهایی استفاده می‌شود که سرعت حرکت ویلچر را بگیرد و هرچه شیب رمپ بیشتر باشد این دنداندها ارتفاع بیشتری دارند به همین دلیل حرکت روی این دنداندها باعث ضربه و تکان‌های شدید به من می‌شد و سردرد می‌گرفتم. از طرفی در حرکت با ویلچر از هر طرف به موانعی برخورد می‌کردم و مجبور می‌شدم مرتباً از راهی که رفته بودم برگردم. اغلب در این آب‌وهایی که در خیابان‌ها وجود دارند گیر می‌کردم و گاهی باید مدت‌ها منتظر می‌ماندم تا کسی بیاید و به من کمک کند و چرخ ویلچر را از این آب‌روها در بیاورد. در ماه اول چون تغییری در شرایطم ایجاد شده بود و از حرکت با واکر خلاص شده بودم، خیلی به من خوش گذشت و این فشارها را احساس نمی‌کردم ولی کم‌کم این فشارها تشدید شد و دچار مشکلات دیگری شدم که

سردرد یکی از آنها بود. مناسب نبودن پیاده‌روها برای رفت‌وآمد با ویلچر هم از مشکلات دیگرم بود که مجبور می‌شدم در خیابان رفت‌وآمد کنم.

### چگونه با رعد آشنا شدید؟

خیلی اتفاقی با رعد آشنا شدم. همیشه احساس می‌کنم خداوند مرا در زندگی راهنمایی می‌کند. قبل از اینکه وارد مرحله کارشناسی ارشد شوم بیشتر اوقات در خانه بودم، مطالعه می‌کردم و کتاب‌های نظام مهندسی را می‌خواندم. گاهی هم تلویزیون می‌دیدم. چند بار گزارشی از مرکز رعد در شبکه هفت نشان داده‌شد. در این برنامه توانیابانی را دیدم مشغول کارهای دستی و هنری مثل معرق و نقاشی هستند و این برایم خیلی جالب بود. نخستین بار از این طریق با رعد آشنا شدم. ولی پیگیری نکردم و کم‌کم فراموش کردم. مدتی بعد با یکی از دوستان به شمال رفتیم و در آنجا به صورت اتفاقی با آقای که رئیس یکی از مراکز معلولان بود آشنا شدم. ایشان شماره تلفن خود را به من داد و گفت اگر کاری داشتی با من تماس بگیر. بعد از اینکه به تهران برگشتم مدتی به دنبال فیزیوتراپی در منزل بودم. فیزیوتراپی مرکز ام‌اس بسته‌شده بود و شرایط جسمانی‌ام روزبه‌روز بدتر می‌شد. به یاد این آقا افتادم و با ایشان تماس گرفتم و گفتم که دنبال فیزیوتراپ هستم. ایشان مرکز رعد را به من معرفی کردند. با رعد تماس گرفتم و به من گفته شد باید حضوری مراجعه کنم. وقتی به رعد مراجعه کردم مطلع شدم که اگر بخواهم از فیزیوتراپی این مرکز استفاده کنم، باید در کلاس‌های آموزشی رعد هم ثبت نام کنم. برایم جالب بود که هم خدمات فیزیوتراپی و هم شرکت در کلاس‌ها کاملاً رایگان بودند و جالب‌تر تنوع کلاس‌هایی بود که در رعد ارائه می‌شد. آن‌قدر هیجان‌زده شدم که گفتم می‌خواهم در همه کلاس‌ها شرکت کنم! به‌رحال با توجه به اینکه رشته‌ام معماری بود و با نرم‌افزارهای اتوکد و تری‌دی مکس کار کرده بودم، شرکت در کلاس ۹۲ در رعد ثبت‌نام کردم و به کلاس انیمیشن رفتم. من دوره مقدماتی نیمه پیشرفته انیمیشن را در یک دوره شش‌ماهه در رعد گذارندم. استاد بسیار خوبی داشتیم که خودشان نیز دچار معلولیت جسمی بودند و شرایط

ما را خیلی خوب درک می‌کردند. خیلی وقت گذاشتم و سعی کردم آن را خوب یاد بگیرم. کلاس انیمیشن شش ماه تعطیل شد و بعد که دوباره این کلاس برقرار شد، به‌جای اینکه دوره پیشرفته را بگذرانیم دوباره همان دوره قبل را تکرار کردیم. این تکرار، باعث شد که خیلی بهتر یاد بگیرم و به مرحله پیشرفته رسیدم. برای کلاس پیشرفته قرار شد، استاد یک پروژه انیمیشن‌سازی بگیرد تا حین آموزش کار هم انجام دهیم و از این طریق درآمد هم داشته باشیم. ولی متأسفانه کلاس انیمیشن تعطیل شد. این اتفاق مربوط به سال ۹۳ بود. البته با آمدن خانم پناهی به مرکز رعد شرایط این مرکز بسیار بهتر شده و به نظر می‌آید که سیاست‌های مرکز رعد تغییر کرده است.

### الان به دنبال اشتغال هم هستید و در دفتر کارآفرینی رعد ثبت‌نام کرده‌اید؟

خیر. چون مشغول تحصیل بودم این کار را نکردم. زمانی که من کارشناسی ارشد را شروع کردم درترم اول درسی به نام روش‌های تحقیق داشتیم که قرار شد موضوعی را پیدا کنم و مقاله بنویسم. من موضوع عدالت اجتماعی در جهت رعایت حقوق معلولان را انتخاب کردم. در این رابطه مقالات و کتاب‌های زیادی مثل قوانین حقوق بشر، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و کنوانسیون حقوق معلولان و... را خواندم. تازه فهمیدم که یک چنین قوانینی وجود دارند و علت اینکه رعایت نمی‌شود عدم آگاهی خود ماست. من به‌عنوان یک معمار که کار طراحی کرده بودم و دوستان زیادی که در حوزه‌های مختلف معماری کار می‌کردند، هیچ‌کدام این قوانین و ضوابط را نخوانده بودیم. این بار با نگاه متفاوت کتاب‌های مقررات ملی را شروع به مطالعه کردم و متوجه شدم که بسیاری از این قوانین ضدونقیض هستند. برای مثال در قسمتی از این کتاب به اهمیت دسترسی‌پذیری و مناسب‌سازی ساختمان‌ها برای همه اقشار و به کرامت و منزلت انسانی و حقوق شهروندی اشاره شده‌است ولی در قسمت دیگر گفته که عرض درها در صورت عدم لزوم تردد ویلچر ۶۰ تا ۷۰ سانت یا عرض راهرو یک متر باشد! می‌خواهم بدانم در کجا لزوم تردد ویلچر وجود ندارد؟ یا جایی نوشته‌شده که در صورتی که بودجه کافی وجود داشته باشد، این قوانین و

من برای نامزدهای شورای شهر پنجم تبلیغ کردم و به آنها رأی دادم و انتظارات زیادی از آنها دارم!

استاندارها قابل‌اجراست!

من همیشه با واژه مناسب‌سازی مشکل داشتم. نام مناسب‌سازی به این معنی است که یک ساختمان را غیراستاندارد بسازیم وقتی تمام شد بیاوریم آن را مناسب‌سازی کنیم. دیدم که مشکل ما دقیقاً همان واژه مناسب‌سازی است. وقتی مطالعه بیشتری روی مقالات و استانداردهای خارجی کردم متوجه شدم بحث اصلی، بحث دسترسی‌پذیری یا طراحی فراگیر است که موضوع بسیار گسترده‌ای است و مبحث کوچکی از آن برمی‌گردد به دسترسی‌پذیری ساختمان‌ها و اماکن و معابر.

دسترسی‌پذیری موضوعی بسیار گسترده‌است که ما با واژه مناسب‌سازی آن را توجیه کرده‌ایم. به این معنی که ابتدا ساختمانی را بی‌توجه به اصول و مقررات می‌سازیم و بعد آن را اصلاح می‌کنیم. بعد که کتاب‌های مقررات شهرداری را مطالعه کردم، متوجه شدم قوانینی بدتر از مقررات ملی وضع شده و در آن نیز حقوق معلولان رعایت نشده‌است. از آن به بعد شروع به نوشتن مقالات زیادی کردم. در هر ترم باید مقاله‌ای می‌نوشتیم که من همین موضوع حقوق معلولان را دنبال کردم. در طول این مدت مقالاتی درباره حقوق معلولان نوشتم. یکی از مقالات تحت عنوان نقش عناصر دانش‌بنیان و تکنولوژی در جهت رفاه شهری افراد دارای معلولیت، در مقالات ISC (پایگاه استنادی علوم جهان اسلام) چاپ شده است.

### آیا مقالات و پژوهش‌های خود را در اختیار مسئولان شهرداری یا وزارت راه و شهرسازی قرار داده‌اید؟

بهمین سال گذشته همایش مناسب‌سازی توسط سازمان بهزیستی کشور برگزار شد و من هم در این همایش شرکت کردم. دیدم که یکسری

از مسئولان آمدند و در مورد کارهایی که انجام داده بودند شعار دادند که ما چنین کرده‌ایم و چنان کرده‌ایم. من که به‌عنوان یک فرد دارای معلولیت در زمینه معماری هم تخصص داشتم، هیچ‌کدام از این چیزهایی را که می‌گفتند را در جامعه نمی‌دیدم. اصلاً قوانینی که به آن افتخار می‌کردند، دقیقاً ضد معلول و ضد ناتوانی بود. معلولیت تعریف گسترده‌ای دارد و هرکسی در طول عمرش حتماً با شرایطی مثل معلولیت روبه‌رو می‌شود. آسیب‌های فیزیکی که افراد در اثر حوادث و تصادفات می‌بینند هم نوعی معلولیت موقت است. کسی که پایش شکسته و مدتی با عصا راه می‌رود مدتی شرایط یک معلول را دارد. یک خانم باردار که دامنه حرکتش محدود می‌شود حکم یک معلول را دارد. سالمندی هم نوعی معلولیت است. به‌رحال من از این صحبت‌ها خونم به جوش آمد و در زمان استراحت بین همایش، خودم را به مسئولان حاضر در همایش رساندم و گفتم آنچه شما شرح دادید یک شرح ایده‌آل است که باید فقط در خواب‌وخیال آن را دید. گفتم من خودم کارشناسی ارشد معماری می‌خوانم و شرایط فیزیکی‌ام هم به این صورت است که می‌بینید و هیچ‌یک از این گفته‌هایتان را واقعی نمی‌دانم. به آقای مهندس که در آنجا بودند گفتم متأسفم برای کسانی که این کتاب‌ها را تدوین کرده‌اند. چقدر این اشخاص به زندگی خود مطمئن هستند که قرار است همیشه تندرست باشند؟ درکشوری که این همه حوادث و بیماری و تصادفات وجود دارد، چقدر امکان اینکه هر کدامشان به معلولیت دچار نشوند، دور است؟ از افرادی که در این همایش شرکت داشتند یکی دکتر حناچی معاون وزیر راه و شهرسازی و دیگری دکتر ربیعی، وزیر کار و رفاه اجتماعی بودند. بعد از این صحبت‌ها، مسئولان همایش از من شماره تلفن گرفتند. همان روز دکتر حناچی با من تماس گرفتند و گفتند که ما به افرادی مثل شما که هم تخصص دارید و هم از نظر فیزیکی شرایط خاصی دارید، نیاز داریم. ایشان پیشنهاد همکاری با وزارت راه و شهرسازی را دادند.

### این پیشنهاد را پذیرفتید؟

خیر. فعلاً به‌دلیل اینکه روی پایان‌نامه‌ام کار می‌کنم، چنین پیشنهادهایی را قبول نمی‌کنم ولی امیدوارم که پس از پایان تحصیل



بتوانم در حوزه تخصصی‌ام کار پیدا کنم. الان استاد راهنمای پایان‌نامه‌ام، دکتر حناچی هستند و موضوع پایان‌نامه‌ام را بارانمایی ایشان انتخاب کرده‌ام.

### موضوع پایان‌نامه شما چیست؟

موضوع پایان‌نامه من مجتمع‌های خدمات رفاهی بین‌راهی با تأکید بر طراحی همه‌شامل است، به این معنی که همه انسان‌ها با هر شرایط جسمی امکان استفاده از این فضاها را داشته باشند.

قبلاً می‌خواستم پایان‌نامه‌ام را در مورد اقامتگاه موقت بازتابی افراد دارای معلولیت که قرار است در طالقان ساخته شود بنویسم، ولی پس از شرکت در همایش و آشنایی با دکتر حناچی، ایشان به من پیشنهاد دادند که موضوع مرتبط با مناسب‌سازی را انتخاب کنم. دکتر حناچی رئیس مرکز شورای عالی تدوین مقررات ساختمان هستند و به راهنمایی ایشان به مرکز مطالعات مسکن مراجعه کردم. موضوعات مختلف را بررسی کردم و چون بحث مناسب‌سازی اماکن بین‌راهی یکی از دغدغه‌های خودم بود، این موضوع را انتخاب کردم. من به‌ندرت مسافرت می‌کنم و یکی از نکات خیلی مهم نبودن سرویس‌های بهداشتی مناسب در اماکن بین‌راهی است که معضل بزرگی برای افراد دارای معلولیت است.

### چه صحبتی با نمایندگان جدید شورای شهرداری؟

من در بین نامزدهای شورای شهر افرادی را یافتم که شعارهای خوبی می‌دادند. احساس کردم افرادی هستند که دنبال تغییر و بهتر شدن اوضاع شهر هستند. من برای آنها تبلیغ کردم و به این افراد رأی دادم و انتظارات زیادی از آنها دارم. من به‌عنوان یک فرد دارای معلولیت که محدودیت حرکتی دارد چرا باید محکوم به انزوا و طرد شدن از جامعه باشم و چرا نباید بتوانم در جامعه حضور داشته باشم؟

حضور افرادی مانند من در جامعه نیازمند این است که انواع موانع شهری از بین برود. ما در این کشور قوانین جامع حقوق معلولان را داریم و ایران از سال ۲۰۰۷ عضو کنوانسیون حقوق معلولان بوده و این قوانین را امضا کرده‌است. طبق این قوانین قرار بود است که طی سه سال، ساختمان‌های موجود مناسب‌سازی شوند و بعد از این هم کلیه ساختمان‌ها و مراکز و

من به‌عنوان یک فرد دارای معلولیت که محدودیت حرکتی دارد، چرا باید محکوم به انزوا و طرد شدن از جامعه باشم و چرا نباید بتوانم در جامعه حضور داشته باشم؟

اماکن جدید بر اساس دسترس‌پذیری طراحی شوند. بحث دیگر بحث حمل‌ونقل افراد دارای معلولان است. من به‌عنوان فردی که باید در جامعه حضور داشته باشم، نیاز به کاردارم، نیاز به آموزش دارم، نیاز به تفریح دارم. موضوع حمل‌ونقل شهری افراد دارای معلولیت مسئله خیلی مهمی است. در نزدیک منزل ما ایستگاه اتوبوس وجود دارد ولی امثال من نمی‌توانیم از اتوبوس استفاده کنیم. مجبوریم منتظریکی از شصت دستگاه سرویس حمل‌ونقل جانبازان و معلولان باشیم. هفته‌ای دو بار با هماهنگی قبلی به من ماشین می‌دهند با راننده‌هایی که هیچ‌گونه آموزشی ندیده‌اند. چند روز پیش که با رئیس سامانه حمل‌ونقل شهر تهران صحبت کردم ایشان گفت، امکاناتی که برای معلولان گذاشته‌ایم به خاطر دل خودمان و به خاطر ثواب و پاداش اخروی است! من در نظر دارم در آینده مطالبی تحت عنوان؛ رعایت حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت، وظیفه نهادهای دولتی است یا ترحم مسئولان به آنها است؟ را بنویسم. چون هر جا که می‌رویم و اعتراض می‌کنیم می‌گویند ما دلی و از روی لطف این شصت دستگاه ون را جهت حمل‌ونقل معلولان گذاشته‌ایم!

اواخر اسفندماه سال پیش در امتحانات نظام‌مهندسی شرکت کردم. حوزه آزمون در یک مدرسه قدیمی با شرایط بسیار بد بود و صندلی من در طبقه سوم ساختمان بود. باید سه طبقه را با پله بالا می‌رفتم. من از مسئول آنجا پرسیدم که من چه کنم؟ گفت: همین‌جا جلو در ورودی بنشین. گفتم: اینجا رفت‌وآمد زیاد است و من نمی‌توانم تمرکز کنم. من را به سالن غذاخوری بردند که بوی شدید غذا می‌آمد. بعد هم نیاز به سرویس بهداشتی داشتم که متأسفانه سرویس بهداشتی مناسب وجود نداشت. بالاخره

نتوانستم امتحان بدهم. روز بعد نامه‌ای به معاون وزیر مسکن نوشتم و اعتراض کردم که چرا چنین جایی را برای آزمون انتخاب کرده‌اند؟ بعد از چند روز مسئول دبیرخانه جواب نامه را برایم تلفنی خواند که گفته‌شده بود به موضوع بسیار مهمی اشاره کرده‌اید. با توجه به شرایط جسمی که دارید شما اصلاً صلاحیت شرکت در این آزمون را نداشته‌اید. به‌زودی در آیین‌نامه‌های جدید، به مسئله سلامت فیزیکی داوطلبان توجه می‌شود و افرادی که دچار ناتوانی جسمی هستند به‌هیچ‌عنوان در این آزمون شرکت داده نمی‌شوند!

درخواست کردم که جواب را مکتوب بدهند که قبول نکردند. من با اساتید دانشگاه خودمان صحبت کردم و به رئیس شورای انتظامی نظام‌مهندسی هم نامه نوشتم ولی جوابی نگرفتم. این جواب به‌قدری من را ناراحت کرد که تمام ایام عید آشفته و ناراحت بودم. به من می‌گویند تو چگونه می‌خواهی به‌عنوان مهندس مجری طرح باشی؟ درحالی‌که این من هستم که درد جامعه را می‌فهمم و باید از افرادی مثل من در چنین کارهایی استفاده شود. از طرفی با پیشرفت علم و تکنولوژی، می‌توان از راه دور و از طریق دوربین‌های مداربسته همه‌چیز را کنترل کرد و احتیاج نیست که حتماً از پله‌های ساختمان بالا رفت تا بتوان بر کار نظارت داشت.

### و سخن آخر؟

من درد مشترک هستم، مرا باور کنند. من یکی از هزاران افراد این جامعه هستم که از طریق مطرح کردن دردهای خود، دردهای جامعه را بیان می‌کنم. متأسفانه مسئولان دلسوزی لازم را ندارند. منظورم از دلسوزی، ترحم نیست. بلکه تعهد به انجام وظیفه‌ای است که به آن‌ها محول شده‌است. مسئولان باید تعهد انسانی داشته باشند و در رفع مشکلات همه افراد جامعه کوشش کنند.



شماره ۵۵، پاییز ۱۳۹۴



## زَمَزَمَه

### حریم عشق

حوصله داری کمی صحبت کنیم؟  
دردها را بین هم قسمت کنیم؟  
بی‌تعارف دوست داری ای عزیز  
عشق را در قلبمان دعوت کنیم؟  
شد اگر ویران سرای دوستی  
سخت در آبادیش همت کنیم؟  
راستی می‌ترسم از روزی که ما  
دور از هم، حس امنیت کنیم  
پرسشی دارم که آیا حیف نیست  
از غم هم اینچنین غفلت کنیم؟  
می‌شود این دوستی را پاس داشت  
در حریم عشق اگر دقت کنیم؟

برگرفته از کتاب آیه‌های خلسه  
مجموعه شعر سیدمحسن حسینی طاها



## حقوق معلولان در کشورهای توسعه یافته



افراد دارای معلولیت برای داشتن زندگی معمولی و نقش مؤثر در جامعه، نیاز به شرایط و امکاناتی دارند که این موضوع از طریق مناسب‌سازی در حمل‌ونقل، معابر و مراکز عمومی و تفریحی و حتی فضای مجازی و سایر بخش‌های جامعه محقق می‌شود. تجربیات و تحقیقات زیادی در رابطه با تأثیرات مناسب‌سازی برای معلولان در زندگی سایر افراد انجام شده است و این موضوع نشان می‌دهد، مناسب‌سازی جنبه‌های مختلفی دارد و انجام آن یک التزام است.

### کشورهای توسعه‌یافته، استفاده از حمل‌ونقل عمومی را حق معلولان می‌دانند

حمل‌ونقل عمومی در بسیاری کشورهای دنیا خصوصاً کشورهای پیشرفته، به‌گونه‌ای مناسب‌سازی شده که برای افراد دارای معلولیت‌های مختلف قابل‌استفاده باشد. در ناوگان عمومی، رعایت موضوع مناسب‌سازی برای معلولان از طریق استفاده از اتوبوس‌های سطح پایین (بدون پله) و ایستگاه‌های مجهز به سطح شییب‌دار باعث می‌شود، افراد بدون نیاز به دیگران قادر باشند با صندلی چرخ‌دار خود وارد اتوبوس‌های درون‌شهری شوند. در کنار اتوبوس‌ها، سیستم قطارهای شهری هم عموماً شرایط مناسبی دارند، هرچند در برخی کشورهای مدرن و پیشرفته هم ممکن است مناسب‌سازی به شکل کامل انجام نشده باشد، اما ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی باعث شده، حرکت به این سمت‌وسو شدت بگیرد.

وجود تاکسی‌های معروف لندن با نام به بلک‌کپ‌ها هم در این حوزه نقش مؤثری برعهده دارند. برخی کشورها از این نوع تاکسی‌ها برای حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کنند که برای مسافران بسیار راحت و البته قابل‌استفاده توسط افراد دارای معلولیت است. این تاکسی‌ها به دلیل داشتن فضای کافی بین صندلی عقب و ردیف صندلی‌های جلو شرایط ورود کالسکه و ویلچر را در خود دارند. وجود چنین خودروهایی در حمل‌ونقل عمومی براساس اصل طراحی جهانی صورت می‌گیرد. در این اصل محصولات به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که برای اقشار مختلف جامعه قابل‌استفاده باشند. در این صورت محصول نهایی، امکانات و ویژگی‌هایی خواهد داشت که برای معلولان، سالمندان و افرادی که به‌صورت موقت نیاز به چنین امکاناتی دارند، مناسب و قابل‌استفاده خواهد بود.

۱- این یادداشت در ۱۵ فروردین ۹۶ در روزنامه جام جم به چاپ رسیده است، مترجم سعید ضروری



شماره ۵، پاییز ۱۳۹۴

کشورهای اروپایی، برخی کشورهای آسیای شرقی و توریست‌پذیر، برزیل و چین در این حوزه موفق بوده‌اند و توانسته‌اند در برخی خطوط اتوبوسرانی درون‌شهری خود، این معضل را تا حدی حل کنند. توجه شهرداری‌ها به این موضوع باعث می‌شود، این نیاز ضروری و مهم برطرف شود و از بروز مشکلات و معضلات بعدی که هزینه‌های بیشتری دارد، جلوگیری شود چراکه حضور در جامعه به‌عنوان اصلی اساسی و مهم در توانبخشی مطرح است.

افراد دارای معلولیت از پتانسیل‌های مختلفی برخوردارند که تنها در صورت حضور در جامعه شکوفا می‌شود. به همین منظور، سرمایه‌گذاری در بخش مناسب‌سازی در حمل‌ونقل عمومی در دستور کار بسیاری از شهرداری‌های مهم دنیا قرار گرفته است. برای مثال در انگلستان و شهر لندن با ۱/۳ میلیون سفر روزانه توسط افراد دارای معلولیت و ۷۰۰ هزار سفر توسط افراد بالای ۷۵ سال و ۵ میلیون سفر روزانه توسط افرادی که چمدان یا کیف سنگین یا کالسکه بچه با خود حمل می‌کنند، اولین موضوعی که مطرح می‌شود، مناسب‌سازی برای این تعداد افراد است. این اعداد و ارقام بخوبی نشان می‌دهد که چرا رشد بی‌سابقه در سرمایه‌گذاری بخش حمل‌ونقل عمومی لندن طی سال‌های اخیر صورت گرفته است.

با تزریق ۱۷ میلیون پوند به مناسب‌سازی ایستگاه‌های اتوبوس انتظار می‌رود، در سال ۲۰۱۷ بیش از ۹۵ درصد ایستگاه‌های اتوبوس این شهر مناسب‌سازی شوند و ۸۵۰۰ اتوبوسی که به رمپ‌های خودکار مخصوص ویلچر مجهز هستند، قابل‌استفاده‌تر شوند. تحقیقات زیادی در رابطه با مزیت‌های اقتصادی مناسب‌سازی سیستم‌های حمل‌ونقل انجام شده است که نشان می‌دهد، اثرات مثبت اقتصادی زیادی در صورت انجام این مناسب‌سازی‌ها متوجه اقتصادهای محلی و کلان می‌شود.

### زیرساخت‌های شهری در اختیار معلولان است

مناسب‌سازی اهمیت بسیاری دارد و می‌توان مسیر رسیدن به جامعه فعال و پویا را در گرو مناسب‌سازی محیطی دانست. بعد از حمل‌ونقل، مناسب‌سازی معابر و مراکز شهری اهمیت می‌یابد و می‌توان گفت اولویت دوم در مناسب‌سازی قابل‌استفاده بودن مراکز اداری، عمومی و تفریحی توسط افراد دارای معلولیت یا قشرهای مختلف جامعه است.

در کشورهای مختلف، قوانین مختلفی برای اجبار طراحان و معماران این اماکن وجود دارد که باعث می‌شود ساختمان‌ها همان‌طور که برای مقابله با آتش‌سوزی تجهیز می‌شوند، برای استفاده افراد معلول هم آماده و مهیا شوند. کشورهایی که میزبان اتفاق‌های بزرگ ورزشی بوده‌اند، از شرایط بسیار بهتری برخوردار هستند، چرا که این نوع اجبارها باعث شده محیط‌های شهری و عمومی برای استفاده تمام قشرهای جامعه آماده و مهیا شود.

به نظر می‌رسد، قوانین با پشتوانه اجرایی محکم، تنها عامل موفقیت بسیاری از کشورها در این حوزه بوده و البته فرهنگ‌سازی و روشن شدن ابعاد و تأثیرات مختلف مناسب‌سازی هم نقش قابل‌توجهی در تسهیل این موضوع داشته است. مناسب‌سازی فضاهای تفریحی و دانشگاهی، از دیگر مواردی است که در قالب همین قوانین فرصت دسترس‌پذیر بودن پیدا می‌کنند. یکی از معضلاتی که افراد دارای معلولیت با آن مواجه هستند، مناسب نبودن محیط‌های دانشگاهی و آموزشی است که می‌تواند اثرات قابل‌توجهی بر روند رشد معلولان و ورود آنها به جامعه داشته باشد، اما این شرایط با سطح آگاهی جوامع ارتباط مستقیم دارد و در هر جایی که آگاهی اجتماعی از معلولیت‌ها بیشتر باشد، شرایط مناسب‌سازی نیز بهتر است.





فریبا عسگری شش سال پیش در اثر تصادف دچار ضایعه نخاعی از ناحیه کمر شد. او در این تصادف یکی از فرزندان، برادر و برادرزاده همسرش را هم از دست داد. او یک ورزشکار حرفه‌ای است و در تیم‌های ورزشی زیادی عضویت دارد. رضا صادقی همسر فریبا، حسابدار است و در همین تخصص مشغول به کار است. این خانواده قبل از تصادف در شهر کرد زندگی می‌کردند ولی بعد از این حادثه برای درمان مجبور به زندگی در تهران شدند. این زوج مهربان سه فرزند پسر دارند.

به منزل آقای رضا صادقی و خانم فریبا عسگری آمدیم تا با این زوج فعال که زندگی پر فراز و نشیبی را از سر گذرانده‌اند، بیشتر آشنا شویم.

## در ازدواج، ارتباط انسانی میان دوطرف است که اهمیت دارد

جهت درمان همسر، چون خدمات توانبخشی و کاردرمانی در تهران نسبت به شهرستان خیلی پیشرفته‌تر بود به تهران آمدیم و ساکن این شهر شدیم.

**خانم عسگری، چگونه با مشکل ضایعه نخاعی خود کنار آمدید؟**

**فریبا:** اوایل خیلی برایم سخت بود. خصوصاً که در این حادثه پسر هفت‌ساله‌ام را هم از دست داده‌بودم. آن قدر روحیه‌ام بد بود که آرزوی مرگ داشتم. دوست نداشتم زنده بمانم. من کلاس دوم راهنمایی را خوانده‌بودم و در شانزده سالگی ازدواج کردم. بعد از ازدواج مشغول خانه‌داری و بچه‌داری بودم تا اینکه شش سال قبل تصادف کردیم و دچار ضایعه نخاعی شدم. این ضایعه بسیار دردناک بود و تا مدت‌ها روحیه‌ام به‌هم‌ریخت و حال خوبی نداشتم. پس از تصادف به تهران مهاجرت کردیم و در این شهر ساکن شدیم. بعد از طی کردن مراحل درمانی و انجام چندین عمل جراحی، به انجمن ضایعه نخاعی معرفی شدم

یادگرفتم که کارهایم را خودم انجام دهم و با شرایط کنار بیایم. الان روی پای خودم هستم. هم آشنیزی می‌کنم، هم بچه‌داری می‌کنم، هم درس می‌خوانم و هم ورزش می‌کنم

مختلفی هم گرفته‌ام.

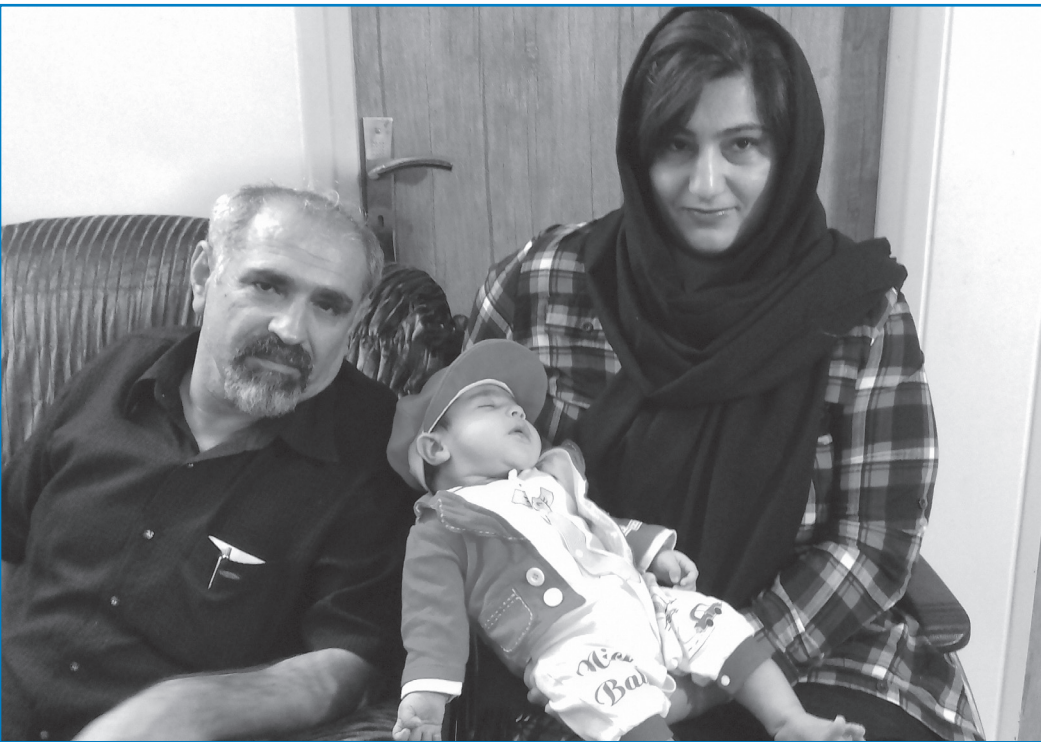
**آقای صادقی، لطفاً شما خودتان را معرفی کنید:**

رضا صادقی حسن‌وند هستم. کارشناس مالییم و در شغل حسابداری مشغول به کار می‌باشم. از بدو تولد در ناحیه پا مشکل داشتم و یک‌پایم کوتاه‌تر از پای دیگرم است. قبل از تصادف شش سال قبل، در شهر کرد زندگی می‌کردیم. پس از این حادثه به

گفت‌وگو را از مادر خانواده شروع می‌کنیم؛

خانم عسگری، شما چند سال قبل زندگی آرامی داشتید و با همسر و سه فرزند خود در شهرستان زندگی می‌کردید. در آن ایام شما خانه‌دار بودید ولی حالا قهرمان شده‌اید! از حوادثی که برای شما پیش آمد و باعث تغییر مسیر زندگیتان شد بگویید. من شش سال قبل در یک حادثه سهمگین، دچار ضایعه نخاعی از ناحیه کمر شدم. در این تصادف یکی از فرزندان و برادرم را هم از دست دادم. برادرزاده همسرم نیز در اثر تصادف از بین رفت. ما در حال حاضر سه فرزند داریم که هر سه پسر هستند. پسر بزرگمان هفده ساله، پسر دوم نه ساله و پسر کوچک دوماهه است. من در حال حاضر دانشجوی دانشگاه علمی کاربردی رعد در رشته‌کاردانی مربیگری معلولان هستم و در کنار تحصیل و بچه‌داری، ورزشکار هم می‌باشم. من عضو تیم ملی پرتاب نیزه، پرتاب وزنه و تیم بسکتبال بانوان روی ویلچر تهران هستم. در مسابقات زیادی شرکت کرده‌ام و مدال‌های





درست است که افراد دارای معلولیت در جاهایی نسبت به افراد تندرست دچار محدودیت‌هایی می‌شوند ولی این محدودیت‌ها نمی‌تواند جلوی پیشرفت و تعالی آنان را بگیرد

آن‌ها توانایی‌های بیشتری دارد. این خودش انگیزه‌ای شد که به زندگی عادی‌اش برگردد. به‌هرحال حادثه، بخشی از زندگی انسان‌هاست و این هم حادثه ناگواری بود که برای خانواده ما پیش آمد. متأسفانه در این تصادف سه نفر از افراد خانواده از بین ما رفتند و همسرم دچار مشکل نخاعی شد. پسر بزرگم هم از ناحیه لگن دچار شکستگی شد که خوشبختانه کاملاً بهبود پیدا کرد. از دست دادن پسرمان اتفاق بسیار ناگواری بود و هرگز این غم فراموش‌شده نمی‌شود. من و همسرم با یکدیگر فامیل هستیم و روابط عاطفی شدیدی در خانواده‌های هر دو طرف وجود دارد. الآن هم به کمک خواهرم که از اهواز آمده از نوزادمان نگهداری می‌کنیم. وقتی دو نفر با هم تشکیل زندگی می‌دهند، باید در خوشی و ناخوشی کنار هم باشند.

### خانم عسگری، از چه زمانی به ورزش روی آوردید؟

**فریبا:** من از زمانی که در شهرکرد به مدرسه می‌رفتم، عضو تیم بسکتبال مدرسه بودم. ولی بعد از ازدواج و بچه‌دار شدن دیگر ورزش را ادامه ندادم. بعد از معلولیت و آمدن به تهران متوجه شدم که این امکان برایم وجود دارد که در تیم بسکتبال بانوان باشم. برای همین

هستم. الآن روی پای خودم هستم. هم آشپزی می‌کنم، هم بچه‌داری می‌کنم، هم درس می‌خوانم و هم ورزش می‌کنم. همه کارهای خانه را هم خودم انجام می‌دهم.

**رضا:** بعد از تصادف به خاطر نیاز همسرم به درمان به تهران آمدم و در این شهر ساکن شدیم. آمدن به تهران انگیزه‌ای شد برای همسرم که بتواند روحیه‌اش را به دست بیاورد و ما هم بیشتر بتوانیم او را حمایت کنیم. همسرم بسیار فعال است به طوری که من در بانوان تندرست هم به ندرت چنین فعالیت و انگیزه‌ای را می‌بینم. اینکه می‌گویند معلولیت، محدودیت نیست، یک شعار نیست. واقعاً انسان هر کاری بخواهد انجام دهد، می‌تواند. درست است که افراد دارای معلولیت در جاهایی نسبت به افراد تندرست دچار محدودیت‌هایی هستند ولی این محدودیت‌ها نمی‌تواند جلوی پیشرفت و تعالی آنان را بگیرد.

من از مؤسسه رعد سپاسگزارم که محیطی ایجاد کرده که افرادی که معلولیت دارند بتوانند را در کنار هم قرار بگیرند و آموزش ببینند و برای ادامه زندگی خود آمادگی کسب کنند. وقتی در تهران همسرم با انجمن‌های مختلف آشنا شد و خودش را با دیگر افراد دارای معلولیت مقایسه کرد، متوجه شد که نسبت به بسیاری از

و با این انجمن در ارتباط قرار گرفتیم. بعد از مدتی تصمیم گرفتیم که به زندگی برگردم و خواندن زبان انگلیسی را شروع کنم. از طریق انجمن ضایعه نخاعی به مرکز رعد معرفی شدم. آشنایی با رعد برای من بسیار مفید بود. در این مرکز با افراد زیادی آشنا شدم و کم‌کم از آنها و از محیطی که در مجتمع رعد وجود داشت روحیه گرفتم. دیدم که بسیاری از افراد با شرایط جسمی خیلی سخت‌تر از من در کلاس‌ها شرکت می‌کنند و خیلی هم امیدوار هستند. به تدریج روحیه‌ام بازسازی شد. در رعد با یکی از کارآموزان آشنا شدم که او هم معلولیت داشت ولی به‌تنهایی زندگی می‌کرد. او همه کارهایش را خودش انجام می‌داد. از او بسیار آموختم. یاد گرفتم که کارهایم را خودم انجام دهم و با شرایط کنار بیایم. در رعد هم در کلاس زبان شرکت کردم و هم در کلاس‌های کامپیوتر، معرق و سوخت چوب. در کنار کلاس‌های آموزشی مرکز رعد، از خدمات توان‌بخشی این مرکز هم استفاده کردم. در کلاس زبان احساس کردم که نسبت به بقیه عقب هستم و این شد که به فکر ادامه تحصیل افتادم. تحصیل را شروع کردم و با معدل بالای ۱۸ دیپلم گرفتم. پس از دیپلم هم در دانشگاه علمی کاربردی رعد مشغول به تحصیل شدم. اکنون در ترم اول رشته کاردانی مربی‌گری معلولان مشغول به تحصیل



## چه برنامه‌ای برای آینده خود دارید؟

**فریبا:** امیدوارم که بتوانم هم تحصیل و هم ورزش را ادامه بدهم. امیدوارم به مسابقات پارالمپیک بروم و برای سرفرازی کشورم مدال‌های زیادی بگیرم. امیدوارم بتوانم در مسابقات آسیایی که مسابقات انتخابی پارالمپیک هم هست و در اردیبهشت سال آینده برگزار می‌شود، شرکت کنم و سهمیه پارالمپیک را به دست بیاورم.

**رضا:** آرزوی ما پیشرفت بچه‌هایمان است و اینکه بتوانیم آن‌ها را به مراحل بالای تحصیلی برسانیم. من برای پیشرفت بچه‌ها از هیچ کاری دریغ نمی‌کنم و امیدوارم که بتوانند به سطوح بالای تحصیلی و اجتماعی برسند.

## چه توصیه‌ای به سایر دوستانتان دارید؟

**فریبا:** من به آنها توصیه می‌کنم که ازدواج را سخت نگیرند و اگر شرایط مناسبی پیش آمد، ازدواج کنند. بچه‌ها باید درس بخوانند و پیشرفت کنند. حتی بچه‌داری هم با شرایط معلولیت امکان‌پذیر است. به بچه‌ها توصیه می‌کنم که به ورزش روی بیاورند و با ورزش روحیه خودشان را بالا ببرند. من با ورزش توانستم به زندگی برگردم و مدال‌های زیادی به دست بیاورم.

**رضا:** تا شقایق هست زندگی باید کرد. معلولیت نباید به‌عنوان محدودیت و ناتوانی قلمداد شود. نباید گوشه‌ای بنشیند و منتظر باشند که زندگیشان تمام شود. در کنار معلولیت می‌توان خیلی کارها را انجام داد. همسرمن با وجود این شرایط جسمی هم درس می‌خواند و هم ورزش می‌کند و در کنارش به خانه‌داری و بچه‌داری هم می‌رسد. خودش رانندگی می‌کند و تا ماه‌های آخر بارداری، هم رانندگی و ورزش می‌کرد و هم به کلاس‌های آموزشی می‌رفت. محیط خانه را مناسب‌سازی کرده‌ایم تا به راحتی بتواند در منزل با ویلچر حرکت کند. کارهای همسرمن واقعا تحسین‌برانگیز است و بسیاری از بانوان تندرست هم مانند ایشان فعال و پرنگیزه نیستند. من از موسسه رغد بسیار تشکر می‌کنم که به فکر افراد دارای معلولیت هستم و شرایط را برای پیشرفت آنها مهیا می‌کنند.

در ماه هشتم حاملگی بودم که در مسابقات قهرمان کشوری شرکت کردم و نفر چهارم شدم. داور خارجی مسابقات، وقتی مرا با این شرایط روی سکو دید بسیار تعجب کرد!

**نظرتان در مورد ازدواج افراد دارای معلولیت چیست. آیا ازدواج را به آن‌ها توصیه می‌کنید؟**

**فریبا:** ازدواج دو فرد دارای معلولیت با هم، اگر هر دو در شرایط مشابهی باشند مثلاً هر دو ضایعه نخاعی باشند، بسیار دشوار است. ولی در کل من ازدواج را به افراد دارای معلولیت توصیه می‌کنم. البته باید به شرایط جسمی خود توجه داشته‌باشند و با مسائل و مشکلات زندگی هم آشنا باشند.

**رضا:** به‌نظر من در ازدواج، یکی از این دو نفر باید از لحاظ فیزیکی و جسمی در موقعیت بهتری باشد و با درک کاملی نسبت به شرایط خود با یکدیگر ازدواج کنند. توجیه قابل قبولی برای اینکه دو فرد دارای معلولیت در شرایط سخت جسمانی با یکدیگر ازدواج کنند، وجود ندارد.

البته دو نفری هر دو معلولیت دارند، یکدیگر را بهتر درک می‌کنند. ولی باید با شناخت کامل از مشکلات پیش رو، به این کار اقدام کنند. ازدواج هم مرحله‌ای از زندگی است و اینکه بگوییم افراد دارای معلولیت نباید باهم ازدواج کنند صحیح نیست. اگر این دوستان با دانش و درک کامل نسبت به شرایط یکدیگر ازدواج کنند، می‌توانند خانواده‌ی خوبی تشکیل دهند و فرزندان خوب و موفقی هم تربیت کنند.

**فریبا:** من افرادی را می‌شناسم چه زن و چه مرد که با وجود معلولیت با یک فرد تندرست ازدواج کرده‌اند و زندگی خوبی هم دارند. مهم ارتباط انسانی بین افراد است که خیلی هم ارتباطی با معلولیت آنها ندارد. باید بدانیم که هر کدام از ما یک لحظه با معلولیت فاصله داریم.

با بدن‌سازی در باشگاه پیام شروع کردم. به من گفتند، برای شروع یک ورزش حرفه‌ای باید به فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان مراجعه کنم. من به فدراسیون رفتم و ورزش را در رشته بسکتبال، پرتاب نیزه و پرتاب وزنه شروع کردم. اوایل در باشگاه بعثت تمرین می‌کردیم و الآن هم با یک مربی در باشگاه دیگری کار می‌کنم. این باشگاه‌ها نسبتاً مناسب‌سازی شده هستند. اعضای تیم ملی هم در همین باشگاه‌ها تمرین می‌کنند.

**شما یک فرزند دوم‌هه دارید. چه شد که به فکر بچه‌دار شدن افتادید؟ آیا در شرایط موجود بارداری برای شما سخت نبود؟**

**رضا:** ما شنیده بودیم که سلول‌های بنیادی که از بند ناف نوزاد گرفته می‌شود در درمان ضایعات نخاعی والدین مؤثر است. این انگیزه سبب شد که این بچه را هم داشته باشیم. البته خواست خدا بود که این بچه بوجود آمد. سلول‌های بند ناف در هنگام تولد از نوزاد گرفته شد و روی آن تحقیق شد ولی چون زن غالب بچه بیشتر شبیه به من بود، گفتند که سلول‌های بند ناف برای درمان ایشان مؤثر نیست. ولی وجود این بچه تکیه‌گاه روحی و روانی بسیار بزرگی برای همه ما در خانه بوجود آورده‌است. نه تنها برای خود ما بلکه برای مادر همسرمن که فرزندش را در تصادف از دست داده بود، این بچه نعمت بزرگی است. وجود این بچه زندگی دوباره‌ای به همه ما بخشید و همه ما را احیا کرد.

**فریبا:** البته بوجود آمدن این بچه غیرمنتظره بود. من در مسابقات قهرمان کشوری انتخابی در شهر لندن بودم که حالم بد شد و فهمیدم که باردار هستم. در دوران بارداری مشکلی نداشتم فقط در ماه‌های آخر دچار دیابت بارداری شدم و زایمان را هم به‌صورت سزارین انجام دادم. من تا آخرین روزهای بارداری به دانشگاه می‌رفتم و تمرین‌های ورزشی انجام می‌دادم و تا پانزده روز قبل از زایمان، رانندگی می‌کردم. در هشت ماهگی در مسابقات قهرمان کشوری شرکت کردم و نفر چهارم شدم. دارو خارجی این مسابقات، وقتی مرا روی سکو دید بسیار تعجب کرده بود!



## ژوکرمن موسیقیدان، معلولیت جسمی

(۱۹۴۸-م)

ژوکرمن در شانزدهم ژولای ۱۹۴۸م. در شهری در منطقه خاورمیانه به دنیا آمد. وی در طفولیت پس از بیماری سختی دچار معلولیت جسمی گردید ولی با اراده‌ای استوار و حمایت بی‌دریغ خانواده، توانست تحصیلات متوسط خود را به پایان برساند.

وی از دوره طفولیت علاقه زیادی به موسیقی داشت، به همین دلیل برای تحصیل به دانشگاه رفت و با تلاش فراوان توانست در رشته موسیقی کلاسیک با بهترین رتبه فارغ‌التحصیل شود.

ژوکرمن کار خود را با تدریس در مدارس شبانه‌روزی شروع نمود. او ضمن تدریس لحظه‌ای از مطالعه و تحقیق غافل نمی‌شد و در رشته موسیقی کلاسیک تا درجه استادی پیش رفت.

ساز اصلی ژوکرمن، ویولن بود ولی با سازهای دیگر نیز آشنایی کامل داشت.

ژوکرمن در سال ۱۹۸۰ به آرزوی دیرینه خود که ریاست ارکستر بزرگ امریکا بود رسید. او معتقد بود، معلولیت خودش عاملی است برای تحرک بیشتر و استواری و پایداری در مقابل مشکلات و در نهایت، رسیدن به اهداف عالی.

وی براساس همین اعتقاد از تلاش و کوشش برای رسیدن به آرزوهایش لحظه‌ای درنگ ننموده و در این راه ضمن خدماتی ارزنده به نسل جوان، آثاری نیز تالیف نمود. او بیش از نیمی از وقت خود را صرف آموزش افراد علاقه‌مند می‌کرد.

**برگرفته از کتاب نواغ و مشاهیر معلول جهان**

**گردآورنده: مهندس منصوره برجیان**



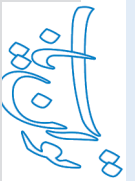
# یک روز بانشانداران تایچه در رعد!

در تاریخ بیستم تیرماه قرار بود در کلاس تایچی که به مربی‌گری استاد مرجان وحیدنیا در موسسه رعد برگزار می‌شود به چهارنفر از بچه‌های کلاس، نشان مربی‌گری داده شود.

مرجان وحیدنیا استاد پیشکسوت در این رشته ورزشی حدود پنج سال است که این ورزش را به توانیابان علاقمند در موسسه رعد آموزش می‌دهد. چهار نفر از کارآموزان رعد بعد از گذراندن امتحانات مربوطه به مرحله‌ای رسیدند که بتوانند از طرف فدراسیون ووشو حکم و نشان بگیرند.

استاد وحیدنیا می‌گوید: امروز به ۴ نفر از بچه‌های کلاس تایچی از طرف فدراسیون ووشو حکم و نشان اهدا می‌گردد؛ روزبه مانی و هدیه مهدیون نشان سبز و کبری محمد اورنگی نشان آبی که بالاترین نشان در بین کارآموزان رعد است را دریافت می‌کنند. به گفته او، کسی که نشان آبی داشته‌باشد می‌تواند به‌عنوان کمک مربی در کلاس ایفای نقش کند. او ادامه می‌دهد، سایر شرکت‌کنندگان این کلاس هم در عرض شش ماه آینده به این مرحله رسیده و نشان دریافت می‌کنند. البته خانم وحیدنیا، حکم و نشان را تنها یک وسیله تشویقی که معنای آن رسیدن بچه‌ها به آرامش درون است می‌داند، چیزی که هدف اصلی این کلاس است. او می‌گوید: چیزی که در این کلاس برای من مهم است به آرامش رسیدن بچه‌هاست.

استاد کلاس تایچی ادامه می‌دهد: این امتحان را بچه‌های پیشکسوت کلاس مانند علی سجادی، نرگس نجفی و داود جعفری برگزار کردند و من فقط به‌عنوان یک ناظر حضور داشتم. آنها بودند که تعیین می‌کردند بچه‌ها چه حرکتی را انجام دهند و در مورد آن داوری می‌کردند. ما از نشان زرد تا نشان سیاه داریم و بعد از آن از دان یک تا دان شش را داریم. بعضی از بچه‌های کلاس، به‌صورت جهشی نشان زرد و سبز را باهم گرفتند و بعضی هم قدم‌به‌قدم جلوآمدند و به نشان آبی رسیدند. این نشان و احکام گواهینامه‌ای از طرف فدراسیون ووشو مبنی بر این است که این افراد این مراحل را طی کرده‌اند. داشتن نشان آبی به این معناست که افراد دارای این نشان می‌توانند دیگران را داوری کنند. مرجان وحیدنیا با تشکر از مدیران و کارکنان موسسه رعد در حمایت موثر از توانیابان موسسه ادامه می‌دهد: از این که تعداد بچه‌های کلاس باوجود سختی‌هایی که با آن دست به‌گریبانند، روز به روز بیشتر می‌شود بسیار رضایت‌دارم و از این استقبال فزاینده انرژی می‌گیرم. معیار و ملاک من در سودمندی این کلاس کسب آرامش درون و مدیریت زندگی توسط خودشان است.







### بعد از کلاس تایچی، هم صحبت کردنم بهتر شد و هم تعادلیم

کبری اورنگی یکی از بچه‌هایی است که از طرف فدراسیون ووشو، نشان آبی دریافت کرده‌است. او می‌گوید: قبل از شرکت در کلاس تای‌چی، هم تعادل جسمانی نداشتم و هم به‌سختی صحبت می‌کردم. ولی بعد از شرکت در این کلاس هم صحبت کردنم بهتر شد و هم اخلاق و رفتارم تغییر کرد و هم تعادلیم برقرار شد. کبری این آرامش و بهبودی را مرهون زحمات خانم وحیدنیا در کلاس تایچی دانست و در حضور جمعیت با اعتماد به نفس کامل، یکی از حرکات تعادلی را انجام داد.



### تصمیم دارم این تمرینات را برای همیشه ادامه دهم

روزبه مانی یکی دیگر از دریافت کنندگان نشان است. او که کارشناس ارشد در رشته فوق لیسانس فیزیک بنیادی است می‌گوید: شش ماه است که در کلاس تایچی شرکت می‌کنم و توانستم نشان دوم تای‌چی که نشان سبز است را دریافت کنم. روزبه ادامه می‌دهد: این دوره از تای‌چی دوره آرام‌سازی عضلانی و نرمش است که برای افرادی مانند من که دچار فلج مغزی هستند و به دلیل از دست دادن تعادل مجبورند همیشه بدن خود را سفت نگهدارند، باعث رها کردن و شل کردن بدن می‌شود. این تمرین‌ها باعث می‌شود با رها کردن و شل کردن بدن بتوانم به راحتی بنشینیم، بایستیم و حرکت کنم و از این طریق اعتماد به نفس بیشتری کسب کنم.

روزبه ادامه می‌دهد: بعد از این مدت که در کلاس‌های تای‌چی شرکت کرده‌ام، می‌توانم چهار دقیقه بدون عصا بایستم و به مدت ۴۰ دقیقه با سرعت کم تردمیل بزنم. قبلاً توسط یک پزشک چینی تمرینات شل کردن و طب سوزنی را انجام داده بودم و می‌دانستم که این تمرینات برایم بسیار مفید است. باید بگویم که برای گرفتن نشان به این کلاس‌ها نیامدم بلکه می‌دانستم که این تمرینات برای سلامتی‌ام مفید است و تصمیم دارم که این تمرینات را همیشه ادامه بدهم.



### از خانم وحیدنیا به خاطر آموزش‌های مفیدشان بسیار سپاسگزارم

هدیه هادیون دیگر دریافت کننده نشان از فدراسیون ووشو است. او یک سال و نیم است که در کلاس تایچی شرکت می‌کند. می‌گوید: قبلاً هیچ‌گونه آشنایی با این رشته ورزشی نداشتم ولی پس از شرکت در این کلاس به چنان آرامشی دست پیدا کردم که توانستم عصبانیت و بسیاری از مشکلاتم را کنترل کرده و در این رشته پیشرفت کنم. از خانم وحیدنیا بسیار سپاسگزارم که در رعد برای ما وقت می‌گذارند و به ما آموزش می‌دهند. من این تمرینات را بسیار جدی گرفته‌ام و توانسته‌ام به آرامشی که لازم داشتم برسم. ورزش تای‌چی در تصمیم‌گیری و در همه رفتار و اخلاق من تأثیر گذار بود. من در امتحان دریافت حکم، شرکت کردم و با نمایش آنچه که آموخته بودم، نشان سبز را دریافت کردم. تصمیم دارم تای‌چی را نه برای گرفتن نشان بالاتر بلکه برای کسب آرامش بیشتر در زندگی‌ام ادامه دهم.



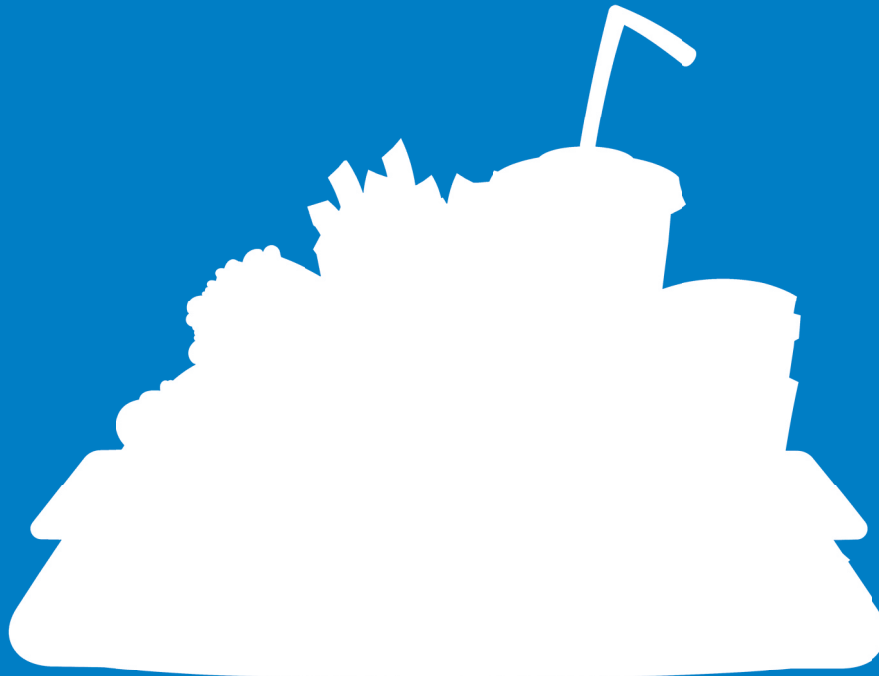


چهره موفق

سلامت

پژوهش

شماره ۵۵، خنجر ۱۳۹۴



به اندازه کافی پروتئین مصرف کنید. دریافت منابع کم چرب پروتئین (گوشت بدون چربی، لبنیات کم چرب و حبوبات) به کاهش هوس‌های غذایی کمک می‌کند.

آدامس بجوید. جویدن آدامس در کاهش تمایل فرد برای مصرف غذاهای شیرین یا شور مفید است.

از گرسنگی اجتناب کنید. گرسنگی سبب تشدید هوس‌های غذایی می‌شود. هنگامی که شخص گرسنه است تمایل وی برای مصرف غذاهای پرکالری مانند فست فودها و غذاهای سرخ شده افزایش می‌یابد. بنابراین بهتر است از یک الگوی غذایی منظم پیروی کرده و علاوه بر وعده‌های اصلی در ساعات مشخص میان وعده‌های سالم مانند میوه و سبزیجات مصرف کنید.

در هنگام گرسنگی با زمانی که هوس خوردن غذای خاصی را کرده‌اید به فروشگاه‌های مواد غذایی نروید.

گاهی اوقات اجتناب کامل از مصرف غذایی که به خوردن آن تمایل دارید، سبب تشدید هوس غذایی می‌شود. در این حالت می‌توانید مقدار بسیار کم و کنترل شده‌ای از آن ماده غذایی را مصرف نمایید.

در برخی موارد جایگزین کردن مواد غذایی با یکدیگر به رفع هوس غذایی کمک می‌کند:

اگر هوس چیپس کرده‌اید می‌توانید به جای آن از یک میان وعده شور که حاوی چربی سالم و پروتئین است، مانند مغزها استفاده کنید. مغزها حاوی کالری بالایی هستند. بنابراین در مصرف این ماده غذایی نیز اعتدال را رعایت نمایید. استفاده از پاپ کورن نیز جایگزین مناسبی برای چیپس است.

تمایل به مصرف شکلات می‌تواند با نیاز به منیزیم در ارتباط باشد. بنابراین در بسیاری از افراد مواد غذایی غنی از منیزیم مانند بادام می‌تواند مفید باشد. اگر تمایل شدید به مصرف شکلات دارید از شکلات تیره بدون شیر که حاوی حداقل ۷۰ درصد کاکائو است استفاده نمایید. هر چقدر شکلات تیره‌تر باشد با مصرف مقدار کمتری از آن هوس غذایی شما از بین می‌رود.

تمایل به مصرف شیرینی‌جات با مصرف میوه‌ها مانند هلو، گیلاس و خربزه یا میوه‌های خشک برطرف می‌شود.

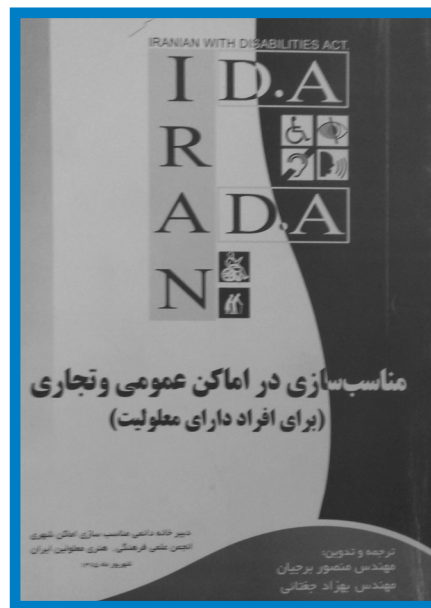
برای افرادی که هوس نوشابه کرده‌اند مصرف آب پرتقال که حاوی کالری کمتری است، مفید است.

اگر هوس پنیر کرده‌اید حتماً از انواع کم چرب و کم نمک آن استفاده کنید.



## مناسب‌سازی در اماکن عمومی و تجاری (برای افراد دارای معلولیت)

ترجمه و تدوین: مهندس منصور برجیان، مهندس بهزاد جغتایی  
ناشر: فنون معاصر  
چاپ اول: ۱۳۸۵



کتاب مناسب‌سازی در اماکن عمومی و تجاری، برای افراد دارای معلولیت حاصل تلاش گروهی از متخصصان در حوزه مسائل معلولان است که مجموعه کاملی از جزییات مناسب‌سازی در اماکن عمومی و تجاری را در بر می‌گیرد.

این کتاب بهترین روش‌ها و نقشه‌های تخصصی اجرایی و همچنین دستورالعمل‌ها و ضوابط و مقررات جهت ساختمان‌ها، اماکن عمومی و تجاری را برای معلولان جسمی - حرکتی به منظور دستیابی به استقلال فردی و حقوق اجتماعی آنان، در اختیار طراحان و مسئولان اجرایی قرار می‌دهد.

در بخش نخست کتاب برخی تعاریف و واژگان و اصطلاحات کتاب توضیح داده شده و درباره فضاها و مکان‌های ویژه، راه‌های قابل دسترسی پارکینگ‌ها و ایستگاه‌های سوار و پیاده کردن مسافر و... مطالب مبسوطی عنوان شده است.

بخش دیگر درباره رمپ‌ها است. در این بخش در مورد شیب رمپ، پهنای رمپ، رمپ‌های برجسته و مورب بحث شده است. همچنین درباره تغییراتی که باید در پله‌ها و آسانسورها و سکوهای بالابر صندلی چرخدار، ورودی‌ها، پنجره‌ها و درها باید صورت گیرد، توضیحاتی ارائه شده است.

در بخش دیگر کتاب در مورد توالت‌ها، دستشویی‌ها، آینه‌ها، وان حمام، اتاق‌های دوش، تسهیلات حمام و تغییراتی که باید در این مکان‌ها اعمال شود، مطالبی بیان شده است.

مبحث دیگر کتاب در مورد تلفن‌ها، ارتفاع نصب تلفن، رستوران‌ها، کافه تریاها، تسهیلات و مراقبت‌های پزشکی، کتابخانه‌ها و نیز تسهیلات حمل و نقل، اتوبوس‌ها و ترمینال‌ها، فرودگاه‌ها و باراندازهای کشتی و تغییراتی که در این مکان‌ها باید اعمال شود توضیحاتی ارائه شده است.

کتاب حاضر دارای یک ضمیمه است که در واقع چکیده کتاب می‌باشد و نیز تصاویر و جداولی که به درک بهتر کتاب کمک می‌کنند.

دکتر زهرا نژادبهرام عضو شورای اسلامی شهر تهران:

## مجتمع رعد می تواند اتاق فکر برنامه های شورای شهر در حوزه توان یابان باشد



وی افزود: در کشور سوئد اغلب خدمات ارائه شده به افراد دارای معلولیت از طریق شهرداریها ارائه می شود اما وقتی که به ایران آمدم، متوجه شدم این خدمات بیشتر توسط سازمان بهزیستی انجام می شود، اما نقش شهرداری و شورای شهر در توانمندسازی توان یابان می تواند بیش از این گسترش یابد و مجتمع رعد آمادگی دارد در این حوزه از تمام توان و تجربه خود برای بهبود کیفیت زندگی توان یابان استفاده کند.

در قسمتی از این ملاقات دکتر محمد کمالی عضو هیأت علمی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران با آرزو موفقیت برای دکتر زهرا نژادبهرام، افزود: در حوزه توانمندسازی نگرش فردی و پزشکی در کنار نگرش اجتماعی رشد کرده است در نگرش اول سازمان های حمایت گر به حل مشکلات درمانی و فردی افراد دارای معلولیت توجه دارند اما در نگرش دوم به عادی سازی حضور افراد توان یاب در سطح جامعه و فراهم آوردن برداشتهای واقعی از حضور و نقش افراد دارای معلولیت در سطح جامعه توجه می شود.

در پایان این ملاقات تصمیم گیری شد، فهرستی از اقدامات مورد انتظار افراد دارای معلولیت به دفتر دکتر زهرا نژادبهرام ارسال سال شود.

نحوی فعالیت کند که در عرصه خدمت به این گروه از شهروندان کمبودی از عدم حضور دکتر علی صابری و مجتبی شاکری احساس نشود.

عضو شورای شهر تهران افزود: از آنجا که با انجمن مهرطه در حوزه خدمت رسانی به کودکان بدسرپرست همکاری دارم و با مسائل مؤسسات خیریه از نزدیک آشنا هستم و از سوی دیگر در حوزه شهرسازی از مشکلات تردد و حرکت گروه های آسیب پذیر از جمله: افراد دارای معلولیت، سالمندان و زنان باردار اطلاع دارم، باید شورا از سالها تلاش و تجربه مجتمع رعد در خدمت رسانی گروه هدف استفاده کند، از این رو مناسب به نظر می رسد مؤسسه شما به عنوان اتاق فکر شورای شهر تهران در حل مسائل توان یابان با شورای شهر همکاری کند.

در این نشست منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد با تبریک مسؤولیت جدید و آرزوی موفقیت برای دکتر زهرا نژادبهرام، افزود: امروز نگاه جدید به توانمندسازی افراد دارای معلولیت در روش اشتغال حمایت شده بر این باور استوار است که برای هر فرد توان یاب متناسب با علاقه، توان و ظرفیت جسمی و فکری او، فرصتهای شغلی مناسب معرفی شود.

دکتر زهرا نژادبهرام عضو پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران که بازدید از سازمان های مردم نهاد و مؤسسات خیریه را در دستور کار خود دارد به همراه ۲ نفر از همکارانش ضمن بازدید از مجتمع رعد با مدیرعامل و مسؤولان آن ملاقات و گفت و گو کرد.

در این بازدید دکتر زهرا نژادبهرام و همراهانش ضمن حضور در کلاس های آموزش و کارگاه های هنری با فرآیند آموزش های فنی و حرفه ای مجتمع رعد آشنا شدند. همچنین از فعالیت واحد توانبخشی، مددکاری و روانشناسی آگاهی پیدا کردند.

سپس بازدیدکنندگان با حضور در دفتر مدیرعامل زمینه های همکاری مشترک را بررسی کردند، ابتدا دکتر زهرا نژادبهرام با اشاره سابقه شناخت از افراد دارای معلولیت، افزود: از آنجا که پیش از این در میان افراد خانواده یک نفر به بیماری میوپاتی مبتلا بود، با مشکلات افراد کم توان حرکتی آشنایی دارم اما شهر ما با مسائل متعدد فرهنگی، اجتماعی و فیزیکی برای حضور توان یابان مواجه است.

وی در ادامه افزود: توجه دارید، در شورای پنجم نسبت به دوره گذشته ۲ نفر از نمایندگان توان یابان از ترکیب شورا جدا شده اند و باید شورای جدید به



## الگویی که در بی‌نهایت ماوا گزید یادبود پروفسور مریم میرزاخانی



کرد به‌منظور ارج نهادن به ذهن زیبا و خلوت آرام زنده‌یاد مریم میرزاخانی، مراسم خاکسپاری به صورت خصوصی و با حضور اعضا خانواده برگزار می‌شود.

پس از بازگشت مهندس احمد میرزاخانی و زهرا حقیقی پدر و مادر مریم میرزاخانی، مراسم یادبودی در سالن همایش مجتمع رعده برگزار شد. در این مراسم جعفر نیوشا معلم هندسه و خیریه بیگم حائری‌زاده مدیر دبیرستان فرزنانگان طی سخنانی از خاطرات مشترکشان با پروفسور مریم میرزاخانی مطلبی بیان کردند و دکتر توسرکانی یکی از هم‌دوره‌ای‌ها و همسفرهای اردوی اهواز از حادثه تصادف اتوبوس دانشجویان خاطراتی را بیان کرد و دکتر سیدعباد... محمودیان استاد ریاضیات دانشگاه صنعتی شریف با اشاره به دوران دانشجویی مریم میرزاخانی پیشنهاد کرد بورس تحصیلی، اختصاص مرکز پژوهشی و کشف استعدادها، تحصیلی به نام وی تأسیس شود. استاد مهدی جعفری از انجمن نهج‌البلاغه سخنران بعدی بود که با اشاره به مقام رفیع علم و دانش در جوامع بشری، افزود: دانشمندان و علما هرگز نمی‌میرند و نام و آثار آنها همیشه جاودان خواهد ماند.

در بخش پایانی مراسم مهندس احمد میرزاخانی با اشاره به کشف استعدادها، جوان، افزود: بسیاری از جوان‌های با استعداد مانند مریم هر ساله متولد می‌شوند و این وظیفه ماست که آنها را شناسایی کنیم و در پرورش این

درپی ابتلا به بیماری سرطان و چند سال مبارزه با این بیماری سخت و خطرناک و پس از انجام معالجات گسترده، انتشار خبر درگذشت پروفسور مریم میرزاخانی در تیرماه ۹۶ ملت شریف ایران را به سوگ نشاند.

هم‌زمان با وخامت حال پروفسور مریم میرزاخانی و بستری شدن در بیمارستان به‌منظور اطلاع از مراحل درمان این دانشمند جوان، مهندس احمد میرزاخانی و زهرا حقیقی پدر و مادر ایشان فوراً به آمریکا سفر کردند و با وجود برگزاری مراسم دعا و توسل متعدد توسط کارآموزان و هنرجویان خیریه رعده خبر درگذشت پروفسور میرزاخانی ایران و جهان را تکان داد. او که در زمان تحصیلش در ایران همواره با خیریه رعده همکاری داشت و به عنوان یکی از فعالان گروه همیاری جوانان به موضوع توانمندسازی افراد دارای معلولیت اهتمام می‌ورزید پس از حضور در دانشگاه‌های هاروارد و استنفورد نیز این ارتباط را حفظ کرده بود، بنا داشت در سفری که به ایران خواهد داشت با استفاده از توانمندی علمی خود، زمینه کشف و پرورش استعدادها، جوانان این سرزمین را شکوفا کند.

در این زمان که مردم قدرشناس ایران در شهرهای مختلف مراسم‌های یابود و گرامیداشت در تجلیل از مقام پروفسور میرزاخانی برگزار می‌کردند، مهندس احمد میرزاخانی با انتشار کلیپی ضمن قدردانی از ابراز احساسات مردم اعلام



چهره‌ها تلاش کنیم. رئیس هیأت مدیره مجتمع رعد؛ با اشاره به رسالت این مؤسسه خیریه، افزود: مجتمع رعد در این زمینه سوابق مؤثری دارد و برای کشف استعدادهای تحصیلی می‌تواند، مشارکت کند.

مهندس میرزاخانی با اشاره به ضرورت معرفی الگوهای موفق در جامعه، افزود: تفاوت الگو و اسطوره در آن است که اسطوره دست نیافتنی و دور از دسترس است اما الگو، قابل حصول و تکرار شدنی خواهد بود با این تعریف من موافق نیستم از مریم در جامعه اسطوره بسازیم.

از آنجا که سیل ملاقات‌ها و درخواست مصاحبه‌ها پس از بازگشت مهندس میرزاخانی به کشور ادامه داشت، وی با صدور بیانیه‌ای مهم‌ترین مسائل مورد توجه خانواده را اینگونه مطرح کرد:

برخود فرض می‌دانم که از تلاش‌ها، پیام‌ها و حضور تمامی دست‌اندرکاران عرصه اندیشه و قلم به ویژه مشتاقان علوم ریاضی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دخترم، پروفسور مریم میرزاخانی که سفیر توانا و زبان گویای استعداد و توانمندی‌های جوانان ایرانی بود، تشکر و قدردانی نمایم.

هوش، استعداد و درخشش بی‌نظیر جوانان عزیز وطن اسلامی این دانشمندان خلاق و انسان‌های متواضع در تمام زمینه‌های علمی، به‌خصوص علوم دقیقه از بدیهیات است و موفقیت‌های شایان جوانان این مرز و بوم نقطه عطفی در معرفی همت والای زنان و جوانان ایرانی در مسیر فتح قله‌های افتخار در عرصه‌های گوناگون دانشگاهی، مراکز علمی، هنری و ورزشی بین‌المللی است.

از آنجا که کشف، شکوفائی و فراهم نمودن زمینه رشد استعدادها از وظایف مهم احاد مختلف جامعه است. امیدوارم به فضل الهی بتوانیم با تشکیل بنیادها، مؤسسات علمی و به‌کارگیری توانمندی‌های خیرین و ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد و حمایت هر چه بیشتر مسؤولان و دست‌اندرکاران برنامه‌های راهبردی کشور همه استعدادهای ناشناخته موجود در کشور را به‌منظور بهره‌مندی و اعتلای این مرز و بوم شناسایی نماییم و گام‌های لازم در جهت رشد و شکوفایی آنان را برداشته و با هماهنگی هر چه بیشتر و بهتر همه مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی با رفع موانع و مشکلات اقتصاد فرهنگی ایجاد بسترهای لازم از قبیل: اعطاء بورس تحصیلی، ایجاد فرصت‌های مطالعاتی، اعطاء جوایزی در شأن این دانشمندان زمینه‌ساز شکوفا شدن همه استعدادهای ناشناخته در جامعه عزیزمان باشیم.

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و مرکز آموزش علمی- کاربردی نیکوکاری رعد آمادگی خود در جهت دستیابی به این امور مهم را اعلام نموده و با تلاش‌های چندین ساله در زمینه آموزش و شکوفا نمودن استعداد معلولان گام‌های مؤثری را برداشته و ایجاد یک مرکز مستقل فرهنگی را نیز دارد.

## برگزاری جشنواره فرهنگی ورزشی کارآموزان



ناحیه ۷ شهرداری منطقه ۲ اهدا شد. در بخش فرهنگی علاوه بر برگزاری مراسم جشن تولد کارآموزان متولد مردادماه، امیر پرواز با موضوع «یوگای خنده» گفت: خنده نیاز امروز جوامع بشری است و مغز انسان تفاوتی بین خنده واقعی و خنده غیر واقعی قائل نمی‌شود و در هر دو حالت اثر جسمانی یکسانی در بدن انسان اتفاق می‌افتد.

به همت شورای کارآموزان نخستین جشنواره فرهنگی ورزشی کارآموز در ۲ بخش مسابقات ورزشی و برنامه فرهنگی با حضور توان‌یابان مجتمع رعد برگزار شد و علاقه‌مندان به رشته‌های فوتبال دستی، پینگ‌پنگ، شطرنج و پرتاب دارت با یکدیگر به رقابت پرداختند و در پایان به نفرات برگزیده رشته‌های مختلف جوایزی از سوی اداره تربیت بدنی معاونت اجتماعی

## توسعه همکاری حلقه امید و مجتمع رعد



سرویس مدرسان داوطلب این گروه استفاده کند. ارتباط با «انستیتو بازی‌سازی ایران» به منظور برگزاری دوره بازی‌سازی و کسب درآمد برای توان‌یابان بخش دیگر از توافقات انجام شده در این دیدار بود. شایان ذکر است دکتر حمید رضا مقتسمی دارای مدرک دکتری انفورماتیک پزشکی است و عبارت امید مخفف انجمن مدد یاری دانش است.

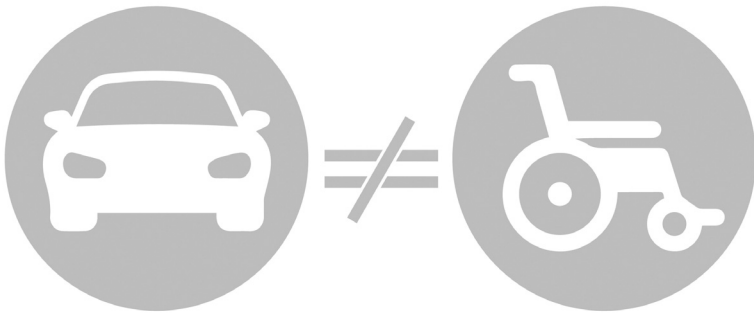
بر اساس این گزارش؛ حلقه امید به منظور حمایت‌های غیرمالی از قبیل: فعالیت‌های زیست محیطی، آی تی و انفورماتیک، آموزش و معرفی مدرس به جامعه هدف که توان‌یابان بهزیستی، کودکان صعب‌العلاج، کودکان کار و کودکان بی‌سرپرست هستند پایه‌عرصه فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه گذاشته است. در این ملاقات تصمیم‌گیری شد، مجتمع رعد عضو کارگروه‌های هنر و آموزش حلقه امید شود و همچنین از

با هدف ارایه سرویس‌دهی بیشتر به توان‌یابان، چند نفر از مسؤولان گروه غیرانتفاعی و مردم نهاد «حلقه امید» با مدیرعامل رعد دیدار و گفت و گو کردند. دکتر حمیدرضا مقتسمی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب به همراه یک نفر دیگر از مدیران این گروه ضمن ملاقات با مدیرعامل رعد، درخواست ارائه سرویس‌های غیرمالی این گروه را برای توان‌یابان رعد مطرح کردند.





## حمایت دولت و پلیس راهنمایی و رانندگی از رفت و آمد شهری توان یابان



راهور ناجا نیز با اشاره به مشکلات تردد معلولان در معابر عمومی، گفت: نیروی انتظامی درصدد است تا قوانین حمایتی خاصی در آیین نامه راهنمایی و رانندگی برای این عزیزان لحاظ کند.

که در کمیسیون اجتماعی دولت گذرانندیم تحت عنوان «حرکت با ویلچر حرکت عابر پیاده» است و قبلاً حرکت با ویلچر، حرکت با خودرو تلقی می شد. همچنین رئیس اداره حقوقی پلیس

علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه مصوبه‌ای تحت عنوان «حرکت با ویلچر، حرکت عابر پیاده است»، در کمیسیون اجتماعی دولت خبر داد و افزود: «تاکنون حرکت با ویلچر، حرکت با خودرو تلقی می شد، اما به زودی قانون جدیدی در هیأت دولت به تصویب می رسد».

وی با بیان اینکه خط‌کش یک جامعه اخلاقی به میزان توجه آن به گروه‌های خاص باز می گردد، گفت: کمیسیون اجتماعی باید بر روی کودکانی که نمی توانند زندگی طبیعی داشته باشند، سالمندان همراه با ناتوانی و گروه‌های معلولی که پر از استعدادند اما فرصت نابرابر اجتماعی دارند، متمرکز شود از این رو مصوبه‌ای

## نشست مشترک مدیران مجتمع رعد و مجموعه خط زندگی



زندگی توان یابان کشور شاهد باشیم. خط زندگی ارائه دهنده سرویس‌های مورد نیاز به افراد سالمند و دارای معلولیت است که متقاضیان برای بهره‌مند شدن از خدمات آن کافی است با شماره ۴۳۲۷ تماس گرفته و درخواست خدمات مورد نیازشان را مطرح نمایند تا کارکنان مجموعه خط زندگی نسبت به انجام آن اقدام نمایند.

آن مجموعه، بحث و بررسی شد. منصوره پناهی مدیرعامل رعد ایجاد سرویس‌های تخصصی برای خدمات‌رسانی به افراد دارای معلولیت را بسیار ارزشمند و حائز اهمیت دانست و افزود: امیدوارم با امضای تفاهم‌نامه همکاری‌های مشترک با مجموعه خط زندگی در آینده نزدیک بتوانیم در کنار مجموعه خط زندگی نتایج اثربخشی را در بهبود کیفیت و سبک

در نشستی با حضور منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد و جلیل یار محمدی رئیس هیأت مدیره مجموعه خط زندگی، زمینه‌های همکاری مشترک بررسی شد. در این نشست که با حضور مدیران ۲ مؤسسه همراه بود، ارائه خدمات تخصصی افراد دارای معلولیت به ویژه اشتغال توان یابان در مجموعه خط زندگی و استفاده از توانمندی‌های توان یابان برای همکاری با



## بام ایران پذیرای مقدم همیاران رعد بود گزارش صعود آتری و پاشا همتیان به قله ۵۶۷۱ متری دماوند



آتری و پاشا همتیان ۲ نفر از اعضا گروه همیاری جوانان رعد هستند که مدتی پیش از صعود به قله دماوند، علاقه‌مندی خود را برای اهدا کردن صعودشان به مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و حمایت از توانمندسازی جامعه توان‌یابان ابراز کردند.

این خواهر و برادر ورزشکار که از مدت‌ها قبل با گروه همیاری جوانان رعد ارتباط داشتند، هدفشان را «شادی‌بخشی» به کارآموزان رعد و انتقال مفهوم «همه باید به یکدیگر کمک کنیم» بیان کردند. آنچه در ادامه می‌خوانید گزارشی از صعود آنها به بام ایران است.

آتری همتیان: برای کسانی که با صعود به قله دماوند آشنایی دارند، روشن است که صعود از جبهه شمال شرقی بسیار دشوارتر از صعود جبهه جنوبی است و برای من که چند سال قبل، یک‌بار از جبهه جنوبی صعود به دماوند را تجربه کرده بودم، صعود از جبهه شمال شرقی بیم و هراس‌های خاص خودش را در پی داشت ضمن آنکه این صعود یک صعود سرعتی محسوب می‌شد و برای این منظور قبلاً وضعیت هوا بررسی شده بود اما بارش برف و زدن صاعقه در زمان برگشت به کمپ غافلگیری‌های خاص خودش را داشت.

از شرکت اسپیلت البرز و پروانه کاظمی، تنها بانویی که در جهان قله‌های اورست و لهوتسه را در عرض یک هفته صعود کرده است و همچنین سه‌سهند عقدایی مدیرعامل این شرکت که با انتخاب یک تیم ۱۶ نفره از سراسر کشور یک صعود موفق را پایه‌گذاری کردند هم باید تشکر فراوان داشته باشم.

صعود به قله دماوند پیش‌نیازهای مخصوصی لازم دارد که از تمرین و صعود به قله‌های کم ارتفاع گرفته تا رژیم مایعات و عدم استفاده از غذاهای سرخ شده را شامل می‌شود. من و پاشا ۲ ماه قبل از صعود دوره آماده‌سازی را آغاز کردیم و برادرم علاوه بر جمعه‌ها که با هم توچال می‌رفتیم در هفته ۲ بار هم عصرها بعد برگشتن از سرکار به توچال می‌رفت تا به مرز آمادگی برسد.

یکی از تفاوت‌هایی که صعود از جبهه شمال شرقی با جبهه جنوبی دارد، علاوه بر دشواری و شیب تندی جبهه شمال شرقی، مسیر نسبتاً راحت برگشت از جبهه جنوبی است زیرا کوهنوردان مسافت قابل توجهی از مرحله برگشت در مسیر جنوبی را



به طریق «شن اسکی» پایین می‌آیند و این مسأله سرعت برگشت به کمپ را افزایش می‌دهد و در نتیجه توان و انرژی کوهنورد در مرحله برگشت کاسته نمی‌شود.

پیش از صعود ما به کسی نگفته بودیم که قرار است ما این صعود را به مجتمع رعد اهدا کنیم وقتی هم‌نوردان در مسیر از هدف ما آگاه شدند بسیار از این کار استقبال کردند و در قله ما چند عکس با بنر مجتمع رعد گرفتیم. اتفاق فوق‌العاده تأثیرگذاری که من در این صعود با آن روبه‌رو شدم ملاقات شخصی بود که یکی از پاهایش از ناحیه ران قطع شده بود و با وجود چنین شرایط بدون استفاده از تجهیزات خاص یا باتوم کوهنوردی، تنها با عصای معمولی به قله صعود می‌کرد این آقا که واقعا نشان می‌داد ورزشکار باشد، و من نامش را نپرسیدم، سر قدم گروهی از استان لرستان بود و حضورش در چنین مسیر سختی که در برخی از قسمت‌ها افراد سالم برای عبور از سخره‌های سنگی، چهار دست و پا بالا می‌رفتند، بسیار حیرت‌انگیز، غرورآفرین و تأثیرگذار بود. کوهنوردان رسمی دارند که وقتی از کنار هم عبور می‌کنند به همدیگر خدا قوت می‌گویند اما برای من در این صعود افتخار بزرگی بود که چند گام پشت سر چنین ابر مردی حرکت کنم.

زمانی که برف و صاعقه ما را محاصره کرده بود به این فکر می‌کرد که چه اراده و همتی می‌خواهد که یک فوق ابر مرد با ۲ عصای معمولی صعود از جبهه شمال شرقی را انتخاب کند. صعودی که از جبهه جنوبی هم کار آسانی نیست.

پاشا همتیان: صعود به قله دماوند نخستین تجربه من بود، البته ۵ سال قبل به کولکچال می‌رفتم و از کودکی هم با پدرم به اسکی و کوه می‌رفتیم اما قبلا به دماوند صعود نکرده بودم.

من چند سالی است که با رعد آشنا هستم و یاد گرفتم که معلولیت به نقص عضو نیست و این مهم است که در ذهنت چه می‌گذرد. من افرادی را دیدم که سالم هستند اما خیلی از کارهایی که توان‌یابان رعد انجام می‌دهند را نمی‌توانند انجام دهند.

آتری همتیان: اینکه چرا ما این صعود خود را به مجتمع رعد اهدا کردیم به این دلیل است که ما همگی باید بدانیم که هیچ‌کس کامل نیست و هر کدام با مشکلات مختلفی دست و پنجه نرم می‌کنیم برای همین همه باید به یکدیگر کمک کنیم و دست کمک به هم بدهیم و در مرحله بعد هر لحظه ممکن است من که

سالم هستیم، جسمم آسیب ببیند ولی بقیه توانایی‌هایم را که دارم و نباید سایر توانایی‌هایم نادیده گرفته شود.

در تمام زمان صعود و رسیدن به قله به یاد توان‌یابان رعد بودم، حتی زمانی که مایوس و نا امید در سرمای طاقت فرسا، آرزوی کمی هوای گرم را داشتم به خود می‌گفتم اگر من کنار بکشم، بچه‌ها رعد چه بکنند. ما خواستیم شادی‌رسان باشیم، هوای هم را داشته باشیم و راه را برای همدیگر هموار کنیم.

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد ضمن تریک به آتری و پاشا همتیان، خواهر و برادر ورزشکاری که با صعودشان بر بام ایران یک بار دیگر غلبه قدرت همت و اراده را بر قله‌های سر به فلک کشیده ثابت کردند، برای آنها سلامتی و موفقیت بیش از پیش آرزو می‌کند.



## برگزاری همایش ملی فعالیت بدنی افراد دارای معلولیت



دارای معلولیت در ایران را تشریح کرد و سعید سعیدآبادی مدیرعامل انجمن عالی مراکز معلولین کشور، فعالیت‌های ورزشی مراکز توانبخشی غیر دولتی را برای حضار تشریح کرد.

سپس امید میرزاحسنی مدیر بخش سنجش و کلاس‌بندی آکادمی ملی المپیک، مطلبی را برای آشنایی بیشتر حاضران با موضوع کلاس‌بندی افراد دارای معلولیت در رشته‌های مختلف ورزشی بیان کرد و دکتر حامد عباسی استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی به عنوان آخرین سخنران، حرکات ورزشی مناسب توان‌یابان را معرفی کرد.

در بخش دوم همایش طایفه آقاحسنی مسؤول فعالیت‌های ورزشی مجتمع رعد به تشریح مناسب‌سازی حرکات و نرمش‌های ورزش تای‌چی برای توان‌یابان برای نخستین بار در خیریه رعد پرداخت و در ادامه دکتر محمدرحیم دبیرانجمن بوچیا و یاسمن مؤیدی رئیس انجمن ورزشی برایتونیک به صورت عملی این دو رشته ورزشی را برای حضار معرفی کردند.

در حاشیه سومین نمایشگاه بین‌المللی تخصصی خدمات توانبخشی معلولین و جانبازان و صنایع و تجهیزات وابسته، همایش ملی فعالیت بدنی برای افراد دارای معلولیت با محوریت مرکز ضایعات نخاعی جانبازان بنیاد شهید و امور ایثارگران، مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و آکادمی ملی پارالمپیک و مشارکت سایر مراکز فعال در حوزه معلولان برگزار شد.

در این همایش ملی که کمیته اجرایی آن به مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد واگذار شده بود، پس از گزارش دکتر فریبا محمدی نائب رئیس آکادمی ملی پارالمپیک و دبیر علمی همایش که به دلایل برگزاری همایش اشاره داشت، محمدرضا اسدی معاون توانبخشی سازمان بهزیستی استان تهران با موضوع ورزش در سازمان بهزیستی به فعالیت‌های این سازمان به توسعه فعالیت‌های بدنی افراد دارای معلولیت در مراکز غیر دولتی معلولان پرداخت. در ادامه دکتر حسین شهریاری معاون ورزش همگانی فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان، ساختار ورزش همگانی برای افراد

## معرفی قهرمانان تیم ملی جوانان بوچیا



در مسابقات قهرمان کشور بوچیا جانبازان و معلولان که در سالن ورزش فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان برگزار شد، برهان کوهکن عضو تیم استان تهران با پیراهن مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد مقام سوم را کسب کرد. همچنین خسروی مقام پنجم و امیرحسین صحبتی و فرید جوادی مقام ششم این دوره از مسابقات را از آن خود کردند.

## ساماندهی خدمات و مشاوره‌های حقوقی در خیریه رعد



در قسمتی از این نشست محمد رحمانی مدیرعامل مؤسسه وکلای بین‌المللی بیان امروز با اشاره به انگیزه‌های انسان‌دوستانه در پذیرش این مسؤولیت، افزود: مؤسسه ما در امضا این تفاهم‌نامه فقط به انجام مسؤولیت اجتماعی فکر کرده است و علاوه بر ارایه حمایت‌های حقوقی و قضایی در نظر داریم با طراحی سازمان حقوقی و مدیریت این بخش به ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی مسأله معلولیت بپردازیم.

شایان ذکر است این خدمات در قالب مسؤولیت اجتماعی به صورت کاملاً رایگان به مجتمع رعد ارایه می‌شود و در مقابل مؤسسه وکلای بین‌المللی بیان امروز به جمع حامیان معنوی خیریه رعد می‌پیوندد.

و پی‌گیری پرونده‌های قضایی از جمله خدماتی است که مؤسسه وکلای بیان امروز به خیریه رعد ارایه می‌دهد. همچنین براساس مفاد تفاهم‌نامه مذکور علاوه بر کارآموزان و هنرجویان، کارکنان مجتمع رعد نیز از خدمات مؤسسه وکلای بیان امروز بهره‌مند خواهد شد.

مدیرعامل مجتمع رعد با تبریک به مسؤولان مؤسسه وکلای بین‌المللی بیان امروز برای حمایت حقوقی از جامعه توان‌یابان، افزود: یکی از آثار مهم همکاری مؤسسه شما با مجتمع رعد در موضوع پیشگیری از معلولیت، خود را نشان خواهد داد و کارآموزان با آگاهی از مسائل حقوقی حضور اجتماعی مؤثرتری از خود به نمایش می‌گذارند.

با امضاء تفاهم‌نامه همکاری مشترک مجتمع رعد و مؤسسه وکلای بین‌المللی بیان امروز، حمایت‌های حقوقی و قضایی از کارآموزان رسماً به این مؤسسه حقوقی واگذار شد.

در نشستی که با حضور منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد و محمد رحمانی مدیرعامل مؤسسه وکلای بین‌المللی بیان امروز، برگزار شد ضمن امضاء تفاهم‌نامه همکاری‌های دوجانبه، راه‌های گسترش همکاری‌ها در دو طرف مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

براساس این گزارش طرح دعاوی حقوقی و کیفری خیریه رعد در محاکم قضایی، تنظیم دادخواست از سوی توان‌یابان، ارایه مشاوره‌های حقوقی

## همکاری رعد با دومین جشنواره نقاشی رنگ صلح



**فراخوان حضور هنرمندان توان‌یاب در دومین جشنواره نقاشی رنگ صلح**

با هدف معرفی توانمندی‌های هنرمندان توان‌یاب، مجتمع رعد به‌عنوان "همکار مهمان" در برگزاری دومین جشنواره نقاشی رنگ صلح که توسط آموزشگاه هنری پویندگان با موضوع "هنر، انسان، صلح" برگزار می‌شود، همکاری می‌کند و براساس توافق انجام شده آثار برتر هنرجویان توان‌یاب در مرحله پایانی مورد داوری قرار می‌گیرد.



مجمع آموزش نیکوکاری رعد



▲ I am a common pain, believe in me!

Conversing with Sarveh Sheikhi, student of MA majoring in architecture



Sarveh got MS after she finished her BA in architecture and got confined to her home because her workplace wasn't fit for her condition. Having become familiar with Raad institute, she participated in several training classes and is now busy writing her thesis on the necessity of adaptation in intercity restaurants and residences

▲ People with disabilities' rights in developed countries

An article by Saeed Zaroori about how people with disabilities' rights are observed in developed countries

▲ What matters in a marriage is communication between the two sides

Conversing with Fariba Asgari and Reza Sadeghi, a couple who are both physically challenged



Fariba sustained a spinal cord injury in an accident 6 years ago and her husband was born physically challenged. One of their children died in the same accident. Fariba says: "one of my children and also my brother died in this accident" they currently have 3 sons. Their elder son is 17 years old, the second one is 9 years old and the youngest of the three is 2 months old. Fariba is currently a student of pre-BA in

the University of Applied Science and majors in people with disabilities coaching and happens to be not only a Mom and a university student, but an athlete. She is a member of the national teams of Javelin and disc throw and is also a member of Tehran's women basketball with wheelchairs team and has participated in several competitions and has won different medals.

▲ A day with Raad's Tai Chi students



A report of the Tai Chi class and talking with the coach of the class, Marjan Vahidnia, and also a number of the students of the class who have obtained their coaching badge

▲ The domain of love

A poem by Mohsen Hosseini Taha

▲ Zuckerman, musician

Luminaries with disabilities

▲ How to subdue your voracity for food

Health

▲ Introducing a book

▲ What's up in Raad?



▲ We have a long way to go for adapting the city for people with disabilities and for the visually impaired

A conversation with Sahar Tehrani Fard, attorney at law

Sahar lost her eyesight due to a disease when she was little; however this has caused no hindrance in her way to success. She learned swimming on a professional level, learned playing the piano on an advanced level, learned both English and French in full command with an MA in Law, is a lawyer at her own office. Her major is the rights of individual ownership and - apart from being a lawyer - works with the website Café Bazaar, too. According to her, the city of Tehran is not suitable to live in for those who are in any form of disability. We sat down with her to a conversation about her expectations of the mayor and the members of the new City Council of the city she lives in.

▲ Our laws do not have the necessary executive guarantee

A conversation with attorney at law - Behnaz Rezaei - about her expectations of the City Council and the new mayor



Having passed the Law exams and having been working in this field for ten years, Behnaz sustained a spinal cord injury in an accident in 2011. After this event and being disabled, because the courts weren't adapted, she became unable to continue working in her profession. She believes that a person who has disability should not be concerned about the future. This mental security has to be provided by governmental entities and the people should make sure that they must not be worried about the future regardless of any disability they have.

- ▲ A council that is formed for the first time in Raad?!
- ▲ A responsibility of the government's or pity by

those in charge?!

A note by Sarveh Sheikhi about people with disabilities' rights that should be observed

▲ People with disabilities' expectations from the members of the new city council

A note by Farzaneh Habooti

▲ Dad! Mom! I am with you

A note from the heart by Alireza Gholikhani who is one of the rehabilitants of Raad institute about his expectations from parents who have children with disabilities

▲ The necessity of single sound led to the formation of the National Network of the Visually Impaired

A conversation with Soheil Moeini- the managing director of the national network of the visually impaired association about why this network was established



Soheil Moeini holds an MA in International Relations. He happens to be the first person with disability to serve as an advisor of the Minister of Welfare after the revolution. Moeini worked in Islamic Republic News Agency (IRNA) as a news expert for years. He is also the first visually impaired editor in chief and director of a newspaper in the history of the country. Moeini is the managing director of Bavard Association and a member of the office of adapting the areas of Tehran and also the managing director of the national network of the visually impaired associations. According to Moeini, the national network of the visually impaired and those with poor eyesight association is the only network in the country specific to a certain type of disability. There is currently no official nationwide network of people with disability association in the country. His advice to the members of the City Councils of all cities is to form a think tank with the presence of the representatives of different groups of disabilities so that through which they would be able to follow up on their needs



### Leading article

#### ▲ Editorial

▲ Our effort is that what we say be real

Conversing with Dr Zahra Nejadbahram, a member of the new city council



Nejadbahram holds a PhD in political science and has a lot of educational, managerial and executive experiences under her belt. She is hopeful that they would be able to make the city accessible for all citizens with the help of the members of the fifth city council and by relying on the comprehensive law of supporting people with disabilities' rights. She believes that if the members of the new city council would be able to create harmony with people with disabilities' forums, not only those seeking rehabilitation and people with disabilities will have their needs met, but those who aren't disabled will also benefit from it.

▲ Unfortunately it is still the case that accessibility is confused with adaptation

Conversing with Dr Ali Saberi, member of the fourth city council about the actions he took with respect to people with disabilities during his tenure

In the fourth city council, Dr Saberi was elected having represented people with disabilities NGO's, however as to the fifth city council election he withdrew having not been endorsed by the Omid list. He says: "the definition I had in the city council with respect to people with disabilities applied to three areas; one of them was that I would see to the demands of people with disabilities who would come to me in person. The second one was that I was sensitive to the council's directives relating people with disabilities, and the third one was about the special issues relating people with disabilities. For instance, I believed that if there were a park or a public area to be constructed, its accessibility and the state of being adapted also needed to be taken into consideration.

▲ Our problem is not the absence of law; it is the absence of implementing the law



A conversation with Dr Amir Mohammad Khani, PhD graduate of Architecture and university professor about the problems of architecture in Tehran and in other cities of Iran

Dr Mohammad Khani worries about the harms done to the architecture of the city, "Unfortunately we are not at the beginning of a crisis in the area of architecture and urbanization; we are right in the middle of it! This university professor believes that if we keep on like this, we will face an urban and a human catastrophe in the years to come.

▲ The city should be accessible for all its residents

Conversing with Ali Fayazi, PhD student majoring in architecture in Azad University and a member of the University's scientific board

In this conversation he referred to two special expectations we can have from the members of the new city council and the new mayor. According to him, one of these expectations would be a more specialized and a more scientific adaptation, and the second one would be that they present their short-term, mid-term and long-term programs as soon as possible. Fayazi believes that from now on it won't be just people with disabilities who will encounter problems living in the city; in a few years our cities' biggest problem would be the rise in the population of the elderly. So, it is imperative that the accessibility to public areas and their adaptation be taken into serious consideration. He says that one of the biggest problems of people with disabilities in order for them to enter the society is commuting in the city and the transportation system and the city council should take serious planned actions in order to make progress with the adaptation of the passages and the transportation system on a phase by phase basis.

